

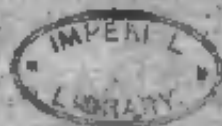
١٩٣٤  
نتيجة مفتاح الفلاح

مكتبة الفقه  
بجدة ١٩٤٤

١٩٤٤

١٩٤٤





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مفتاح فلاح دنیا و عقبی و مسئله محتاج آخر

و اولی حد و شای بارگاه کنایه نیست که در ظاهر

کلید خزان فضل و اجنان و مفتاح ابواب طول و

امتنان است

عبادت حق و طاعت علی و زینت حج و احبابش

پیش از صبح و بعد از عصر و در هر حال و هر مقام

مناسبات و حکامی بر خاست نخستین حمد و شکر

مقصود خویش دیند صحیفه اعمال و احسان و

باران رحمت از آستان و چیدار

لجانب سائلان بارگاهش واضح و لایح در آغاز سخن  
که بدست کرمی بجوش آه سرده کنه کاران خرم خرم  
وزد و صرصیان دزد هر سوزد عزیزی که بدست بگری  
بقوتیش یزدغای مظلومان صد جوشن و خفتان  
بر هم خورده اندک ملت ایة الکرسی صدک مطلب بگری  
نشاند و پیک ایشان حزب الجزیاء گروه مستمکن  
بآب رساند سیفی را اثری بجوشید که آخرت ان  
جوشن راودی سود دهند و جوشن را بقوتی بگری  
که از سیف ضری باور کند رسید در سفلی و هیچ غنا  
دین علوی مصری را قلم مقام ذو الفقار خدیجی  
کرد آید و در حفظ ارباب حقین خرم ایمان آید  
کند اسکندهی نقالی شانه و عظم ایشان و وسیله  
وصول طالب فارین و در لایحه حصول مقاصد  
دشمن صلح و در هر روز رسول واجب الکریمیت  
بین بر تبه عجز و رجعتش در قتل و کشتن  
و قتلش قاسم حسین و لایق طالبان

پرواز و غش و استیاد و بر شاخ سدر و انشور  
 و کینت خوش خرام بختش را عیدان و استوت  
 نعطیات ترکت و مرضی هر کردین افتاب برکت  
 دعای اجابت فریدش کا الشمس از انجم و فرو نشسته  
 اند که قارس در شب میلاد سعادت دنیا و  
 کالبد او علی عالم تسبیح حصار رکعت معجز غایب الا  
 معجزات ظلمت اش که کبر اف زبانه از یک بیابان  
 و ملان متابر قاف و در قاف سنا یکی از ایلک باهر  
 که و انوار و قرون از و طریقت با اذن شکستن طاق  
 کسری هم گام طلوع کو کتب سعادت است ابراهیم  
 استیلا لی بود ظاهر بر شکافتن بهر منبر که باشد  
 سوانکت معجز غایت ملت افتاب تابان مشاهده  
 شد و فرو رفتن آب در طرد شب میلاد و معجز پرا  
 مقدمه بود لایح از معجزات خداوند که از هر چه  
 نیکویش قرون از معجزات و عیان هر که دید روح الامور  
 که بر خیل هر دو عیالات اگر کتب سعادت ماورای قوس

بیان فی وجه پروردگار احدیست او نیست و بیایده  
طین که مسجود تمام کرده و بیایست اگر در شرف انبیا  
بنابر چه شکست از خاک برداشته و نه تلو در روزی که  
شفا عیش کترین گناهی را بر اوستان چنان سوار  
و وقت که دعوی غیبتش در محکم ضامن سید  
و در روز عیوان خدا لشع عبادت صید سالی و لا  
الاعمالش که عرض نمود که برای آن بقید و لم مقید  
با غلال و سلاسل نکرید و ناولت اهل علم و  
علیهم اجمعین الی یوم الدین و بعد برای حقایق  
نمای هوشمندان حقیقه کترین که بر تواناب هدایت  
بر دلان و هر چه خضر عنایت سبوانی در چشمه حیات  
تحقیق و ایمان بی پرده جمال شاهند حقایق و شایلا  
کاهی در این مسکنندری ظهور جلوه کربان و انجلی  
و محقق خواهند بود که ملت غائی و غرض اصلی از ابداع  
انسان و اختراع این زندان نتایج ارکان و خلاصه آن  
عالم امکان بر وفق طغرای و مناظر است و الا

الاستعدادون فواظبت برطافات واستغاثت  
تأليكم كسر كسر في غور استعداد و طابقت كسببها  
الكتاب عما يدور في استحقاق واهلية كذا لها  
فمنها من فراديد واولاد حرة واهلها و مستحق نعمها  
لا نقد ولا محض كد يدور ومرتبة خود در جنات  
عزت بعضها فوق بعض ورا كبرند و يجوز ان جعلت  
مستغفرة من باب كتاب مفتاح الفلاح كحضر  
شيخ محقق و تهرير ملحق و حيد زمانه و علامته و  
الشيخ بهاء الملة و الدين محمد العالمى عامله الله  
بلفظه الخفى و الجلى در صلوات و ادعية مشايخ  
تأليفه مودة كايست جليل القدر عزير الشأن  
الشان عليم الشأن قباى قلمى ليست و نه جوفى  
توصيف ان نارس و جامع طويل الذيل الفاظ و  
ان كونه خفى كل سطر منه روض من الخضر و  
معنه عقد من الدرر لم يكن چون زيارت سميت  
بافت و جمعى لكثرة فارسى مانوس و الوفاء

از این چندان تمتع و بهره نیست چنانچه این فاضل شیخ  
بسیار و باریک جمال الدین محمد بن حسین خوانداری  
و منشی که از اینان فاضل شیخ ترجمه نماید تا کسی طوایف  
الغایب و خواص و عوام را از آن محظوظ و بهر و مبتکر کند  
چنانچه این اقدام نموده آنچه کلام شیخ رحمه الله بود ترجمه  
نموده و در حاشیه آن کتب را عموماً در حاشیه نقل کرده و ترجمه  
آن را در تحت آن نقل کرده اند و در هر جا که احتیاج  
به توضیحی بود خواه از فقرات دعا و خواه از ترجمه کلام  
شیخ در حاشیه توضیح آن فرموده و همچنین آنچه از کلام  
علائی در این کتاب مذکور شد نقل احوال علما  
در آنها و ترجمه هر طرف که با عقاید فقیر و ترجیح  
داشته در حاشیه نقل شده و آنچه شیخ رحمه الله در  
توضیح بعضی از فقرات ادعیه نقل فرموده و در بعضی  
تعبیرات تازه شده در حاشیه نوشته شده و در  
این شد قلم شده و بعضی دیگر مضمون آن را در حاشیه  
بسیاری از شیخ نقل شده و مستحقان دیگر این کتاب





البصائر را بر هوای این شهر افتاده که این کشور را محو و مقلوب  
 نظر ادبستان دکان پادشاه کرد و در نظیر سلطان بنویان  
 و شهرهای دوران یعنی صاحبقران کیتیستان انجم  
 سپاه کرد و در نگاه شهر را عادل با ذل و نایاب کرد  
 در طی وادی مدیجش شهر را بلند و از بعضی صد بار  
 بالکناشته و کیت غوش خرم قلم فرودم چندین  
 نعل انداخته و پر خرد کیت ساح عولم لفظ و معنی  
 از برای در نوشتن این پایان بی پایان بر زبان قلم عجا  
 فولاد برداشته و در ناطقه که تالیم بحر نظم و نثر است  
 شعله هر شعبه را بر یکبار سیفینا ساخت و نه  
 عالمستان آسمان تحت جهان که جوایز است هم  
 هم از روی زمین و دولت هم نالان ز عدلش ملک و ملک  
 هم روی زمین زیر کیتش ظلم و فتنه انکسار  
 تبصر و دلش چون طاق بستند و بان طاق کیتی  
 شکستند فلک حیران را فسر اوست قیامت جو  
 جوش لیکر اوست خیمه بر تال در کاوش

جوانمرد

ملاطیات بر آفتاب و بر آتش و بر باد و بر باران  
ملاطیات پاشیده اند که در ستر زمین و آسمان فروخته  
و درین حلقه اطرافش در کوش کردن خود را بر سر خط  
از امتیاز خاشیه و آتش بر دوش کشیدن و دوش آتش  
دولت جاویدان و آتش اگر فصل یک ازین حلقه در کوش  
همه را کند جاوید و اگر شمشیر طاق آید ازین سبب است  
جام خورشید که با دهم برسد اگر علقه درش با کوش  
حلقه قدر شدی زمین در غرق آتش کشی و اگر بنا  
نمین اطرافش با آتش درش بنامی جوی جهان سر آید  
تجربه سخاوت در بهمان در کنار ملسان کنایه  
اگر روزی رفی این از او دود در نک مافی نایل کند  
و حساب عطایش لای آب دار بر سر روی سلطان  
نثار کند تا قطرهای جوی خجالت در آن شسته گردد  
شیخ آید از آتش در جان شمنان اندازد و عیان  
آتش از جوی خون در میان روان سازد هنگام  
آلای بدن شیخ مافی آسمان در شکم بر جیدن و

شهرت آید

ک

این اوزن کاوز میوز و دشت دزدانک میوز  
 شاه را عدل و انصاف از یکدیش از انان خطا  
 از رشاک که را بشی دست مخافین از بس خون و زهر  
 از بجزان کرده بر ناک کل بجوی برادر و از سر و دماغها  
 گفت عطا دین از بس که در دیوانت بر ناک کشته ابری  
 بنظر در ایام که که میون بیرون و رو کل عادی غریبه از او  
 متکی نکند و اگر عیای نه بر یک لا ایستای فقر و نیاز  
 و دیگر اثری چکند نه اوج فرج نشود در غیب که اوستا  
 پادشاه بر کور و نظیر ملوک هم کیانند و در بر پادشاه  
 آیت نمیکند و جام اخراج نمایند هر جا که گشتی  
 حلش نکرانند و اگر هم نکرانند که بیاید و در  
 که کی شکوهش سایه افکند اگر همه قاف باشند  
 بگذار در در زمان عدالت تو اخراج بر جا و پستان  
 که از شعیر گیر و شعله در بر و بال بر و طر جامه بر میان  
 و بر ضرر ضرر و از ارای آن نه که زانند چهره کل  
 بشکند و یاد هر کان بر اقلیت آن جا که سر و دست

تا به عهد ستم کرد از خند و شادمانی هر چه که  
فایده نداشت به جادایند و قتیله جور از بحر و جلد  
نیست که در آوازهای عشق میباشید در دوزخ و این صفا  
حق الهی و وارید چنان از چشم او نماند که هر صدف که  
دیگر کوهل نکند و با قوت هر چه شود و استوار نکند  
از سفال که بود اصل که از تمام زلفها شایسته تر از  
شبتک و مجرای آنند و حوصله از دست و جان نماند  
صدیق صدف در انتظار مثنوی امیر و ارید او به  
و چشم در دریای خوار و سفید شد و عجب انکار کرد  
دست درفشانش کاوش کرد و در آید و چنان  
افتاد و طیفه این که از سیم گفت که بخشش در باران  
بر ایقام افتاده و گاه منقل بر آن خرا از اصل و با قوت  
پیش خود نهاده هر کوهی که در پهنه صدف کشیم  
باز کند بجانب این بحر کرم و جود و غلطان و هر آملی  
که چنین دلیلی بر وی کار آورد و بکار و اعتماد همه  
و بخار و این حاصل بحری که بر افشانی یک لحظه کند

چهارایش و فغان کند و سراج عراقین بر زبانش بگردد  
فغانست سنجایش و فغانست و فغانست و فغانست و فغانست  
اطفال شیرخوان بر سر پهلان نکبت زدند راست  
و اگر دعوی کند که دکان با از شیر و شمشیر  
شیر و دم شکستند و دست بر خند کش اگر افروخته  
ممالک ارواح دشمنان و کیش قلم از خاکش  
تمام آن مملکت را بیاوردش بقبضه تصرف در آور  
و اگر بفرجه چاه نشینی دو گوشه دکان نشیند چنان  
که بفرجه چاه نشینی دکان نشیند چنان  
دور بیدستان بر کشد افتادش بر سر و بر تو افتد  
که شب ظلمانی هوش در دم سپری شد و هراسی  
بطرف کرد که در مرغ و وحش در نفس پرواز کرد و بفتح  
ابد و بطرف هر که در لور و اگر هر دو چشم دستان باشد  
دست از جان بشوید و بایستادن جانستان مجادبت  
هر که خاک کند اگر صد جوشن و خفشان پوشد ای کاش  
بگوید و چشمش برین خصم بداند که چون خاز

فیشتافرت سینه معمر بیندانش کند که رسم افشاک  
نیاید و صفت پریشان رنگش اهن قلیان و دوزبکا  
ز شیرین و دوسپر و چو زکار فرماست و بیک لطف و  
جهانبانی غره ناحیه عظمه و کثورتانی محل بلند  
چمن عبادت و امثال نظامت و ستارکشن دولت  
و ابلاقی قیاس و دوز و چو سر لوح صحیفه جویدم  
فلک این عالم و انصاف شعله نیستان جویدم  
تو شش بولش صفت و مدله بود که قواعد امانت و  
بر حقه سلطنت اجداد و خاندان خلافت در التاج  
ولایت و ادب و شش بر حقه و امانت و امانت و امانت  
عالمیت و امانت و سلطان شاه و حق و امانت و امانت  
ما اجداد و امانت و امانت و امانت و امانت و امانت  
غرای و امانت و امانت و امانت و امانت و امانت  
قبول و امانت و امانت و امانت و امانت و امانت  
ان گوید و امانت و امانت و امانت و امانت و امانت  
نظران و امانت و امانت و امانت و امانت و امانت

التفاني كله كوشه القهار الاطلس جرح طرازا عينا  
خواهد یافت و اکنون هنگام شروعت در تیرگی است  
و راه و التوفیق فی کل باب

بسم الله الرحمن الرحيم

عشایس و خدایان را که در اینست که در میان ما و پادشاه  
و هدایت فرموده و در اینست که در میان ما و پادشاه  
در میان ما و پادشاه و در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه

و اسم آنها محمد و آل او آنان که در اینست که در میان ما و پادشاه



و من بعد و میانها و پسندیدن ادا و هر غروب اینها را  
 کنند در اعمال مستحب بر اینها طویل الموقته و کثیر المعونه  
 باشد و هر چه است که درم مسئل اینها را و بجا آورده  
 و اما اولشان را و پسندیدن اینها را مفتاح القلوع سوال کرده  
 از خفای صیانت این که رفع محبت این طالع این و این که  
 این از این ترین و خیره را برای هر روز و ترتیب دادند  
 بر شش باب توکل کنند بر الهام کنند و صواب  
 باب اول در آنچه گفته میشود در میان طلوع  
 تا طلوع و افتاب در هر در آنچه گفته میشود  
 در میان طلوع و افتاب تا پیش از این باب سیم در آنچه  
 گفته میشود در میان غروب تا وقت خواب یا هر  
 در آنچه گفته میشود در میان وقت خواب تا وقت  
 یا در آنچه گفته میشود در میان نصف شب  
 تا طلوع صبح یا در آنچه گفته میشود در آنچه  
 در میان طلوع صبح تا طلوع افتاب و اینها را  
 بر مقدار و چند فصل گفته و اینها را پس از اینها

اینها را  
 گفته و اینها  
 و اینها را

حضرت ساروان الله عليهم در فضیله این وقت نقل شد  
و این احدی عقلمند میگویند و سر او را داشت که آدمی در این  
وقت بیدار باشد چه وقت شود و این روایت که در کتاب  
رئیس محققین محمد بن ابی بکر که کتاب من لا یحضر الفقیه  
از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این باب که جواب  
است که شصت و پنج می کند و در وقت او در یک روز  
و شب و غیره و این روایت جواب می شود و نیست بدو  
که خدای تبارک و تعالی قسمة می فرماید و روزها را دو  
میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هر که در این وقت از  
خواب درین وقت بیدار شود که شصت و پنج می کند  
از امام ابی الحسن علیه السلام در این باب که  
خدای تعالی قسمة می فرماید که اگر آنحضرت بیدار شود که  
قیمة می کند و روزهای بن آدم را در میان طلوع صبح  
تا طلوع آفتاب پس هر که بیدار در میان این دو وقت  
بیدار شود و در این وقت بیدار شود که شصت و پنج  
می کند و در این وقت بیدار شود و در این وقت بیدار

1. The first part of the document is a list of names, including "John", "Mary", "James", "Elizabeth", "Thomas", "Sarah", "Michael", "David", "William", "Richard", "Robert", "Henry", "George", "Edward", "Charles", "John", "Mary", "James", "Elizabeth", "Thomas", "Sarah", "Michael", "David", "William", "Richard", "Robert", "Henry", "George", "Edward", "Charles".

روایت کرده است گفته السلام بر محمد و بر علی و بر ابوبکر و بر عقیله  
 کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر  
 این شعر یعنی آن قرآن العزیز کان مشهوراً که آنحضرت  
 فرمود یعنی نماز صبح حاضر و پیشوند از آن است که شب و  
 کلان که روز درین هرگاه بگذرد و بعد نماز صبح و وقت  
 طلوع صبح شب میشود از برای او دو مرتبه ثبت گشت  
 از آن است که شب و ملائکه روز و درین مقام اشکالی نیست  
 و آن آیه که روایت کرده اند جامع از علم است که آنحضرت  
 صادق علیه السلام که آنحضرت فرمود که در روزی از ما  
 پیوسته اند درین حضرت باقر علیه السلام از ساعتی که  
 نیست از ساعت شب و از ساعات روز درین آنحضرت  
 فرمود که آن ساعت نیست که میان طلوع و غروب است بلکه  
 افتاب و چو شبیل نیست که این ساعت در آنجا  
 نقل کرده اند اصحاب ما و بر این اجماع کرده اند که نماز صبح  
 از نماز روز نیست و این که مخالف آن کرده است در حق آن  
 سلیمان بن عمر بن اعش که او نقل صبح را از نماز شب است

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

واعتدال کرد بمقوله خیر صلی الله علیه و آله و سلم روز  
جهانت می آید که کار خیر شود و استلا کرده اند و  
نویسنده عن ایضاً و اینست که نیست نه این حدیث و کتب  
صغیره از حضرت امام جعفر علیه السلام که انفس من قوموه  
که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روزی که در روز هجرت  
تا آنکه زوال افتاد می شد و می گفت خلاصی این است  
باینکه رویت و اینست باینکه انفس من که از حضرت  
باز علیه السلام سوال کرده کشیدی بود از علی  
ضارعه و سوال کرده از انفس من مسئله بسیار که مرده  
شود و مکر میان کابر ایشان و این مسئله از جمله آنها  
بود پس شاید که امام علیه السلام جواب فرموده باشد  
لور اینجمله موافق حجت و اعتقاد بود باشد و این است  
ظهور بالیه که در شرع ظاهر می شود و اینجمله شاید  
طالع صریح باشد باطلوع افتاد و اما اینجمله استعلام  
کرده است بار اعظم از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
در حدیث است پس جواب که خداوند عالم است و این

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
واعتدال کرد بمقوله خیر صلی الله علیه و آله و سلم روز  
جهانت می آید که کار خیر شود و استلا کرده اند و  
نویسنده عن ایضاً و اینست که نیست نه این حدیث و کتب  
صغیره از حضرت امام جعفر علیه السلام که انفس من قوموه  
که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روزی که در روز هجرت  
تا آنکه زوال افتاد می شد و می گفت خلاصی این است  
باینکه رویت و اینست باینکه انفس من که از حضرت  
باز علیه السلام سوال کرده کشیدی بود از علی  
ضارعه و سوال کرده از انفس من مسئله بسیار که مرده  
شود و مکر میان کابر ایشان و این مسئله از جمله آنها  
بود پس شاید که امام علیه السلام جواب فرموده باشد  
لور اینجمله موافق حجت و اعتقاد بود باشد و این است  
ظهور بالیه که در شرع ظاهر می شود و اینجمله شاید  
طالع صریح باشد باطلوع افتاد و اما اینجمله استعلام  
کرده است بار اعظم از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم  
در حدیث است پس جواب که خداوند عالم است و این

[illegible]

نیز مقام که ذکر کرده است از اعلامه بحال المله و بحر  
والدین در کتاب منتهی المطالب و از اینست بدان که  
روشنی روز و شب و شبی افتاب است و روشن میشود  
بافتاب بکر چندی که روشن باشد و شب و کیم باشد  
و در آن زمان زمین و ماه و اجزای زمین خواستند  
باشد و روشن و خواستند باشد از آن و هر چه روشن  
میشود و شب افتاب پس در افتاب سایه از آن طرف  
دیگر آن و تحقیق که تقدیر کرده است خدای تعالی  
نیز که در این خود که در این افتاب را در این زمین  
هرگاه که افتاب در زمین باشد و افتاب در زمین را  
زمین بر شکل مخروطی و انحطاط میکند و از آن که روشن  
شده و روشن افتاب و همه اطراف این مخروطین  
روشن میشود و اطراف این سایه مخروطی روشن  
هوای روشن و روشن و روشن و روشن و روشن و روشن  
انکه بالذات نیست و از آن که روشن میشود و روشن  
است و از آن که روشن و روشن و روشن و روشن و روشن

[illegible]









يَا نَبِيَّكَ مِنْ ذَوَالْأَعْيَادِ مِنْ تَحْتِهَا فَايَاتُكَ وَمِنْ

شماره نایب مدتی است که در این کورسین غایتیست و می باشد.

فَأَمَّا أَنْتَ يَا مَرْيَمُ فَاصْبِرِي لِمَا تُصِيبُكِ مِنْ دُرِّ السَّيِّئِ وَتُرْمَاسِ بَوْمٍ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ

در شب و روز. خداوندای عزیزش که در سوال و یکم تو را بنیادهای

قُوَّتِكَ وَعِظَمُ سُلْطَانِكَ وَقُدْرَتِكَ

وَمِنْ رُكُوبِ سُلَيْمَانَ وَهُوَ

عَلَى خَلْقِكَ لَنْ نَفْعَلَنِي كَمَا فَعَلْتَ

وخلایق پر استیلا... یکنی... باص... بخلایق

و از دعاها و کلماتی که می شود در دعا و دعا

کتابت کو درست اور کافی پسند کر لیتے

«...»

وہی ہے جس نے ان کو اللہ کی طرف سے ایک نیا دین بھیجا ہے۔

طی احوال علی و والد میری در میکت در

دیوایی که از برای او بود پس آنحضرت در آنجا توقف

ز موهن و غیر مذکور ابراهیم نمایم ترا بر دوش خو کر ثابت قرار شد

1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 2679, 26



... ..

پیران وزودش باشد در پیست عفتی حکام چندان میروان

و نیز گویند باشد میوه آن و باریق تر باشد کف است از دلیلی از این است

برای رسول خدا پس فرمود انجلس که هر کجا داخل شد

شوی که داخل شام شوی پری بکسو

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَلِلَّهِ الْكِبَرُ

تَبِیحْ بِکُمْ تَبِیحْ خُذُوا بِهَا خُذُوا رَأْسَ وَتِیْ خُذُوا مَکْرَ خُذُوا بِزَکْرَتَا

فیس ہدایتی کو ایڑی دھت اگر کوئی ایام الحوض سے

ده درخت در بهشت از انواع میوه و اینها اولها و آقا

صالحات الحسن باقر علیہ السلام ورضو وکلیات

آنچه را که در دست می گیریم و از آن استفاده می کنیم، از سوی خداوند تعالی بر ما واجب شده است.

که این باغ صدقه است قطعی که در مشعل امانت افتد

مسلمانان که اهل صدقه ریاست و اجرت خدای تعالی و

فمن ههنا الزفات فاما من اعطى راتقى وصدق

تَسْتَفِيدُ مِنَ الْإِسْرَافِ وَرَوَّاحَاتِ كَرَمِ اسْتِغْنَاءِ جَدِّهِ وَجَلِيلِ

عاشق من مصلی الدین علی بن طاووس قدس سرہ روحہ

از حضرت باقر علیه السلام که گفتند فرمود که هر که



[illegible]

وَجَمِيعَ مَا دَفَنِي بَيْتٌ وَجَمِيعَ مَنْ يَحْيِي بَيْتِي أَمْرٌ

و بعد از آنکه رانده می‌گردد، استیبر و فرمان و غیره را جدا می‌دارند و تمام این ارفاق

اللَّهُ الْخَوْفُ الْمَرْغُوبُ الْمُضْعَضِعُ الْعَظِيمُ كُلُّ شَيْءٍ

خداوند تعالی را شکر گویم که منم که شکر شده و فریاد من را شنیده و برای من دعا و جبرئیل

ذِينَ وَفَّقْنِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَخَوَائِي

دینہ انفسیہ ہر ماحول میں پیدا ہوتا ہے اور ہر ماحول میں

المؤمنين وجميع ما دونهم إلى أن يجمعهم من عيسى عليه السلام

مؤرخان وادعای خود را در زمین کرده است و چون از حد علم و اجتهاد خود

مخواند و آید و بقیه فصل پس از آنکه تمام شود صبح

تاوضو نداشت در اشتهای سبزی و صنوف الف کدورت

تاریخ اسلام و سیرت ائمه اطهار (ع)

کذا جہاں پانی نہ ہو وہاں نہ ہو

لیفٹ وٹھو کا میل راپس میلو پھر گاگا زابہ وضو

جلستہا مشی ابتدا کن پیش ازین بمسوالہ عرض ہندگا

غير مطلوب انها و غير ذلت انك شي عو جز عمه قال

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِ وَالْمُؤْمِنُونَ



ازادہ نور محمد علی



و سنت نیست شستن دستها از غیر این سه جهت  
 و اگر وضو تو از حیض یا ریح بوده باشد پس اگر بر آن  
 که شستن دستها در کار نیست و بعضی میل این کرده  
 که از سنت است و این مقصود از وضو و بعد از آن بگذرد  
 راست در باب و بیسم الله بگو چنانکه روایت کرده است  
 شیخ طائفه در نه تدبیر بسند صحیح از حضرت باقر که  
 آن حضرت فرموده که هرگاه بگذاری دست خود را از  
 بسم الله و الله اللهم اجمع لی من التوابع و اجمع لی  
 بنام خدا و پیاد خدا خدای بزرگوار از آن تو بگذشتی که از راه

بعد از آن سمر مرتبه مضاعفه بکن پس گفت آن بعد  
 از آن استنشاق کن بهمان نحو و بگو عقیبه بر اینها  
 این فصل خواهد بود در فصل بعد از این بعد از آن در  
 بیست و است بک گفتند و بیست کن و آوردن و حق  
 واجب حرمه فرمان برداری از خدای تعالی و افعال  
 سنی آن پس داخل درین نیست میشود هرگاه قصد  
 جالوردن از فصل دوم و واجب را و اگر قصد کنی هر یک

و اگر وضو تو از حیض یا ریح بوده باشد پس اگر بر آن  
 که شستن دستها در کار نیست و بعضی میل این کرده  
 که از سنت است و این مقصود از وضو و بعد از آن بگذرد  
 راست در باب و بیسم الله بگو چنانکه روایت کرده است  
 شیخ طائفه در نه تدبیر بسند صحیح از حضرت باقر که  
 آن حضرت فرموده که هرگاه بگذاری دست خود را از  
 بسم الله و الله اللهم اجمع لی من التوابع و اجمع لی  
 بنام خدا و پیاد خدا خدای بزرگوار از آن تو بگذشتی که از راه  
 بعد از آن سمر مرتبه مضاعفه بکن پس گفت آن بعد  
 از آن استنشاق کن بهمان نحو و بگو عقیبه بر اینها  
 این فصل خواهد بود در فصل بعد از این بعد از آن در  
 بیست و است بک گفتند و بیست کن و آوردن و حق  
 واجب حرمه فرمان برداری از خدای تعالی و افعال  
 سنی آن پس داخل درین نیست میشود هرگاه قصد  
 جالوردن از فصل دوم و واجب را و اگر قصد کنی هر یک



از و اینها و سنیها را از هر دو توده جدا کردن این امر است  
 به خود و همیشه به این در حکم آن نیست تا فایده شود و بگو  
 بود شروع در شنیدن و در این راه چنانکه در روایت کرده اند  
 از ائمه الاسلام در کافی از حضرت ابراهیم علیه السلام  
 و ظاهر آنست که در سینه اولی بود که سابقا مذکور شد  
 غرض میسازد از این چه این تسمیه بود شروع در روایت  
 و این از برای سنت بود و تجویز کرده اند حکما معارف  
 ساختن بنیت را با شنیدن دستها که در اول وضو  
 مذکور شد هرگاه جمع شده باشد شرایط این و اینها  
 و این تسمیه نیز چنین گفته اند که اینها از جمله افعال  
 وضوی کاملند و این طهارت بعد از الله توقف کرده اند  
 در چون مقدار شنیدن بنیت با وضو شنیدن و احتیاط  
 با او است هرگاه بر نیت این طهر و نیت و از آنست که بگو  
 دست خود را بر این جهت افتاد یا آنچه نقل شده از  
 ائمه عصیه سلام الله علیهم نزد حکایه ایشان

اینها در روایت

از و اینها و سنیها را از هر دو توده جدا کردن این امر است  
 به خود و همیشه به این در حکم آن نیست تا فایده شود و بگو  
 بود شروع در شنیدن و در این راه چنانکه در روایت کرده اند  
 از ائمه الاسلام در کافی از حضرت ابراهیم علیه السلام  
 و ظاهر آنست که در سینه اولی بود که سابقا مذکور شد  
 غرض میسازد از این چه این تسمیه بود شروع در روایت  
 و این از برای سنت بود و تجویز کرده اند حکما معارف  
 ساختن بنیت را با شنیدن دستها که در اول وضو  
 مذکور شد هرگاه جمع شده باشد شرایط این و اینها  
 و این تسمیه نیز چنین گفته اند که اینها از جمله افعال  
 وضوی کاملند و این طهارت بعد از الله توقف کرده اند  
 در چون مقدار شنیدن بنیت با وضو شنیدن و احتیاط  
 با او است هرگاه بر نیت این طهر و نیت و از آنست که بگو  
 دست خود را بر این جهت افتاد یا آنچه نقل شده از  
 ائمه عصیه سلام الله علیهم نزد حکایه ایشان

اینها در روایت  
 از و اینها و سنیها را از هر دو توده جدا کردن این امر است  
 به خود و همیشه به این در حکم آن نیست تا فایده شود و بگو  
 بود شروع در شنیدن و در این راه چنانکه در روایت کرده اند  
 از ائمه الاسلام در کافی از حضرت ابراهیم علیه السلام  
 و ظاهر آنست که در سینه اولی بود که سابقا مذکور شد  
 غرض میسازد از این چه این تسمیه بود شروع در روایت  
 و این از برای سنت بود و تجویز کرده اند حکما معارف  
 ساختن بنیت را با شنیدن دستها که در اول وضو  
 مذکور شد هرگاه جمع شده باشد شرایط این و اینها  
 و این تسمیه نیز چنین گفته اند که اینها از جمله افعال  
 وضوی کاملند و این طهارت بعد از الله توقف کرده اند  
 در چون مقدار شنیدن بنیت با وضو شنیدن و احتیاط  
 با او است هرگاه بر نیت این طهر و نیت و از آنست که بگو  
 دست خود را بر این جهت افتاد یا آنچه نقل شده از  
 ائمه عصیه سلام الله علیهم نزد حکایه ایشان



و بعد از آنکه از طایفه ای و ما ذکر کردیم که در طایفه ای از سنیهای  
 و کاه باشد که گاه شود که سبب و کفایت از ایشان این  
 اینست که قول کرده است شیخ جامع طایفه را یکی سنیست  
 و سانیان لیب و ضو باند و در پیشها او شیخ فاشع شد  
 و چون که در کشف که مناقات نیست میان این دو امر زیرا که  
 چشم باز کردن لازم ندارد و سانیان لیب علما اند و در  
 چشم ملولین سخن خوب است و در نیست که متوکل  
 شود و توان بر دیدن آنچه بجا آورد از او وضو ستانند  
 از آن حال وضو مندر پس هرگاه فارغ شوی از پیشتر  
 و پس در اوقات که طلب بدست چنانکه گذشت  
 وضو بجا آید و السلام نزد بیان وضو و بر صلوات  
 الله و تسبیح است راست و در طایفه ای که است که از  
 و گشتی است و این را تسبیح علی انگشتان چنانکه گویا  
 در رویکن و لیبست در اینجا تحلیل و شرح و توضیح  
 باشد از هر خود را و لیب که تسبیح ظاهر و باطن  
 این را بکند و لیب این بعد از آن بر او را بکند و در

20

بوده باشد شش تن و هفت از هر دو دسته ای که در میان ایشان  
 میماند که هفتان هفت الاسلام است و در کتابی و در پیش محمد بن  
 در فضیله و ما ضبط داریم کلام از این باب است و کتاب  
 مشهور الشافعی و در کتاب جلال المتین ضبط است  
 کن پوست پیش موخو و الحوی از آن که در نزد وادیت  
 کشیدند و حل پیش می بردند و در کتاب کشیدند و غفور و غری  
 داشت و است و بقیه آن در معجم کنیست و در  
 ترجمه الاسرار و کتاب طایفه الکتاب و معجم فیض الحقیق و قول  
 و معجم غنی و معجم شمع تلخیص از آن و تحقیق که با بیان  
 گردانام از ادوی و کتاب و فکر ما می نامیم و معجم  
 هفتاد از معجم کنیست و ای باب خود را بقیه است چند  
 و این که معجم سرواژه که در دست داشتند و در دست آن که  
 همه غفور و غنی و تلخیص از کشیدن گفته و معجم  
 در کتابی است که داشتند که بر آن پی کشیدند و آن که  
 سزاوار است که معجم کنی با هم از نام گفت جانکه و بلیت  
 در کتابی است که داشتند که بر آن پی کشیدند و آن که  
 سزاوار است که معجم کنی با هم از نام گفت جانکه و بلیت



۱

روایت کرده است که این شیخ طایفه در تہذیب دستگیر  
 بعد از آن که بگویند دعوت است و ا  
 من اللہم اجعلنی من الشواقین واجعلنی من  
 غلوانکم انتموا ان تہد کت مکان و یکم دین  
 المتطہرین اللہم انی استلک تمام الوضوء  
 از آنکه وضوء خالص باشد یعنی کون سوال یکم تورا تمام وضوء  
 و تمام الصلوات و تمام رضوانک و الجنة و بنا  
 و تمام بودن نماز و تمام نبویک رحمت تو و شست  
 که اگر غفلت از هر یک ذکر ما کرد که در پیشگاه است  
 و این یعنی در پیوسته است نیز در حالی که حکم آن ای باشد  
 تا آخر وضوء و شستن و شست و شستن و شستن  
 آنکه متصل باشد سجده های آخر از سر یا تا کعبه و ترتیب  
 و بی دردی بودن و مباشرت این افعال را بنفس خود که  
 بسبب ضرورت و سزاوار است ترک کند از وضوء پیش  
 روایت کرده است فقر الاسلام در کافی از حضرت  
 صادق علیه السلام که فرمودند که هر که وضوء بسیار کند

از او بعد از وضوء  
 و این یعنی در پیوسته است نیز در حالی که حکم آن ای باشد  
 تا آخر وضوء و شستن و شستن و شستن و شستن  
 آنکه متصل باشد سجده های آخر از سر یا تا کعبه و ترتیب  
 و بی دردی بودن و مباشرت این افعال را بنفس خود که  
 بسبب ضرورت و سزاوار است ترک کند از وضوء پیش  
 روایت کرده است فقر الاسلام در کافی از حضرت  
 صادق علیه السلام که فرمودند که هر که وضوء بسیار کند

[illegible]





اللَّهُمَّ اعْطِنِي كَلَامِي بِمَعْنَى وَأَخْلُدْ فِي الْجَنَابِ أَيْ

[illegible]

اللَّهُمَّ لَا تَغْفِرْ كِتَابِي شَيْئًا وَلَا

خداوندانده کتاب مرا بدست خود رسید  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 انما اعلم الله شيعه و تكملة من جوامع و كبر معارف و علم ارباب

کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

اللهم اغفر لي ذنوبي وجميع ذنوب المسلمين وجميع المسلمين  
 خطاؤنا واثامنا وذنوبنا وجميع ذنوبنا وجميع ذنوب المسلمين  
 اللهم اغفر لي ذنوبي وجميع ذنوب المسلمين وجميع المسلمين

۱- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۲- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۳- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۴- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۵- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۶- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۷- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۸- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۹- در این کتاب که در این مورد خاص  
 ۱۰- در این کتاب که در این مورد خاص

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُخْرِجُ بِهِ أَشْجَارًا حَشَنًا  
وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُخْرِجُ بِهِ أَشْجَارًا حَشَنًا

عبداللہ بالاکر نامہ مبارک اور نگاہ کر کے پھر فرمودہ  
ای پھر دیکھو کہ جو شاہانہ اور شہنشاہانہ

این گفت من خلق می‌کنم خدای تعالی انرا برای ابدی قطره  
و است که قدرش کند او خوار و مستحق کند او را و شکم کند او را

[illegible]

علیه السلام که کسی مسجدی بنا کند و در آن راهی را بر می خیزد

و نه خشک و کاینکه تسبیح کند از زبان او و در میان او  
و سزاوار است که در آن روز و در آن وقت و در آن مکان

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَهُ مِنْ يَسْتَعِينُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
 بِمَا خَلَقَ مِنْ يَسْتَعِينُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

بَطْنِي وَبَنِيَّيْنِ وَأَزْوَاجِي هُوَ بَنِيَّيْنِ وَالْأَزْوَاجُ  
أَحْصَاءُ مَكْنُونَةٍ أَوْ مَكْنُونَةٍ أَوْ مَكْنُونَةٍ أَوْ مَكْنُونَةٍ

3



که خداوند تعالی از او مرده و بقول خود و ما که استغفار و بر همه  
کنایه کنایه آن بود که ما که کوبیده و از دست بیستیم  
عبداللہ خدا تعالی او را بر دین شہیدان و زندگرمایان و از  
زندان شدن بیکسکان و هرگاه بگوید و الا فی علم حق  
فیعزلی خطیطنی یوم الدین بپارم و صدای تعالی از  
نوحتهای او را نام و هر چند پیشتر باشد از آن که خطا  
آورد و بگوید و توبه قبل حکم و الحق فی الصالحین  
خدا تعالی او را از حکم و علم و حق گرداند و اولی صانع  
پیش از او بوده و صانع هر که بعد از او بوده باشد و هرگاه  
بگوید و انما اعطاکم الذل و العجز و الخوار و العجز  
خدا تعالی از برای او در وقت سستی و این که طاعت  
غلام از طاعت کوبانیت و هرگاه بگوید و انما اعطاکم  
و رتبه حجتہ الشیم عطا کرد خدای تعالی او را از طاعت  
بهشت نصیب و هرگاه بگوید و اغفر لانی بپارم و خطا  
پیدا و معذرت او را و هرگاه خواهی کرد داخل مسجد شریف  
و یا ایہ الذین امنوا و یا ایہ الذین امنوا و یا ایہ الذین امنوا  
کن

که خداوند تعالی از او مرده و بقول خود و ما که استغفار و بر همه  
کنایه کنایه آن بود که ما که کوبیده و از دست بیستیم  
عبداللہ خدا تعالی او را بر دین شہیدان و زندگرمایان و از  
زندان شدن بیکسکان و هرگاه بگوید و الا فی علم حق  
فیعزلی خطیطنی یوم الدین بپارم و صدای تعالی از  
نوحتهای او را نام و هر چند پیشتر باشد از آن که خطا  
آورد و بگوید و توبه قبل حکم و الحق فی الصالحین  
خدا تعالی او را از حکم و علم و حق گرداند و اولی صانع  
پیش از او بوده و صانع هر که بعد از او بوده باشد و هرگاه  
بگوید و انما اعطاکم الذل و العجز و الخوار و العجز  
خدا تعالی از برای او در وقت سستی و این که طاعت  
غلام از طاعت کوبانیت و هرگاه بگوید و انما اعطاکم  
و رتبه حجتہ الشیم عطا کرد خدای تعالی او را از طاعت  
بهشت نصیب و هرگاه بگوید و اغفر لانی بپارم و خطا  
پیدا و معذرت او را و هرگاه خواهی کرد داخل مسجد شریف  
و یا ایہ الذین امنوا و یا ایہ الذین امنوا و یا ایہ الذین امنوا  
کن

وہی ہے جو ہمیں خدا سے ملنے کا راستہ دکھاتا ہے۔

کرم، نوزادانیت حقیقت و بد قوت خست که به خود ایدای دلخیزش

بر عهده واکم می‌باشد. نمک‌های این درهای بسته شده

وَقَدْ رَفَعْتُكَ وَبَدَّلْتُكَ مِنْ دُنْيَاكَ إِلَى دُنْيَاكَ

فكانت هذه هي المدة التي قضاها في السجن، ثم أخرجته من السجن وأمره بالعودة إلى بيته.

وَمِنْ أَصْحَابِ الْمِيلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الْفَقْرِ

فَلَا تَكُن مِّنَ الْكَافِرِينَ وَلَقَدْ رَفَعْنَا فِي ذَٰلِكَ آيَاتٍ لِّمَن كَانَ يَخْشَى اللَّهَ مِن أَجْلِ حَشْرِهِ

فَمِنْ مَلاَئِكَةٍ مُّخَلَّصُونَ وَأُخْرَى عَلَى الشَّيْطَانِ

ایشان بعد از آنکه زانیه گفته اند بعد از آنکه ایزد تعالی

التجيمر وجنود البليش احبهم غوث

و اما به نظر و گفتارهای شیخ ابو

Handwritten text in Persian script, likely a manuscript or a page from a book. The text is written in a cursive style and is partially obscured by a large, dark, irregular ink blot or stain in the center. The visible text is arranged in vertical columns, typical of Persian manuscripts. The top of the page shows some text, and the bottom of the page shows more text, but the central portion is heavily obscured by the ink blot.

در بیان آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است و از آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است

در بیان آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است و از آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است  
چون پیش از این است که بعضی بپوشیدن و اگر بوده باشد  
بطلان نوعی و بعضی باشد که یکی اینها را پس یکی اینها  
چون از در آنهاست است اما بشرط آنکه پاک باشد و بخوبی  
کند و از آنکه است که شیخ طایفه مدینه و قریه است که  
از حضرت عمار که گفت دیدم حضرت ابی عبدالله علیه  
السلام را که نماز میکرد و بعضی خود را زاده از اوست و از آنکه  
انحضرت را که دیدند آنها را هرگز و در این کرده است از عند  
الرحمن بن ابی عبدالله علیه السلام که بود که کمال  
کمی و فائز که در بعضی خود هرگاه بوده باشد و از آنکه  
بدرستی که میگویند این است و قول الله عزوجل  
بدرستی که میگویند این است و ظاهر امر بدان است که هرگاه  
نماز کردی بود در بعضی خود هرگاه مدینه و قریه است که  
نماز در اینها از سبب است و قاتل مدینه و قریه است که  
از جمله اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام که اعظم  
بوده و بر اقوال و افعال ایشان بعد از آن اذان بود که هر

در بیان آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است و از آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است  
چون پیش از این است که بعضی بپوشیدن و اگر بوده باشد  
بطلان نوعی و بعضی باشد که یکی اینها را پس یکی اینها  
چون از در آنهاست است اما بشرط آنکه پاک باشد و بخوبی  
کند و از آنکه است که شیخ طایفه مدینه و قریه است که  
از حضرت عمار که گفت دیدم حضرت ابی عبدالله علیه  
السلام را که نماز میکرد و بعضی خود را زاده از اوست و از آنکه  
انحضرت را که دیدند آنها را هرگز و در این کرده است از عند  
الرحمن بن ابی عبدالله علیه السلام که بود که کمال  
کمی و فائز که در بعضی خود هرگاه بوده باشد و از آنکه  
بدرستی که میگویند این است و قول الله عزوجل  
بدرستی که میگویند این است و ظاهر امر بدان است که هرگاه  
نماز کردی بود در بعضی خود هرگاه مدینه و قریه است که  
نماز در اینها از سبب است و قاتل مدینه و قریه است که  
از جمله اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام که اعظم  
بوده و بر اقوال و افعال ایشان بعد از آن اذان بود که هر

در بیان آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است و از آنکه این کتاب از اعمال و اعمال است  
چون پیش از این است که بعضی بپوشیدن و اگر بوده باشد  
بطلان نوعی و بعضی باشد که یکی اینها را پس یکی اینها  
چون از در آنهاست است اما بشرط آنکه پاک باشد و بخوبی  
کند و از آنکه است که شیخ طایفه مدینه و قریه است که  
از حضرت عمار که گفت دیدم حضرت ابی عبدالله علیه  
السلام را که نماز میکرد و بعضی خود را زاده از اوست و از آنکه  
انحضرت را که دیدند آنها را هرگز و در این کرده است از عند  
الرحمن بن ابی عبدالله علیه السلام که بود که کمال  
کمی و فائز که در بعضی خود هرگاه بوده باشد و از آنکه  
بدرستی که میگویند این است و قول الله عزوجل  
بدرستی که میگویند این است و ظاهر امر بدان است که هرگاه  
نماز کردی بود در بعضی خود هرگاه مدینه و قریه است که  
نماز در اینها از سبب است و قاتل مدینه و قریه است که  
از جمله اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السلام که اعظم  
بوده و بر اقوال و افعال ایشان بعد از آن اذان بود که هر

[illegible]

وہی جو یہاں ہے اس کا نام ہے حضرت یونس علیہ السلام

مرکبہ فکر کن اور اصل اللہ علیہ والہ وسلم صلی اللہ علیہ وسلم

است و غرض از این سخن آنست که هرگاه در تمام این

مرتبہ و بعضی روز مجلسی کریں و بعضی روز

که ذکر شود و این مذهب بر رئیس محمد بن حسن تقدس

روحمنا انما النجس فلهذا لم يوسد في ارجاء جود صلبه

سید محمد علی و والدینش در مشهد

اتلوه في الصلاة والعبادة والعبادة

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسمًا من مواسم الخير والبر

کے ساتھ ایک ایمان براهی کی روشنی میں جو

وَأَمَّا إِذَا مَا كَانَ فِيكَ شَيْءٌ مِنْهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ فِيكَ شَيْءٌ مِنْهُ

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

وَعَلَّمَ الرِّسُولَ نَبْأَهُمْ لِيُخْرِجَهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَهُوَ إِلَهُكَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

هو انك رسول الله المبعوث في هذه الساعة

خواندن و سخن گفتن را در میان مردم و باطنی را در میان خود

وہاں پہنچ کر

مجلس شورای اسلامی



طبیعت که نیست یا مراد از اعتقاد داشتن باطل و شرف و عظیم شدن انصاف.

1997, 1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 26

المجلس

10

3-11-1944

الحمد لله الذي جعل في كل شيء دليلا على قدرته وقدرته على كل شيء

الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

از قول خدای تعالی این الله و ملائکته صلواتی علی بنی  
پیغمبر و آل پیغمبر و بر همه مسلمانان و بر همه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

کہ خداوند کا واسطہ میرے لئے ہے میری حاجت کے

اعانہ اور مدد حاصل کرنے کے لیے درخواستیں اور درخواستیں

فمنها ما كان له من النعمان ما لا يحصى

وَأَمَّا الْفُلُ فَأُرْسِلَتْ بِرَحْمَةٍ مِنَّا لِيُبَيِّنَ مَا بَيْنَ أَيْمَانِهِ هَذِهِ وَأَيْمَانِ ذُو الْأُنْثَىٰ هَذِهِ ۚ

عزیز و محترم دوست و رفیق ہمارے عزیز

از آن احتیاج و عجز در میان آن بندگان نیستی و موقوف کرده است

کتابخانه ملی ایران

عظیم سلطان کی خطوں پر دستخطوں میں سے ایک خط

مجلس شورای عالی نظام مهندسی

2. تاریخ

کتابخانه عمومی و اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

کتابخانه عمومی مسجد جامع کربلا

پیشتر و خدای تعالی را بگویند خداوند تعالی را

لَا أُحِبُّنِي وَبِئْسَ شَيْءٌ مَاذَا كَلَّمَكَ اللَّهُ فَوَيْلٌ لَكَ مِنَ الْحَقِّ مَا تَقُولُ عَلَيْهِ

السنة الأولى من الهجرة النبوية

مجلس شورای ملی و دولت

1

1. *Journal of the American Medical Association*, 2000; 283: 2689-2696.



کتابت کرد و بعد از آن چند روز او را بابت نداشتن اقرارش بر سر کار بستند.

مجلس شورای ملی و دولت

[illegible]

از رویکردهای آنکه از اصول داور است و او را در این چند لحظه از هیچ اصل استثنای خود بخاطر گذشتن داشته باشند و نهایتاً در مورد خود:

اصول ارازمی و غیره که منقولند نیز

منطبق می شود کلام و انما عاقله هر شیئی نیست که  
 مصلوحی که شامل همه الی ابرهیم باشند در حقیقت القوی  
 اقوی است از آنچه عکس من بعض باشند پس شبهه  
 بعض مصلوح بر همه الی که پیغمبر مصلی الله علیه و آله و آله  
 علیهم السلام از جمله ایشانند اقوی است از مشبه مصلوح  
 بر خصوص پیغمبر مآوال او مصلوات الله علیهم پس محال  
 قائل می شود که لازم می آید بعضی توجیه کرده اند  
 شبهه را این که مصلوح بر خصوص ابرهیم علیه السلام  
 این که پیشتر واقع شده اقوی است و بعضی درین گفتار  
 که کلامی از پیغمبر است با صواب و کینه اقوی باشد  
 و چون بگویند اندر این که شبهه مصلوح بر الی ابرهیم  
 جایز است مصلوح بر ابرهیم و الی او اقوی باشد مصلوح بر  
 و صریحت شمرده اند و توجیه اولی واجب قول حضرت  
 صلی الله علیه و آله که گفت خیر اودم من الناس و المصلوح  
 یعنی من پیغمبر بودم و مال آنکه پیغمبر اودم صیغه تکرار  
 اول چگونه مصلوح بر خصوص ابرهیم مقدم باشد

و این شبهه را در بعضی کتب معتبره از کتب معتبره و در بعضی کتب معتبره از کتب معتبره





وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ رِجْمًا أَلَيْسَ الْوَاقِعُ

فقط این را از جامی خود در حلقه بندستی که توفیایا درخشان \*

و باید که ریاضی در نماز او و شوق و بکداری داشته  
خود بر روی دانهام مقابل از آنها و بکثافتی میان قد آنها  
خود را نقد رسته انگشت کشاده آن یکدیگر یکدیگر یکدیگر  
کمی بر وضع سجود خود و بلند کنی خود را نظرت آسان و  
آوری بخاطر خود که این نماز کیست که در ادعای یکدیگر  
فصل از آن قصد کن ادای نماز صحیح واجب جهت از میان  
از شکای قتالی و مقارن عاریت از این کی از هفت تکبیر که  
در اول نماز گفته میشود و بلند می کنی در هر یک از این  
دستهای خود را بعنوانی که گفت دستها بطرف قبله باشد  
و انگشتان می کنی یکریخت پس بدستها غیر مشتاکر آنها  
باید که کشاده باشد و نمیکندانی گفت دستها را از برابر  
کوشهای خود و ابتدا کنی متبک پیر و ابتدای دست  
و تمام می کنی از اثر و تمام شدن او و بدان که بعضی اشک  
متاخرین اطلب نموده اند در باب نیت و در از کردار

[illegible]

۱۵  
 چنان کلام در آن که خداوند است و علم السلام  
 چیزی از آن بلکه مستفاد از تنجیح و روش است و از  
 علم السلام در باب وضو و نماز و احکامات که تعلیم کرده  
 آنرا بشیوه خود دانست که نیز سهل است و اینکه این غایت  
 از بیان و قرار گرفتن است در خاطر جمیع عقلائی و  
 صادر شدت فعلهای اختیاری از ایشان و از این جهت  
 که قدری از آنکه منتهی به منتهی بحث از آن نشدن  
 و خیر نکرده اند و آن مکر جماعتی از متاخرین و اندک  
 کلام را در آن بر وجهی که موم نیست که مرکب است  
 از اجزای آن و این باعث دشواری افکار است  
 از مردم و گشاده است ایشان را و سوس و نیست  
 مکر قصد بیعی و واقع ساختن فعل معین از این  
 آن و بعضی که مکر در فعل معین و این قصد و  
 جدا شود از آن عاقل تر در فعلی که مجبور آورده  
 بعضی علمای ما که اگر تکلیف میکردند از اجزای  
 واقع ساختن فعل معین و نیست هر آینه تکلیف



در بیان این است

در بیان این است

بوی بوی که طاقت آن نبود و چون بوی بوی  
 در ذهن بعنوان که عزیز دهنده آن الزام و قصد جان  
 آن چه در میان برداری و بخداست و حال در میان این است  
 مثلا نماز ظهر که ما مکلفیم بادی آن درین وقت تصور  
 کردیم که اگر این وصف عنوانی که هست میشود آن  
 ما عبادی خود را از عبادت و غیر عبادت و قصد کردن  
 واقع ساختن آن همه فرمان برداری از خداوند تعالیست  
 دشواری اصلا اولی چنانکه میگویند آن و بعد از آن  
 و هر که این را دشوار داند و میگوید که این از خداوند تعالی که اصلا  
 او را و بعد از او را بدستی که او را و بعد از او را بدستی که او را  
 و بخوان و بعد از آن هفت تکبیر این سر دعا را اگر و اگر و اگر  
 قدر الهام و دعا و بستاند حسن از حضرت صادق علیه السلام

المبین

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ  
 اِنْ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ  
 إِلَّا أَنْتَ اِنْ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ إِلَّا أَنْتَ

در بیان این است

[illegible]

باید عبادت الهی را با عبادت علی علیه السلام و با تمام اهل بیت علیهم السلام و با تمام اهل بیت علیهم السلام و با تمام اهل بیت علیهم السلام

لا شریک له و بذلك اقرت کما من المسلمون

حقیقت این را که از برای او این امر شده است و این امر شده است و این امر شده است

و قد و است دیگر باین نحو واقع شده

و جهت و جهی القی فطر السموات و الارض

که اینها امر و می تواند باشد که از برای او است و اینها امر و می تواند باشد که از برای او است

على املة ابراهيم و دین محمد و منهاج علی

در حال که بر ملت ابراهیم و دین محمد و منهاج علی

تا آخری از صاف عالم الغیب و الشهاد و اتفاق کرده

طایفه ای که از است معارف و مشق نیست

ازین معنی که در دین تو بخیر است و اینها امر و می تواند باشد که از برای او است

داری نیست و اینها امر و می تواند باشد که از برای او است

داده است شیخ طائفة و قد الله مرسل و در مصباح کرده است

نکیر و اخرا نکیر و الاحرام و اینها امر و می تواند باشد که از برای او است

صحیح ندانم در افتتاح بغير صلی الله علیه و آله و آله

و تکمیل و متابع کردن امام حسین علیه السلام

آفت که تکمیل و اول اینکیم و الاحرام گردانیدن و اینها امر و می تواند باشد که از برای او است

باید عبادت الهی را با عبادت علی علیه السلام و با تمام اهل بیت علیهم السلام و با تمام اهل بیت علیهم السلام و با تمام اهل بیت علیهم السلام

ذکر کرده ایم و در مقامی که شریعت و عبادت را به ایم کلام را درین  
 بحال استین بعد از آن استعاده میکنی بعد از فراغ از  
 دعای سیم پس این است که **اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ**  
 بسم الله الرحمن الرحيم بعد از این دعا را ده بار  
 و استعاده نموده و مخصوص بر کفر او است و پس  
 میگویند از بعد از آن بخوان سوره حمد و تو سبیل گشتن  
 و بلند خوان آنرا را عایت گشتن و صفای ای از او با آنها  
 آن و حاضر گشتن قلب خود را فکر گشتن معنای آن  
 ساکت میشود بعد از آن بعد از سوره حمد از آن بخوان  
 همان که در آیه آمده باشد سوره بسم الله یا قیامه  
 یا ادر یا ادر مانند اینها باشد در روزی که در آن روز  
 کرده است از اشخ طائفه در نهان پندار صحیحی از  
 حضور این عباد علی السلام و خاک میشود بعد از  
 چنانکه ساکت شدی قبل از آن بعد از آن بر مقدار  
 و ششهای خود را چنانکه برداشتی در آن هفت کعبه  
 ذکر کن الله اکبر بعد از آن بر کعبه برو و بعنوانی که بگذارد

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين





اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ

تداوید الذی برای تو میباید که معلوم می شود و ایمان او نزد ما و بر تو

اسْمُكَ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ رَبِّي سَجْدَ

اطاعت کرده ام و بر تو توکل کرده ام - و تو بر او توکل کن

وَحَيْهِ الَّذِي خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ

دوستان از برای کسی که در این راه است و او را به فکر می کشاند

أَحْمَدُ لِلْمُسْلِمِينَ الْعَالَمِينَ مَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَرُ

سپاس میزدان گوید و و عکاس عالمهاست مقابلش نهاد که بچرخ

انحالہ کے بعد ادا کیے گئے ہیں۔

افغانستان

میشود و باران در آنجا میبارد و باران در آنجا میبارد

وَجَعَلَهُ وَبَابِلًا بَدَلًا لِجَنَّةِ أَدَمَ وَتَوْبَعُ مَدَا

مستقیم می‌باشد.

شد و بعد از آن بر دار سوخت و او را چوب سوختند

وَبِی شَفِیِّ ذَرِّیَّتِکُمْ وَصِیْکُمْ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

طالعة من

مجلس شورای اسلامی

بیتاؤں کے لئے

1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 2679, 2680, 26

انني ما اوتيت اليكم بعد ان اكون في ارضي

کہ وہ لوگوں کو غفلت و خواب میں رکھ دیا اور

کرمست فقر الاسلام بجان منند سابق از خور  
 باقر علیه السلام اللهم اغفر لی وارحمنی و

خداوند ما را بخیر رساند و در جمیع امور ما را یاری فرماید

اَجِرْنِي وَاَدْفَعْ عَنِّي مَا اَنْزَلَ إِلَهِكَ

واصلاً حق کو شکستگی مراد دفع کن از حق بدلتی که هر چند بدست تو رسد

مِنْ خَيْرِ قَبَائِلٍ يُسَبِّحُكَ اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ

از خیر محتاجم      مقدس است خدای پروردگار غافلان

و بعد از این کبر میگوئی و بروی جوی عهد

دوم مثل محمد اولیٰ بن عبد الوہاب خدواری

فمن اراد ان يترك كل ما هو له من اجل الله فليتركه

مکتبہ دارالکتاب اسلام آباد

سیویٹہ سٹارو پل جیسی روایتی

لما قيل في بعض النسخ: وودعوا اجماع برين لودعوا

از آن برخیز و بخوی که بر جاری نهاد و هارایش از

رستگار شد که بعد از آن عطا کرد و آنرا که خداوند از او برگزیده و از آنانی  
که از این عطا را از او برگزیده و در وقت سر بر داشتند و از آن برین  
آزاده و از بدو جدا و در جمعی از خود و در جمعی از خود و در جمعی  
عطا شدند از آن عاتقانی که در آن کار و در آن کار و در آن کار  
شده است از آن عاتقانی که در آن کار و در آن کار و در آن کار

این کلام حضرت موسی علیه السلام  
که در آن مجید تعالی و الهی  
مراد است که هر چه از این سرای  
منزه و خیر خواهم که نامش خدای یار  
خوبتر از هر چه بماند و بود الا که  
انرا بخیر



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بِكَونِ حَوْلِ اللَّهِ عَالِيَهُمْ قُوَّتُهُمْ قَوْمٌ وَاقِفُونَ

بجود خدای تعالی و قوه او بر خیزند و می ایستند

وَكُرْكُوعِهِمْ يَوْمَ يُدْعَىٰ إِلَىٰ اللَّهِ

و در کوع میروم و میجویم

يَوْمَ يُنْفَخُ الْكَوْكُوعُ وَكُلُّ أُمَّةٍ

و چون کوع در سون چنانکه گذشت در کوع اول

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّجُلٌ يَأْتِيهِمْ فِيلٌ

و باینکه برده باشد در سون فل و او را احد بعد از آن

سَلَكٌ مَّشْيُورٌ يُعْطَرُ فَيُضْفَىٰ

ساکت میشود و بعد از نفسی پس تکبیر میکند

بِفَرْحَةٍ وَفِي قُوَّتٍ مَّيْكَنٍ

بکمال شادمانی و قوت میکند بکلمات فرج

كُلِّ أُمَّةٍ يَكُونُ لَهَا رَاجِلٌ

که باینکه یکی دستها را در برابر روی خود و دیگر دانی

يَكُونُ لَهَا رَاجِلٌ وَكُلُّ أُمَّةٍ

که دستها را در برابر روی خود و دیگر دانی

يَكُونُ لَهَا رَاجِلٌ وَكُلُّ أُمَّةٍ

که دستها را در برابر روی خود و دیگر دانی

يَكُونُ لَهَا رَاجِلٌ وَكُلُّ أُمَّةٍ

مراد از کوع همان آسمانهای است که در وقت کثرت است  
سایه می افتد و در وقت ازین است که در وقت است  
چنانکه گفته اند که ازین است که در وقت است  
باینکه گفته اند که در وقت است و این است که در وقت است  
یعنی ازین است که در وقت است و این است که در وقت است  
مراد ازین است که در وقت است و این است که در وقت است  
فلان کلام ازین است که در وقت است و این است که در وقت است  
مقتداست و این است که در وقت است و این است که در وقت است

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

جودگر و نیست خدای مکر خدای بلند مرتبه و بسیار بزرگوار

اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْأَرْضِينَ

خدا که بر سر کاف آسمانهای هفتگانه و زمینهاست



در این روز چه در صفت شما بگویم و چه در مقام شما  
 راجع شود و چه در اینست که تقدیر و تقدیر  
 و چه در عاقبت و آنچه در اینست که تقدیر و تقدیر  
 و چه در اینست که تقدیر و تقدیر و چه در اینست  
 و چه در اینست که تقدیر و تقدیر و چه در اینست  
 و چه در اینست که تقدیر و تقدیر و چه در اینست

وَفَعَلْتَ الْأَقْدَامَ وَوَفَعْتَ الْأَوْدِي وَمَنْذَرْتَ الْأَ  
 وَحَرَكْتَ مَعَهُ شَيْئًا مِنْكَ وَلَيْسَ كَرِهَ شَيْئًا مِنْكَ وَلَيْسَ كَرِهَ شَيْئًا مِنْكَ  
 وَأَنْتَ دَعَيْتَ بِالْإِلَهِمْ مِنَ الْبَيْتِ وَتَوَهَّنَ قَدْرُ  
 وَتَوَهَّنَ شَيْئًا مِنْهَا وَسَبَّحْتَ بِهَا بِهَا  
 بِخَوْفٍ وَتَوَهَّنَ بِالْأَعْمَالِ تَتَبَّاعُ أَفْعَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا  
 فَإِنَّا بَيْنَ يَدَيْكَ وَخَلْفَكَ حَكَمَ كُنْ بَيْنَ مَا وَبَيْنَ قَوْمٍ مَا  
 بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَاثِجِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا  
 بِحَقِّكَ وَتَرْجِيهِمْ حَكَمَ كُنْ بَيْنَ مَا وَبَيْنَ قَوْمٍ مَا  
 تَشْكُو إِلَيْكَ عَيْشَةَ إِمَامِنَا وَقَلْبَهُ عَدُوَّنَا وَ  
 تَشْكُو إِلَيْكَ سُبُوهُ وَأَنْتَ إِمَامُ مَا وَبَيْنَ مَا وَبَيْنَ قَوْمٍ مَا  
 كُنْ عَدُوَّنَا وَمَنْظَرُ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَوَفَعْتَ  
 بِمَا بَعْدَ شَمَانٍ مَا وَبَيْنَ مَا وَبَيْنَ قَوْمٍ مَا  
 الْقَبْرِ بِمَا فَرَجَ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدَ عَظَمَةِ  
 وَتَوَهَّنَ شَيْئًا مِنْهَا وَسَبَّحْتَ بِهَا بِهَا  
 وَلَمَّا سَمِعْتَ نَعْرَ قَوْمِ الْحَقِّ أَوْ سَمِعْتَ نَعْرَ  
 وَإِمَامُ حَقِّكَ تَشَامِمُ أَوْ رَاحِلِي حَقِّكَ

فَتَدْعِيهِمْ

وَتَدْعِيهِمْ  
 وَتَدْعِيهِمْ  
 وَتَدْعِيهِمْ









بدو حتی که ملازمی گفتند و اینست که بخت شود و از  
 انحضرت است علیه السلام که فرمودند که تسبیح زهر اطمینان  
 السلام در هر روز عقیقه هزار بار و عقیقه است از حسن این  
 هزار که هزار در هر روز از حضرت باقر علیه السلام گرفته اند  
 که نیست بندگان که عبادت کنند خدا را بجز تسبیح  
 انحضرت از تسبیح فاطمه زهر اطمینان السلام و اگر چه خود  
 افضل از آن هر اینست عظیم است که این را هر چه بخواهی  
 و الله و فاطمه علیها السلام و روایات در فضیله تسبیح  
 زهر اطمینان السلام بسیار در بیابان و در کوه و در راه و در  
 تو در عقیقه و تسبیح بیست و یک بار و تسبیح بیست و یک بار  
 از روی قبضه و در تو و در شتران کن هر شایسته ای که  
 و التفات و مانند این از این تحقیق کرد و این حدیث است  
 آنچه ضرور میرساند از حضرت و در تسبیح عقیقه بیست و یک بار  
 سلام دایمی بیست و یک بار و تسبیح بیست و یک بار  
 در شتران و این را هر چه بخواهی خود بخوانی که بخت است از تسبیح  
 روی می باشد و گفت آنها اطراف قبله این تسبیح را

و من بعد از این که به اخبار و استیلاهای عبادت کمال یافته اند که در هر یک مکتب الله

17

مجلس شورای اسلامی  
جمهوری اسلامی ایران



الاعتقالات على ما هو كون لا إله إلا الله

وَقَدْ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ مُرْجٍ

وَلِحَدَّثَانِ خَيْرٍ لِّمَنْ يَسْلُوهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا

عَنْ الْأَمِيرِ الْأَخِيصِ كَرِيمٍ بِمَنِّهِ خَلَّدَ مَكْرَهُ  
فَعَبَدَ الْإِلَهَاءَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَفَرَ

المشركون لا إله إلا الله ربنا ورب الناس

عَلَّمَ نَحْنُكَ بِهَذَا الْكَلَامِ الْكَافِرِ  
الْأَوَّلِيِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ

وَمَنْ يَضُرَّ عِيْدًا وَهَرَمَ الْاَحْرَابَ وَ

وَمِنْهُ هُوَ الْوَاحِدُ الَّذِي كَرِهَ اسْتِثْنَاءَهُ وَكَرِهَ تِلْكَ اسْمُهُ الْوَاحِدُ  
فَلَمْ يَخْلُقْ لَهُ شَيْئًا قَبْلَهُ

ماستفهم اباي الذي لا اله الا هو الحي القيوم

طالبان و طالبان که نیستند خدایه که از این جهت نه از این جهت

دُوبَلِّدُ الْأَكْرَمِ

وَأَكْتُوبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ اهْدِنِي نَزْعِي عِنْدَكَ

وَقُوْبِهِمْ بِسُوءِ خُلُقِهِمْ هَالِكِينَ مَا أَتَوْهُ خَوْفَ

وَأَقِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَأَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ حَبْلِكَ

وَبَرِّزْ بَرِّمَنْ أَزْ فَضْلُ خَوْفٍ وَبِرْكَتِهِ كُنْ بَرِّمَنْ أَزْ

وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

وَعَزَّ وَجَلَّ بَرِّمَنْ أَزْ بَرَكَاتِهِ خَيْرٌ تَسْبِيحُكُمْ تَوَارِثُكُمْ فَكُلُّكُمْ

أَنْتَ أَغْفِرُ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لَا أَغْفِرُ

تَوْبَتِي مِنْ ذُنُوبِي كُلَّهَا هَذَا قَامَ أَتَمَّ أَهْلًا بِهِ بَرِّمَنْ أَزْ

الَّذِي تَوْبَتِي كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ كُنْ

كَتَابًا قَامَ أَتَمَّ أَهْلًا بِهِ مَكْرُومٌ خُلُقُهُمْ

أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَأَعُوذُ

بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ

مَنْ سَأَلَكَ بِمَا أَهْلَكَ بِهِ كَفَرٌ وَكَرِهْتَ أَنْ تَعْلَمَ تَوْبَتِي

بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ

مَنْ سَأَلَكَ بِمَا أَهْلَكَ بِهِ كَفَرٌ وَكَرِهْتَ أَنْ تَعْلَمَ تَوْبَتِي

بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ

مَنْ سَأَلَكَ بِمَا أَهْلَكَ بِهِ كَفَرٌ وَكَرِهْتَ أَنْ تَعْلَمَ تَوْبَتِي

بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اللَّهُمَّ

وَالْعَالَمِينَ

عَالَمِينَ

بِكَ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَعَذَابِهَا الْآخِرَةِ وَنَحْنُ

مُتَوَكِّلُونَ عَلَيْكَ وَعَذَابُكَ لِيَحْتَرِقَ بِهِ قُلُوبُ

بَنِي هَاشِمٍ الْكَرِيمِ وَتَحْتَكَ الْيَتَامَى وَتَرَامُ وَقَلْبُ

الَّتِي لَا تَمْنَعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنَ شَرِّ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا لَا

يُجَالِدُكَ فِيهَا شَيْءٌ وَلَا يَمْلِكُ عَلَيْكَ كَيْدٌ

وَلَا لَاقٍ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

لَا يَتَّخِذُ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

وَكُنْ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَسَتَحْلُمَ

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ

لَكَ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحُجُجُ وَبُيُوتُ

مُحَمَّدٍ وَبُيُوتُ نَبِيِّ الْخَيْرِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ وَدَمْرُهُ وَابْنُ يَزِيدٍ مَحْضُورٌ مِنْ تَعْلِيْقِ

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا

قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَصَدْرُهُ أَجْوَدُ

وَقَدْ كَانَ صَدَائِقُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ

بِاللَّهِ مِنَ الشَّارِ وَأَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ وَصَدْرُهُ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجَمِّلْ وَجْهَهُ

Handwritten marginal notes in Arabic script are present on the left and right sides of the page, providing commentary or additional text related to the main prayer. The text is written in a cursive style typical of Islamic manuscripts.

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
الذي كنا لنهتدي لہ  
انما وجدنا جناسا لسانا  
فمنعنا من ان نكلمهم  
فمنعنا من ان نكلمهم  
فمنعنا من ان نكلمهم

وَمِنْهُمْ مَنْ يَشْفَعُ لِقَوْمِهِمْ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدًا

کونوی میڈیم انیکوینیت خلاف مکر خدا نہیں ہے

لا شريك له إنما واحد المحدثا فردا أصدا

بعضی امور برای اخذ تأیید می‌گردد. می‌تواند: حقوق می‌تواند

لَمْ يَجِدْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَسَيِّمُوهُ

کافرانکه است در حق و تدفیر ناری

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاقَةَ

فیسیمیکم شمیم کرمیوساں از برای خدا و نیت جلالی مکرر و خیر

وسرطانات است که شمرده شود این ذکرها و شیخها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پس تحقیق بذلت کرده است شفا

تہذیب پسند بھی از حضرت صاحب الامر

علیهم السلام که افضل از ایشان است که تسبیح کرده سودا

و منکر اندیشه های پوشتی و منکر از برای

او انهم لهذا ان يكونوا و ان مخصوص بعقوب

10

1997

انسانیت کے لئے

ای شیر قهائیزه دلها . وزیدها قهائیزه

بر محمد والاد و ثابت کردن دلها بر دین خود و دین

پس از آنکه رحمت کند خدا را و والی او و میامین او را

بعد از آنکه راه نمودی مرا و بخش مرا از نزد خود رهایی

نویسنده که در این کتاب بحث کرده است

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

از این جهت که تنها در صورتی که

اعتماد پیشی گرفته اند و کتاب خداوند را به دست گرفته اند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بقلید پادشاہی و وزیرک سلطنتی و شوق قودت

Handwritten text, likely bleed-through from the reverse side of the page. The text is illegible due to the quality of the scan and the angle of the handwriting.

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كَفَالَةٌ فِي كَذَا وَكَذَا

واینگد بکنی یامن قلان وقلان

اعزى منى دينى واهلى وخالى ووالدى

التجاء من مقام نفس خود را بدین خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزندان

وَأَيُّهَا وَمَا تَقِي رَيْفٍ وَجَمِيمٍ مَا يَنْصُرُ

و برادران خود را و اخید و روزی کرده است این را و می گویند و می دانند و می شناسند

أَمِنْ بَإِجْدَادِ الْأَحْمَدِ الْمَسِيدِ سَلَامٌ وَلَمْ يُولَدْ

امروز اورا و بعد از یک هفته بی نیاز کرد و از این است و از این است

وَأَمَّا كُنُوزُهُ فَغَدَاةٌ لِمَن يَشَاءُ اللَّهُ ۚ وَهُوَ غَافِلٌ عَمَّا يُصْنَعُ ۚ

وینت مراد ہا کی . وہ پروردگار سے از گ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرایع اخروی و دنیوی است و از منبر شریعت حیات ابدی هرگاه داخل شود

وہی ہے جو ان کے لئے ہے

وکیچا دیوتا کے نام سے پکارا جاتا ہے۔

وَالْقَائِلَاتِ فِي الْعُقَدِ مِنْ شَرِّ حُكَّامِ بَادِيَانِ

شَرِّ زَمَانِ بَادِيَانِ وَدُرِّهَا وَزُشْرِ حُصُودِي هَكَذَا

حَبْنَدُ وَرَبِّهَا النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَهَ النَّاسِ

مُحَمَّدُ وَبَدِي وَرُكَّارِ آدَمِيَانِ بَادِيَانِ مَعِي وَادِيَانِ

مِنْ شَرِّ الرُّسُلِ وَالْجَنَّتِ النَّاسِ الَّذِي يُؤْمِنُونَ

أَزْشَرِ وَسُوسَةِ كُتْبِهِ أَنْكَرُ وَسُوسَتِي

فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنْ حُبِّهِ وَالنَّاسِ

وَرَبِّهَا مَرْمُوحُ الْبَنِيَانِ وَادِيَانِ

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

وَأَلَّا أَمُوتَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ

وَأَلَّا يَخْلُقَ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ وَلَا يَخْلُقُ إِلَّا بِمُحَمَّدٍ



و بعد این است و آنچه را پشت سرش و اما مله عیون از اینا پیچیدگی اند

علم او فکر با عیقل و خواص دوست دار و نویسنده و احسان

وَمِنْهُمْ مَن يَخُصُّكَ أَهْلَ بَيْتِهِ وَنَحْوَهُ

میت آکواهی و جیری در دین بجهت

و جلد داده است از گاهی شد پس هر که کفر بیاورد دستش را

قبا و ايمان بياور خدای تو تحقیق کند سرده ات بعزوه عده

کونیت شکی مرزا و خدائونده است و دانا حد

دوست آتشکاف که ایام او دم انور می رسد او زیارت آن

پان سبب ملحقہ ہیں۔ لیکن سبب تعاون میں ہیں ہر ماحولیاتی اختیار

[illegible]

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا

مِنْ التَّوْبَةِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

از خود هیوی تا دیکهها ایشان اصحاب  
 الباری هم من الخالدون وایر شهادت شهادت  
 ایشان از دوزخ خواهند بود همیشه کواهی و دوزخ

اَسْلَمَ الْاُمَمُ وَالْاَمْلَاحُ وَالْاَمْلَاحُ وَالْاَمْلَاحُ

[illegible]

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْأَسَدِ، وَمَا اخْتَلَفَ النَّاسُ فِيهِ

تو خدا انقیاد است و خلاف تکبرند انچه اولی است

نموده و انچه مي گوييد از آنكه اميد ياران علم ايزه احمد

وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْآيَاتِ وَاللَّهِ يَفْضَحْهُنَّ  
وَمِنْ أَمْرِ هَكَذَا نَكُونُ بَيْنَ يَدَيْ خَلْقٍ كَذَلِكَ خَلْقُوا هَذَا

که او را بداند خدا استعلا کلامه  
از نفس بگردد و لا یلیک کدالات  
میکنند بیکدیگر و او فرستاده  
ایمان کفایت مانت مانت مانت  
بجای خدایات یعنی بپند خدا  
که میند خداوند متعال و حرم

دولت اسلامیہ

[illegible]

وَابَرِ الْمَلِكُ قُلُوبَ الْأَشْجَارِ وَأَلْجَمِ الْفُلُوكِ لِيَعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَا الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ

بكرای محمد رضا وندای صاحب شاه و مدعی پادشاهی  
مِنْ تَشَاءُ وَيَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَيُعْزِزُ مِمَّنْ تَشَاءُ

کوی را که میخواهی و میگری پادشاهی را از کسی که میخواهی و عزم می کنی  
وَمِنْ ذَلِكَ مَنْ تَشَاءُ بِمِدَدِ الْخَبَرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و خوار می کنی و با که میخواهی بدست توانی خبر بدستی که تو بر همه  
شَيْءٍ قَدِيرٌ تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ

چرخ غایت توانی داخل می کنی شب را در روز و در روز می کنی  
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ

روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و  
مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ

بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی می دهی هر که را خواهی  
حِسَابٍ وَأَنْتَ خَيْرُ الْرَازِقِينَ إِنَّ اللَّهَ الَّذِي

بدستی که بر و بدکار را شمار حساب  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ

که آنرا در شش روز و زمین را و آسمان را در شش روز پس

وَابَرِ الْمَلِكُ قُلُوبَ الْأَشْجَارِ وَأَلْجَمِ الْفُلُوكِ لِيَعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ مَوْلَا الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ

بكرای محمد رضا وندای صاحب شاه و مدعی پادشاهی

کوی را که میخواهی و میگری پادشاهی را از کسی که میخواهی و عزم می کنی

و خوار می کنی و با که میخواهی بدست توانی خبر بدستی که تو بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ

چرخ غایت توانی داخل می کنی شب را در روز و در روز می کنی  
النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ  
مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ  
حِسَابٍ وَأَنْتَ خَيْرُ الْرَازِقِينَ إِنَّ اللَّهَ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ  
که آنرا در شش روز و زمین را و آسمان را در شش روز پس





سَلَامًا لِمَنْ يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَهُمْ

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ يُرْسِلُ عَلَيْكَ حَشِوًا مَّحْبُورًا

پس بگویم که از غنای اعیان و درون نگار و عینک شما فرستاده میشود و باید  
نار و نجاس فلاقت و نور این و چهره ایه از او سر و

اتش و رعدی پس باز عید اید و خود از ان  
لَوَاتِلِبَا مَذَا الْقُرْآنَ عَلَى حَبْلِ الْوَاتِلِبَا

خَاتَمُ مُنْصَدِّعٍ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَشْ

نَصْرُهَا لِلنَّاسِ لِأَنَّهُمْ يَفْكَرُونَ هُوَ اللَّهُ

میں نے تم کا اعتماد اذیاری میں کرنا شاید ایشاق تنفر کی تلافی کے لئے کیا تھا۔

کذبت حقایق مکر او را نای غیب و شهادت  
هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

الرسالة المحمدية  
هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن

او بادشاہ جبر پاکینہ سلام امان و منہ صفت

[illegible]



الرَّاقِبِ مِنَ التَّارِ اسْتَطْلَكَ أَنْ تَصِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ

کردن از آتش - و ای که نوزاد کنده رحمت بر منی بر محمد

وَالرَّحْمَنِ وَأَنْ يَتَوَقَّعَ مِنَ التَّارِ وَأَنْ يَخْرُجَ

والحمد و ای که از آتش که من را از آتش و ای که بیرون آید

مِنَ الدُّنْيَا أَمَّا وَتَدْعُنِي الْحُبَّةُ سَلَامًا وَأَنْ

از دنیا این دعا کن مرا از دنیا و ای که سلام و ای که

يَجْعَلَ دُعَايَ أَوْلَاهُ فَلَاحًا وَأَوْسَطَهُ نَجَاحًا

یکدانه دعا را اولاد او را نجاتی و میان آنرا فیروزی

وَأَخْرَجَ صَاحِبَكَ أَنْتَ عَلَامُ الْعُيُوبِ

و ای که از صاحبی بدستی که موقت تو دانی بپوشی

بَعْدَ ذَلِكَ مَكُونِي وَأَيْنَ مَحْضُوعٍ أَسْتَغْنِي عَنْهُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا

خدایا وینا بر من دافعی صبح بخیرم که میگویم تو را و کفایت

وَأَشْهَدُ بِمَلَانِكَ وَحِلَّةِ عَرْشِكَ وَمَكَانِكَ

و گواه میگویم بر درگاه تو را و درگاه تو را و مکان تو را و مکان

وَأَرْضِيكَ وَنَهْيًا وَلَكَ وَرُسُلَكَ وَالصَّابِرِينَ

و زمین تو را و پادشاه تو را و رسولان تو را و صابران

۲۵  
۲

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ الشَّهَادَةِ وَالشَّهَادَةِ وَكَيْفَ  
از بیندگان تو را و از بیندگان تو را پس کوه شوی برای ویشی  
بِت شَهِيدًا اِنِّي شَهِيدًا اَنْتَ اَنْتَ اَللّٰهُ وَحْدًا لَا

برای کوه بر اینکه من کوه میدم که بدست خود تو را از بیندگان  
شَرِيكَ لَكَ وَاَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ

انهادی از برای تو را اینکه محمد و همت کناد خدا را بر او و آل او و  
وَرَسُولُكَ وَاَنْ كُلَّ مَعْبُودٍ غَائِبٌ عَنْ عَرْشِكَ

در ولایت و اینکه هر عبادت کرده شده از یاقین غرض تو  
اِلَى قَدَرِ اَرْضِكَ السَّابِقَةِ السَّابِقَةِ اِبَاطِلُ

تا فرارگاه زمین حقیقی یا یقین تو باطل  
مُضْمِلٌ مَّا عَدَا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ فَانَّهُ اعَزَّ

و منجیل است غیر از ذات کریم تو پس بدست خود تو  
وَاَكْرَمُ وَاَجَلُ وَاَعْظَمُ مِنْ اَنْ يُّصِفَ الْوَاضِعُ

و کرامت و جلال و بزرگتر از اینکه وصف کند و وضع کند  
كَتَبَ جَلَالُهُ وَاَوْتَدَى الْقُلُوبُ اِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ

و بزرگوار او را و ایستاد به دلها به کُنْهِ عَظَمَتِهِ  
عَظَمَتِهِ



۵۶  
۲

وَكَايُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُجَدَّ وَكَأَمَّا هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ بَغْيٍ لَكَ

وچنانکه دوست میدارد خدا که بگوید و چنانکه او سرور است و چنانکه

وَجْهَهُ وَعَزَّ جَلَالُهُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَلَّمَاهُ

ذات او و غلبه بزرگی او نیست خدا را که خدا هرگاه تمایل کند

اللَّهُ شَيْءٌ وَكَأَيُّ بَغْيٍ لَكَ أَنْ يُسَلَّلَ وَكَأَمَّا هُوَ أَهْلُهُ

خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا که تمایل کند چه شود و چنانکه او

وَكَايُحِبُّ لَكَ رَحْمَةً وَجْهَهُ وَعَزَّ جَلَالُهُ وَاللَّهُ أَعَزُّ

وچنانکه سرور است از برای کسی ذات او و غلبه بزرگی او و خداوند

كَلَّمَاهُ اللَّهُ شَيْءٌ وَكَأَيُّ بَغْيٍ لَكَ أَنْ يُكَيَّرَ وَكَأَمَّا

هرگاه بگوید که خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا که تمایل کند که

هُوَ أَهْلُهُ وَكَأَيُّ بَغْيٍ لَكَ رَحْمَةً وَجْهَهُ وَعَزَّ جَلَالُهُ

او سرور است و چنانکه او برای کسی ذات او و غلبه بزرگی او

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ

بیشتر است از آنچه میگویند و ستایش برای او نیست خدا را که خدا و خدا

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ

بیشتر است از آنچه میگویند که انجام گرفته است باز بگویند و بر هر چیزی

بغی میگوید که لا اله الا الله  
تمایل لا اله الا الله که گفتار است

بغی میگوید که لا اله الا الله  
بگویند که لا اله الا الله  
ما شاء الله الا که گفتار است

بغی میگوید که لا اله الا الله  
بگویند که لا اله الا الله  
بگویند که لا اله الا الله

مِنْ خَلْقِهِ مَنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

از آنکه بود و آنکه خواهد بود تا روز قیامت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خدایا من از تو میگویم که بر محمد و آل محمد رحمت بفرستی

وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا أَرْجُو وَخَيْرَ مَا لَا أَرْجُو

و من از تو میگویم خیر آنچه امید دارم و خیر آنچه امید ندارم

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَجْذِرُ مِنْ شَرِّ مَا لَا

و پناه می آورم به تو از شر آنچه می ترسم و از شر آنچه خوف

أَجْذِرُ بَعْدَكَ أَنْ يَكُونُوا وَابْنِ زَوْجِهَا يَنْتَكِرُ

دارم در شام نیز خواندن همیشه بود

بِسْمِ اللَّهِ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ

نام خدا بهترین نامها نام خدا بهترین نامها

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِهِ أَنْ يَصْرَعَ عِشْرَةَ سَنَةٍ وَلَا

و از نام خدا میگویم که هر عیشتره سال با نام او می ریزد

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِهِ أَنْ يَكُونَ عَلَى اللَّهِ تَوَكُّلٌ

و از نام خدا میگویم که هرگاه تو را توکل بر خدا بود

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِهِ أَنْ يَكُونَ عَلَى اللَّهِ تَوَكُّلٌ

و از نام خدا میگویم که هرگاه تو را توکل بر خدا بود

عَلَى قَلْبِي وَيُقْبَلُ بِسْمِ اللَّهِ عَلَى دِينِي وَعَقْلِي

بدان و تقرب بسم خدا بروی من و عقل من

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللَّهِ عَلَى مَا أَعْطَانِي

بسم خدا بر اهل من و مال من بسم خدا بر آنچه عطا کرده

رَبِّي بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ فِي

موجوده کار من بسم خدا که ضرر نمی رسد بآن و چیزی در

الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

زمین و نه در آسمان و راست شنونده دانای

اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي حَقًّا لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا اللَّهُ

خداست خدا پروردگار من حق است شریک نیکنم با او چیزی جز خدا را

أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَغْنُوهُ عَنِ الْمَالِ وَالْأَهْلِ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است خدا را از مال و اهل

وَاحِدٌ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّ شَأْنُكَ وَتَوَفَّقْتُ

و خود را از غمزداری تو و بر داشتی کار تو و یار کردی

أَسْأَلُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

نامهای تو و نیست خدای غیر از تو خداوند ایستاده و پناه می دهم

بسم خدا بر اهل من و مال من بسم خدا بر آنچه عطا کرده

که ای که نام دارد ما شیء و تو را  
یا ای که هستی خداوند تو را







کلام محبت که بسیار در دنیا  
 بعد از حق که کسی با حق است  
 کلام محبت که اندک در دنیا  
 الحاق حق است و در دنیا  
 محبت حق و نعم الوکیل

شَکَرُ اللَّهِ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلِبُوا بَازِعِزْ

برات ما را خدا و بهترین وکیل پس گشتد ایشان  
 مِنَ اللَّهِ وَفَضِّلْ لِمَنْ يَسْتَسْمِعُ وَوَمَنْ

از جانب خدا و زیادتر بنماید با حق مکرر آنچه خواسته  
 اللَّهُ لَا أُولَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ

خداوند هر که وند قوت مکرر خدا آنچه خواست خدا  
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ وَأَنْ يَكُنْ

نه باشد خداوند مردم آنچه خواسته است خدا و اگر آنچه  
 النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ

مردم بندگان مرا از بندگان و از پروردگار بندگان  
 الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّزَّاقُ

مرا بخشنده از آفریده خدا بندگان مرا بندگان  
 مِنَ الْمَرْدُوقِينَ حَسْبِيَ اللَّهُ لِمَنْ يَزِلْ حَسْبِيَ

از روزی داده خدا بندگان مرا آنچه همه بندگان  
 حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مَلَكُوتُ حَسْبِيَ حَسْبِيَ اللَّهُ

بندگان مرا که بودم بندگان بندگان خدا

این کلام را در روز قیامت  
 هر کس بخواند  
 خداوند او را  
 از عذاب  
 نجات دهد

این کلام را  
 در روز قیامت  
 هر کس بخواند  
 خداوند او را  
 از عذاب  
 نجات دهد

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ  
بیت خداوند بزرگوار توکل کرده ام و اوست پروردگار بزرگوار

مَعْدَاذُكَ يَكُونُ اللَّهُمَّ أَصْبَحَ ظِلِّي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ  
خداوند داد ادا صبح شده ظلمت پناه جوینده بودم

وَاصْبَحَ قَلْبِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَاصْبَحَ خَلْقِي  
و صبح صبا شده است کلام پناه جوینده با مرش بودم خلق پناه جوینده

مُسْتَجِيرٌ بِإِمَانِكَ وَاصْبَحَ قَلْبِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ  
پناه جوینده ایمان تو و صبح صبا شده است دین تو پناه جوینده بودم

وَاصْبَحَ ذَلِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَاصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيرٌ  
و صبح صبا شده است آنجا پناه جوینده بودم و صبح صبا شده است ضعف تو پناه جوینده بودم

بِقَوْلِكَ وَاصْبَحَ وَجْهِي الْغَائِبِي مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ  
بقول تو و صبح صبا شده است آنجا پناه جوینده بودم

الْبَاقِي يَا كَاشِفَ أَمَلِ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا كَاشِفَ أَمَلِ  
باقی تو ای موجود پیش از هر چیز و ای موجود بعد

كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكُونِ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ  
هر چیز و ای موجود کننده هر چیز رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٌ وَاجْتَصِلْ بِمَنْ أَمَرِي فَرَجًا وَخُجْرًا وَارْتَقِ

محمد میگردد از جای من از امر من سادگی و بدیدند و رفتی

مِنْ حَيْثُ احْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا احْتَسِبُ

از آنجا که گمان دارم و از آنجا که گمان ندارم

بِعَدَاؤَنِي مَيَكُونُ هَفْتُ وَتَبَدُّو حَالُ انْكَرُ كَرْتِش

و دشمنی خود را بدست راست و گشودم باشی گفت

چَپ را بسوی آسمان یَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَمَّدُ صَلَّی عَلَیْهِ

ای پروردگار محمد و آل محمد صبر کنید

وَالْمُحَمَّدُ وَعَمِلْ فِرَاجُ الْمُحَمَّدِ وَنَبِیِّهِ یَا رَبِّ مُحَمَّدٍ

و آل محمد و محمد کن راحت از محمد ای پروردگار محمد

وَالْمُحَمَّدُ صَلَّی عَلَیْهِ مُحَمَّدٌ وَالْمُحَمَّدُ وَاعْنُقْ رَقَبَتِی

و آل محمد رحمت بفرست بر محمد و آل محمد را از نو کن که خدا

مِنْ الشَّارِبِ عَدَاؤَنِي مَكُونُ یَا اللَّهُ یَا حَزَنُ یَا رَحِم

از آن دشمنی ای خدا ای غمناک ای رحیم

یَا حَسْبُ یَا قَوْمُ بِرَحْمَتِكَ اسْتَغِیْثُ اللَّهُمَّ اَنْتَ

ای پندارنده ای گروه ایستش بر رحمت تو طلب فرما و بر منم خدا را بدیدند





وَقَدْ اسْبَلَدَ مَعِيَ حَسَنُ الظَّنِّ بِكَ فِي عَرَفٍ  
وَقَدْ كَرِهَ الشَّكْرَ لَكَ كَمَا كَانَ يَتَوَدَّرُ

بَقِي مِنَ النَّارِ وَتَغْمِضُ لِي وَتَعَالَى عَنِّي  
كَرَمٌ مِنْ أَوْثَانِي وَبِشَانِي كَمَا هُنَّ وَدَكُونِي وَتَغْمِضُ

وَقُلْتَ وَقَوْلْتَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ فِيهِ وَلَا  
وَكُنْتُ تَوَكَّلْتُ تَوْحِيدًا كَمَا نَبَيْتَ خِلَافِي وَدَانِي

سَبِيلَ يَوْمٍ نَدْعُو كُلَّ نَاسٍ بِإِسْمِهِمُ اللَّهُمَّ  
تَقْبِلهُ رَوْحِي كَرِيمِيهِمْ هَذَا يَوْمَ نَدْعُوهُمُ وَبِشَوَارِسِهِمْ

إِنِّي أَقْرُ وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَلَا أَجْحَدُ وَأُتَوِّدُ  
بِشَوَارِسِهِمْ وَأَعْتَرِفُ بِكُمْ وَأَعْتَرِفُ بِكُمْ وَأَعْتَرِفُ بِكُمْ

وَأُظْهِرُ وَأُغْلِبُ وَأَبْطِنُ يَا نَبِيَّ أَنْتَ اللَّهُ الْكَرِيمُ  
وَأَعْلَمُ وَأَعْلَمُ وَأَبْطِنُ يَا نَبِيَّ أَنْتَ اللَّهُ الْكَرِيمُ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَجَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ  
يَسْتَحْدِثُكَ مَكَرُوتُ خِيَانَةٍ نَبِيَّتِ شَرِيكِ مُرْتَوَا

وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنْ عَلِيًّا أَيْ  
وَأَنْكَرِيهِمْ سَبْطَهُ تَوْ وَرَسُولَهُ تَوَاتٍ وَأَنْكَرِيهِمْ

وَقَدْ كَرِهَ الشَّكْرَ لَكَ كَمَا كَانَ يَتَوَدَّرُ  
بَقِي مِنَ النَّارِ وَتَغْمِضُ لِي وَتَعَالَى عَنِّي  
كَرَمٌ مِنْ أَوْثَانِي وَبِشَانِي كَمَا هُنَّ وَدَكُونِي وَتَغْمِضُ  
وَقُلْتَ وَقَوْلْتَ الْحَقُّ الَّذِي لَا خُلْفَ فِيهِ وَلَا  
وَكُنْتُ تَوَكَّلْتُ تَوْحِيدًا كَمَا نَبَيْتَ خِلَافِي وَدَانِي  
سَبِيلَ يَوْمٍ نَدْعُو كُلَّ نَاسٍ بِإِسْمِهِمُ اللَّهُمَّ  
تَقْبِلهُ رَوْحِي كَرِيمِيهِمْ هَذَا يَوْمَ نَدْعُوهُمُ وَبِشَوَارِسِهِمْ  
إِنِّي أَقْرُ وَأَشْهَدُ وَأَعْتَرِفُ وَلَا أَجْحَدُ وَأُتَوِّدُ  
بِشَوَارِسِهِمْ وَأَعْتَرِفُ بِكُمْ وَأَعْتَرِفُ بِكُمْ وَأَعْتَرِفُ بِكُمْ  
وَأُظْهِرُ وَأُغْلِبُ وَأَبْطِنُ يَا نَبِيَّ أَنْتَ اللَّهُ الْكَرِيمُ  
وَأَعْلَمُ وَأَعْلَمُ وَأَبْطِنُ يَا نَبِيَّ أَنْتَ اللَّهُ الْكَرِيمُ  
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَجَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ  
يَسْتَحْدِثُكَ مَكَرُوتُ خِيَانَةٍ نَبِيَّتِ شَرِيكِ مُرْتَوَا  
وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنْ عَلِيًّا أَيْ  
وَأَنْكَرِيهِمْ سَبْطَهُ تَوْ وَرَسُولَهُ تَوَاتٍ وَأَنْكَرِيهِمْ

المؤمنين وسيد المؤمنين ووارث علم

السيفين وقاتل المشركين وامام المؤمنين

وجاهد الشاكين والفاستين والمجانين

امامي فحجتي وعزائي ودليلي وحجتي

ومن لا اتق بالاعمال ولن ركت ولا اراها

مخبة وان صلت الايولايته والايها

بما لا قرابتنا لله والقبول خير منا

والسلام لله واتعا اللهم واقربنا الله

و راقده مراد ایشان ای خدای من





این دعا را هر روز بعد از نماز شب بخواند  
و در وقت حاجت خواندن آن بسیار سودمند است  
چنانکه گفته ایم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَطَائِفٍ وَمَا سِيقَ لِلْفَجِّ وَمِنْ شَرِّ مَا أُعْرِفُ  
 از هر دشمن از حد قیافه و کشفه و ساقی و طایف و از شر آنچه میشناسم  
 وَمَا أَنْكَرُ وَمَا اسْتَرَعَلَنِي وَمَا ابْصُرُ وَمِنْ شَرِّ  
 و آنچه نمیشناسم و آنچه پنهان داشت بر من و آنچه می بینم و از شر  
 كُلِّ دَائِرَةٍ رَفَعِي أَخَذْتُ بِحَبِيبَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ  
 هر دایره ای که خدای عز و جل گرفته است صلیب ابدی که هر روز کار می رود  
 مُسْتَقِيمٌ اللَّهُمَّ بِوَسِيلَتِي إِلَيْكَ يَرْحَمُ وَيَقْبَلُ  
 راست است خداوند این توسل حق از تو می پذیرد و قبول می کند  
 اِنْفِخْ عَلَيَّ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَحَبِيبَتِي  
 بکنش بر من دری رحمت خود را و امرزش خود را و دروستان خود را  
 إِلَى خَلْقِكَ وَحَبِيبَتِي فَضْلُهُمْ وَعَدَاوَتُهُمْ إِلَيْكَ  
 بسوی خلق خود و دروگران مرا از دشمنی ایشان و کینه ایشان ببرد  
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَلِكُلِّ مَوْسِلٍ تَوْسِلُ  
 بر هر چیز بگفت توانا خداوند از برای هر وسیله جوییده  
 وَلِكُلِّ شَيْءٍ سَعْلَةٍ حَقَّ قَسَاكَتُكَ مِنْ جَعَلْتَهُ  
 و از برای هر صاعقه حق سوزش تو را بماند که گزاشیده

این دعا را هر روز بعد از نماز شب بخواند  
و در وقت حاجت خواندن آن بسیار سودمند است  
چنانکه گفته ایم  
و در وقت حاجت خواندن آن بسیار سودمند است  
چنانکه گفته ایم

إِلَيْكَ سَجْدِي وَقَدْ تَعْلَمُ أَنَّ طَلِبَتِي لَكَ تَعْرِفِي

موسی توسیع خود و مقدم داشتند این را پیش حاجت و طلب خود و این دعا را

بِرُكْعَتَيْنِ يَوْمَ فِئَاوَشْهَرِي فِئَاوَعَامِي هَذَا اللَّهُمَّ

بر کمر این نذر از این ماه من و این سال من و این سال من

مَنْ مَعُولِي فِي شَيْءٍ وَبِخَالِي وَعَامِي وَ

بر این سال من در هر حال و در هر حال و در هر حال

بَلَاءِي وَخَوْبِي وَيَقْطَعِي وَطَعْنِي وَأَقَامِي وَ

و بلائی و در خواب و در بیداری و در غم و در شادی و در غم و در شادی

وَيْسُورِي وَصَبَابِي وَمَسَائِي وَنَقْلِي وَ

و آسایش و در صبح و در شب و در مکان و در مکان

اللَّهُمَّ فَلَا تُغْلِبْنِي بِرَمِّكَ مِنْ غَمِّكَ وَلَا تُغْلِبْنِي بِرَمِّكَ

خداوند ای خداوند مرا در غم من از غم من و در غم من از غم من

مِنْ غَمِّكَ وَلَا تُقَطِّعْ رَجَائِي مِنْ حَسَنَتِكَ وَلَا

از غم من از غم من امید مرا از رحمت خود و از رحمت خود

لَهُمْ وَبِهِمْ أَفْئَتِي لِعِلَاقِ أَوْبَابِ الْأَرْوَاقِ وَأَسْأَلُكَ

و به آنها و به آنها و به آنها و به آنها و به آنها و به آنها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ  
وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ  
وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ  
وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ  
وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ  
وَعَلَى كُلِّ نَبِيٍّ وَرَسُولٍ

روزها و بزرگواران را

وَالْأَرْضِ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ  
 وَخَلْفَهُمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ هَذَا  
 هُوَ سَرِّدِيَانِ سَدِّی و بَر شایدم اینها را می باشد غشیدند  
 میگویند و این مخصوصست به عقیب صحیح الحمد لله  
 انقلب الليل بعد مريم وجاء بها بالهاتون حنينة  
 خلقا حديد او محسن في غلافه عتبه وجوده و كرم  
 مؤجبا بالانظارين والنفات كن جلفه است خود  
 حيا كما الله من كانبين والنفات كن بجانب  
 اكشبر حكا الله فيهم الله امه الله لا اله الا الله

وَالْأَرْضِ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ  
 وَخَلْفَهُمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ هَذَا  
 هُوَ سَرِّدِيَانِ سَدِّی و بَر شایدم اینها را می باشد غشیدند

میگویند و این مخصوصست به عقیب صحیح الحمد لله

انقلب الليل بعد مريم وجاء بها بالهاتون حنينة  
 خلقا حديد او محسن في غلافه عتبه وجوده و كرم  
 مؤجبا بالانظارين والنفات كن جلفه است خود  
 مر جبا بر فرشته حقا گفته

حيا كما الله من كانبين والنفات كن بجانب  
 سلام نرسد خدا بر شما از د و نرسد

اكشبر حكا الله فيهم الله امه الله لا اله الا الله  
 به جليل و حقا گفته امارا تمام خدا كرامی و د و د نیست خدا

وَالْأَرْضِ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ  
 وَخَلْفَهُمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ هَذَا  
 هُوَ سَرِّدِيَانِ سَدِّی و بَر شایدم اینها را می باشد غشیدند  
 میگویند و این مخصوصست به عقیب صحیح الحمد لله  
 انقلب الليل بعد مريم وجاء بها بالهاتون حنينة  
 خلقا حديد او محسن في غلافه عتبه وجوده و كرم  
 مؤجبا بالانظارين والنفات كن جلفه است خود  
 مر جبا بر فرشته حقا گفته  
 حيا كما الله من كانبين والنفات كن بجانب  
 سلام نرسد خدا بر شما از د و نرسد  
 اكشبر حكا الله فيهم الله امه الله لا اله الا الله  
 به جليل و حقا گفته امارا تمام خدا كرامی و د و د نیست خدا

وَحَنُّ لَأَشْرَبَ لَهُ وَاشْهَدَانِ مُحَمَّدًا عَبْدُ

تیماسیست شریکی از برای او و کواهی میدم که محمد بنده اوست

وَرَسُولُهُ وَاشْهَدَانِ السَّاعَةِ آيَةُ لَا رَيْبَ

در رسول اوست و کواهی میدم که قیامت اینده است نیست شک

فِيمَا أَوَّانَ اللَّهُ يَبْعَثُ مَرْسِيَةَ الْقُبُورِ عَلَى ذَلِكَ

مردان و اینکه خدا بفرستد هرگز را که در قبرها است بر این اعقاب

أَحِبِّي وَعَلَيْهِ أَمُوتُ وَعَلَيْهِ أَيْقُتُ إِنْ شَاءَ

زنده ام و بر این میمیرم و بر این برانگیخته میشم اگر خوا

اَللَّهُ أَفْرَأَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ السَّلَاةِ

باشد بر منید محمد را رحمت کند خدا بر او و آل او از عذاب دوزخ

عَذَابُ مَنْ مَكَوْنِ اللَّحْمِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

فِي التَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي

در روز هرگاه ظاهر شود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

شب برگاه بپوشاند و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

در روز هرگاه ظاهر شود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

در آخرت و دنیا و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

که ظاهر شود آن دو قاره و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

الْحَقُّ وَالْحَقُّ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

باشد شرف و غریب و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَسَىٰ لَّيْلٌ وَمَا

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که بیاید شبی و مادام که

أَفْهَمُ ظِلَامٍ وَمَا تَغْشَىٰ صَبْحٌ وَمَا أَهْضَا فُجْرٌ

برین شود تاریکی و مادام که غش شود صبح و مادام که روشن شود

اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا خَلِيبًا وَقَدْ ثَابِتًا فِي الْبَيْتِ

خداوند ای بگردان محمد را خلیفه و اوردش کن در میان بیت

وَالْمَكْسُوحُ خَلَّلَ الْأَمَانَ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ

و بر نیاید شعله های آمان را اگر ایستد در برابر تو و

الْشَّاهِقُ إِذَا خُوسِتِ الْأَلْسُنُ بِالشَّهَادَةِ عَلَيْكَ

که برگاه کند شوند زبانه ها بشهادت بر تو

در آخرت و دنیا و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد  
که ظاهر شود آن دو قاره و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد  
باشد شرف و غریب و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد  
و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد که بیاید شبی و مادام که  
برین شود تاریکی و مادام که غش شود صبح و مادام که روشن شود  
خداوند ای بگردان محمد را خلیفه و اوردش کن در میان بیت  
و بر نیاید شعله های آمان را اگر ایستد در برابر تو و  
که برگاه کند شوند زبانه ها بشهادت بر تو



تَطْمِئُنْ بِهَا قُلُوبِي وَتُؤْمِنْ بِهَا دَعْوِي وَتَكْشِفْ بِهَا

که پاک کردی بان دل مرا و امان دهی بان خوف مرا و رفع کنی بان

کُرْبِي وَتَغْفِرْ بِهَا ذَنْبِي وَتُصْلِحْ بِهَا امْرِي وَتُغْنِي

اندوه مرا و بیاموزی بان کفایت مرا و اصلاح کنی بان حال مرا و توکل کنی

بِهَا فَقْرِي وَتُدْفِعْ بِهَا ضَرْقِي وَتُفْرِجْ بِهَا

بان درویشی مرا و دفع کنی بان بد حال مرا و از ایام کنی بان

هَمِّي وَتَلْجِئَ بِهَا غَمِّي وَتُسْقِي بِهَا سَقَمِي

هم مرا و تسلط کنی بان غم مرا و شفا دهی بان بیمار مرا

وَتُؤْمِنْ بِهَا خَوْفِي وَتَجْلُوَ بِهَا حَزَنِي وَتَقْضِي

و این که دانی بان ترس مرا و برطرف کنی بان اندوه مرا و ادا کنی

بِهَا دَمِي وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِي وَتَقْبِضُ بِهَا وَجْهِي

بان در خون مرا و جمع کنی بان پراکنده مرا و سفید کنی لبان مرا

وَتَجْعَلَ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِّي مِنْ دَوْلَاتِ الْمَكُونِ

و بگردانی آنچه را نزد تو است خیر از برای من از دولت های موجود

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِحَقِّكَ لَا يَفِرُّ جِبَّةٌ عَنْكَ وَلَوْ حَتَّى

خدایا من دعا می کنم تو را از برای حق خود که نه استغاثه از تو

بعضی از اینها در بعضی نسخات  
نقص یافته است



لا تملك الأمنك ولما جرد لأبعضها إلا

گروید و غش شود مگر از جانب تو برای حاجتی که بر غی اوست اندر ما

اَشْهَدُ بِاَنَّكَ اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَادَ

نمای صاحب‌بیتا و نمایان بود از احوال آنجا داده کرده

بِهِ مِنْ ذِكْرِنَا الْحَمْدُ مِنْ شُكْرِكَ وَدَعَا

ہلکا ہوا اور کتو و در دل حیرت انگیز بود از شکر تو و خواندن تو

فَلْيَكُنْ مِنْ شَائِلَةِ الْإِجَابَةِ فِي مِثْلِ عَوْنِكَ

بسی پرده شده از امر تو احیا می کردن مراد می خواند نام تو را

وَالْحَاجَّةُ مَا قَرَعَتْ إِلَيْكَ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ

و عباد از اینده پناه آورده ام بسوی تو از این پس بنده باشم

اهلًا ان بلغ دحك فان دحك اهل

من شراوارانیکه برسم بر حمت تو پس بگوئی که گفت تو سزاوار

ان تبلغني وشعبي لانها وسعت كل شيء

که برسد بن و کنایه داشتند ازین که کنایه از درستی و

وَأَنَا شَيْءٌ فَالْتَمَعْنِي بِحَسَنَاتِكَ يَا مُوَلَّيْ عِبَادَكَ

من چترم میں باید کہ لکھا فرم اشتہار شد تو ای خدای من

چنانچه عباد عالمی عقاد سکونند و مروت  
از حضرت کافر و رضا علیها السلام و شرف امان  
تسلیمت منادان و فصلان و این دو حالت  
جلیل القدر عقلم انسان و جوانه میشود و عدد  
صبح و نام نیز شکر

ای خداوندی که در این عالم  
چنانچه عباد عالمی عقاد سکونند و مروت  
از حضرت کافر و رضا علیها السلام و شرف امان  
تسلیمت منادان و فصلان و این دو حالت  
جلیل القدر عقلم انسان و جوانه میشود و عدد  
صبح و نام نیز شکر

ای خداوندی که در این عالم  
چنانچه عباد عالمی عقاد سکونند و مروت  
از حضرت کافر و رضا علیها السلام و شرف امان  
تسلیمت منادان و فصلان و این دو حالت  
جلیل القدر عقلم انسان و جوانه میشود و عدد  
صبح و نام نیز شکر

میکون حال ذکر یکی یا خود را بگویند ای خداوندی که در این عالم

و کَرِهْتُمَا فَتُحِبُّهُمَا وَ جَنِّ عَيْنَكَ عَنْ مَخْلُوقِكَ

و بدین آیه تحقیق که بنابر الوهیه گفته اند و می فرماید تو و مالت را که از

استیصال رحمتک و باعدت عن غرض استیجاب

ستوجب بود رحمت تو و دور کرده است مرا از استحقاق

مَغْفِرَتِكَ وَلَوْلَا تَعَلُّقُ بِالْإِلَهِاتِ وَتَمَسُّكَ بِالْأَسْمَاءِ

امرزش تو و اگر نبود چسبیدن به بندهای تو و دست زدن به نامها

لَمَا وَجَدْتُمْ أَشْأَالِي مِنَ الْمُسْتَوْفِينَ وَاشْتَبَاهِي

انچه و عده کرده تو اشال مرا از اسراف کنندگان و اشتباه مرا

مِنَ الْخَاطِئِينَ بِقَوْلِكَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا

از گناهکاران بگفته تو که فرموده ای بندهای من که اسراف

عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَئِنْ قَطَعُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ

بر خود می نویسد شومید از رحمت خداوند که عفو می فرماید

الذَّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفُوفُ الرَّحِيمُ وَجَدْتُمْ

گناهانرا همه با تمام بدتری که خدا دوست و مهربان است و از گناهان

بندهای من که اسراف  
تسلیمت منادان و فصلان و این دو حالت  
جلیل القدر عقلم انسان و جوانه میشود و عدد  
صبح و نام نیز شکر

چنانچه عباد عالمی عقاد سکونند و مروت  
از حضرت کافر و رضا علیها السلام و شرف امان  
تسلیمت منادان و فصلان و این دو حالت  
جلیل القدر عقلم انسان و جوانه میشود و عدد  
صبح و نام نیز شکر



بسم الله الرحمن الرحيم

وَأَنْتَ رَاحٌ تَذَلُّعٌ لَا تَقْضِي لِي نَزْلًا لَيْسَ بِخَلَابٍ

وَسَيِّقٌ طَرِيقِي أَنْ يَكْشَايَ بَرَأً مِنْ أَوْتَرَةٍ وَخَدَّائِي

لَا تُشْبِلُ لِي مِنْ كُلِّ مَشَاكٍ فَرَجًا وَلَا حِكْمًا

وَكِرْدَانِ از بَرَدِی از بَرَنگی بَرَدِی و سَوِی کُشَا

مَنْحَاجٍ مَشَاكٍ يَا رَحْمَ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ

رَاحِي بِرَحْمَتِكَ أَعْدَمَ كُنْدَةً تَرِنَ كُنْدَةً خَدَاوَنَا كِرْدَانِ

الْأَسْبَلِ وَالْأَسْبَلِ مَحْمَدٌ بْنُ عَلِيٍّ بِمَنْحَاجٍ

شَبِّ و رَوَزَا كِرْدَنده بِرَحْمَتِكَ و عَافَتِ

مِنْ مَشَاكٍ وَ مَشَاكٍ وَلَا تُقْضِي لِي حَزَنًا

رَفْعَتِ تَوَاقُصًا و مَحَاجٍ كِرْدَانِ مَرَاوِی حَزَنًا

مِنْ مَشَاكٍ يَا رَحْمَ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ

بِرَحْمَتِكَ أَعْدَمَ كُنْدَةً تَرِنَ كُنْدَةً خَدَاوَنَا كِرْدَانِ

وَكِرْدَانِ و كِرْدَانِ لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا

جَلْبَتِ دَانَا و بَرَدِی از بَرَدِی كُنْدَةً بِرَحْمَتِكَ و عَافَتِ

أَيُّ لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا

بِرَحْمَتِكَ و كِرْدَانِ لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا

بسم الله الرحمن الرحيم  
وَأَنْتَ رَاحٌ تَذَلُّعٌ لَا تَقْضِي لِي نَزْلًا لَيْسَ بِخَلَابٍ  
وَسَيِّقٌ طَرِيقِي أَنْ يَكْشَايَ بَرَأً مِنْ أَوْتَرَةٍ وَخَدَّائِي  
لَا تُشْبِلُ لِي مِنْ كُلِّ مَشَاكٍ فَرَجًا وَلَا حِكْمًا  
وَكِرْدَانِ از بَرَدِی از بَرَنگی بَرَدِی و سَوِی کُشَا  
مَنْحَاجٍ مَشَاكٍ يَا رَحْمَ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ  
رَاحِي بِرَحْمَتِكَ أَعْدَمَ كُنْدَةً تَرِنَ كُنْدَةً خَدَاوَنَا كِرْدَانِ  
الْأَسْبَلِ وَالْأَسْبَلِ مَحْمَدٌ بْنُ عَلِيٍّ بِمَنْحَاجٍ  
شَبِّ و رَوَزَا كِرْدَنده بِرَحْمَتِكَ و عَافَتِ  
مِنْ مَشَاكٍ وَ مَشَاكٍ وَلَا تُقْضِي لِي حَزَنًا  
رَفْعَتِ تَوَاقُصًا و مَحَاجٍ كِرْدَانِ مَرَاوِی حَزَنًا  
مِنْ مَشَاكٍ يَا رَحْمَ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ  
بِرَحْمَتِكَ أَعْدَمَ كُنْدَةً تَرِنَ كُنْدَةً خَدَاوَنَا كِرْدَانِ  
وَكِرْدَانِ و كِرْدَانِ لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا  
جَلْبَتِ دَانَا و بَرَدِی از بَرَدِی كُنْدَةً بِرَحْمَتِكَ و عَافَتِ  
أَيُّ لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا  
بِرَحْمَتِكَ و كِرْدَانِ لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا لَحْمًا





وَأَعْلَمُهَا أَنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَّقِينَ

[illegible]

مظہر میگویند آخرت کائنات و کل شایان

و باید کرد لیکن بهر آن که مرده شده که برگزیده تواند آمد برای خدمت و مرثیای بنید در نبع

حَسْبُكَ رَضِيَتْ بِهِ مَدِينَتُكَ وَيُخَيَّرُ كُلُّ

شیکری کرد این شده تو مانده از برای مدح کردن مرثیور و بحق هر

مَلَأَ قُرْبَتَهُ مِنْ رِزْقِهِ عِنْدَ كُلِّ فِرْعَوْنٍ

فرشته که نزد خداست و از او استوار است و از او استوار است و از او استوار است

وَيُطِيعُ أَمْرًا إِلَى عِبَادَتِهِ وَيُحْيِي كُلَّ شَيْءٍ

کہ فرستادہ اور اسمیٰ بن کا چند و عتہ ہر جنوی کہ گردانند

وَقَالَ الْإِسْلَامُ وَكَأَنَّكَ تَقْبَلُهُ كَمَا

وَقَدْ كُنْتُ يَوْمَئِذٍ شَهِيدًا

تصدیق مسد برای رونق خود و برای پای به تفصیل داده اند و هم

روزنامه‌های ایران، به استناد این گزارش، اعلام کردند که این عملیات در جریان یک عملیات نظامی در منطقه بوده است.

وَسْتَغْفِرُكَ وَأَزِيدُكَ دَعَاةً مُبَشِّرَةً لِلْعَالَمِينَ

[illegible]

کہ بلکہ لکھو اور اس سوال میں کہ بتاؤ کہ کون سا مکتبہ حق اور

7

کے لئے

19-2

اول خلق که خداوند سبحان و تعالی را از ایشان پدید آید ایستیم من بعد طاعت  
 و غلبت قدر و معرفت امان و من لم یعرفنا معنا  
 و ظاهر کرمه قددا و درشتا سانه بهما الما و را و کسی که نشناختا عظام  
 معاشه و لم نظیر لتسا مفر من خلقه و من اول  
 و ظاهر کرمه از برای شان او را از آنکه خلق کرمه او را از  
 خدا است و من خلقه و من خلقه و من خلقه  
 آنچه از کرمه بان از خلق خود و از آنکه خلق کرمه او را از انفسا  
 الذم و لسا لک و جیدک الذی فطرت علیه  
 و در کار و سوال یکم تو را بچین بکاز و ان حق تو که خلق کرمه بران  
 العقول و اخذت به المواق و لو سلت به الرسل  
 عقل را و در آنکه از کرمه بان عهدا و بیامنا و فرستاده بان رسول را  
 و جعلته اول فر و حیات و نهانیه طاعتک و لو  
 و کرد اینها از اول و ایهای خود و نهانیه طاعت خود و مشهور  
 البات مجودک و محملک و کرمه و عینک و جودک  
 بر حق و بخشش تو و بزرگی تو و کرم تو و غنیه و عظمت تو  
 و عفو و لا متنازلت و تطولت و استلک الله  
 و عفو تو و متنازلت تو و نقص تو که در حق تو سوال یکم تو را ای  
 ما عباد الله

اینها از کرمه بان از خلق خود و از آنکه خلق کرمه او را از انفسا  
 الذم و لسا لک و جیدک الذی فطرت علیه  
 و در کار و سوال یکم تو را بچین بکاز و ان حق تو که خلق کرمه بران  
 العقول و اخذت به المواق و لو سلت به الرسل  
 عقل را و در آنکه از کرمه بان عهدا و بیامنا و فرستاده بان رسول را  
 و جعلته اول فر و حیات و نهانیه طاعتک و لو  
 و کرد اینها از اول و ایهای خود و نهانیه طاعت خود و مشهور  
 البات مجودک و محملک و کرمه و عینک و جودک  
 بر حق و بخشش تو و بزرگی تو و کرم تو و غنیه و عظمت تو  
 و عفو و لا متنازلت و تطولت و استلک الله  
 و عفو تو و متنازلت تو و نقص تو که در حق تو سوال یکم تو را ای  
 ما عباد الله

اینها از کرمه بان از خلق خود و از آنکه خلق کرمه او را از انفسا  
 الذم و لسا لک و جیدک الذی فطرت علیه



١٠٠

ای خدا ای خدا ای جو رکازی بر رکازی برده رعیت میکنم بوی و

وَعَلَّمَكَ مَا أَوَّلَ الْأَرْحَامِ بِكَ وَرَبُّكَ الْكَرِيمُ

وہام واول واخر حق وکوت تو ورسول تو محمد بنیتر

الْمُتَّقِينَ وَأَشْرَفَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَاللَّهُ

رسولان و شریفترین که شکار و ایندگان و برسانی

الَّتِي إِذَا هُمْ وَالْعِبَادَةَ الَّتِي لِحُجَّتِهَا وَالْمَحْتَمَلِ

کہ ادا کر دینا اور عبادت کہ صرف طاقت کر دینا و بھنتی کہ

صَبْرٌ عَلَيْهَا وَالْمَعْفُوفُ الَّتِي دَعَا إِلَيْهَا وَالْإِنْفِاخُ

صبر کردن بران و امرزشی که خواند بسویان و اطاعت

التي تحض عليهما منذ وقت رسالتهما:

که عزم می کرد بر آن از وقت فرستادن نوادا

إِلَى أَنْ تَوْفِّقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ذَلِكَ مِنْ أَقْوَامٍ الْحَكِيمَةِ

تا وقتی که رحلت فرمودی و در اینجای دنیا از او هیچ شایسته ای نماند.

وَأَقْرَبُ الْكِبَرِ وَمَقَامُهُ الشَّهَادَةُ وَسَاعَاتُهُ

روانفکد      نیکوی او      مقامهای حاضر کرده اند      نو و ساعتی

مجلس شورای اسلامی

مذخر

序

۸. چون با تحقیق و مؤلفان و مؤلفات اسلام و عبادات و سبب آمدن سلاطین و کیمیا و صنایع و احوال

Handwritten text, likely bleed-through from the reverse side of the page.

وہوئے سہلے کھانے کے لئے  
وہوئے سہلے کھانے کے لئے  
وہوئے سہلے کھانے کے لئے

المُحَدِّدُونَ دُونَ أَنْ يَخْلُقَ عَلَيْنَا مِنْ دُونِكَ

شریفه ای که دست نرفتی بر او چنانکه ویدر کرده انرا از جنات

وَتَعْطِبُهُ أَفْضَلَ مَا أَمَرَ مِنْ تَوَاتُرِكَ وَتَوَاتُرِكَ

بر عطا کنی یاو افضل آنچه تصدکرده است از تواتر تو و تواتر

مَنْزِلَتِكَ وَتَعْطِي عَيْنَكَ دَرَجَتَهُ وَتَعْطِي الْمَعَامَ

منزلت او را و عطا کنی که از تو خود مرتبه او را و بفرستی او را عیال او

الْحَمْدُ وَتَوْفِيرُ مَحْضِ الْكَرِيمِ وَالْمُجُودِ

پسندیده و عطا ساز او را بر محض کرم وجود و بر

إِلَّا الْغُلَبِينَ الْأَمْهَارَ الْمُتَجَبِّينَ الْإِبْرَارَ

الهاو که پاکیزگان پاکان برگزیدگان نیکوکارانند

جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ

جبرئیل و میکائیل و فرشتگان مقربان را

جَمِيعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءِ

همچو پیغمبران و رسولان و شهدایان

اللَّهُمَّ إِنْ أَصْبَحَ لَا أَمْلَكَ لِنَفْسِي حُرّاً وَلا لِقَبْ

خدایا بدستی که از صبح تا شب تو را که است از من و تو خود

و اینست که در حدیث آمده است که هر که این دعا را بخواند روزی از عمر او ببرد و اگر روزی از عمر او ببرد روزی از عمر او ببرد



المؤمنين بآية من آيات الله العظمى

برای کسی که یار نیست و متوجهان و مدد طلب و قریاد و یار نیستی که طلب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نہی موجود است و تو مرخو اندر حقیرا در صلی احبابی

الضارح اليك في الاغاثه وللغاصد اليك

از برای هر یک از این دو نوع، نویسنده می‌تواند به روشهای گوناگون و در سطوح مختلف، اقدام به نوشتن کند.

قُرْبِ الْمَسَافِرِ وَأَنْ لَا تَحْجُ عَنْ خَلْقٍ إِلَّا

ترویج المسافق و تو پوشیدنیستوی از خلق خودکار

أَنْ يَجْعَلَهُمُ الْإِنْسَانُ أَلْفًا مِّنْ عَشْرَةٍ

اینکه پوشاها را نیز از او می رخت و تحقیق که میدانم که

افضل زاد الواصل اليك عن مراد في واصل

محترمین نوشتہ رحلتہ کئندہ بسوی نعم شرم ارادہ و اخلاص

سَيِّدُ وَمَلَأَ عَيْنَكَ بِعِزِّهِ وَأَوْدَىٰ وَلِيًّا

نیت است و تحقیق که من خوازه ام تو را بفرم از این که خود و اشخاص طوبی

وَصَادِقٌ فِيهَا الْغَايَةُ كَيْفَ أَتَى

وہیبتِ خداوندی خود پس امیڈ من امین مسکین توام محتاج توام

اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که  
در کتابهای معتبره است و اینها را باید که

اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که  
در کتابهای معتبره است و اینها را باید که

کبریا که میفرماید: **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا**

اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که  
در کتابهای معتبره است و اینها را باید که

**يَا أَيُّهَا الْمَدِينَةُ كُنْ أَتَقِ اللَّهَ**

در این شهر و در این روز و در این وقت  
اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که

**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که  
در کتابهای معتبره است و اینها را باید که

**أَسْمَاءُ**  
**بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْمَعْمُودِ**

**وَاللَّهُ**

و این شهر و در این روز و در این وقت  
اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که

**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که  
در کتابهای معتبره است و اینها را باید که

**وَاللَّهُ**

اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که  
در کتابهای معتبره است و اینها را باید که

**بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْمَعْمُودِ**

برو و میفرماید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

**بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْمَعْمُودِ**

بیت تو صادر شد از قاضی تو  
در وقتی که این شهر و در این روز و در این وقت

اینکه در کتب معتبره است و اینها را باید که  
در کتابهای معتبره است و اینها را باید که

**بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْمَعْمُودِ**

برو و میفرماید: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**

**بِأَمْرِ الْمَلِكِ الْمَعْمُودِ**

لَقَدْ كُنْتُ أَقْرَبَ إِلَىٰ عَذَابِكَ خَائِفًا ۖ

سبحانك نور افروز من جوی عفو تو صاحب عتق من جوی

سَخِرْتُ وَلَقَدْ كُنْتُ مِنَ الْغَافِلِينَ ۚ

رجعت تو و تحقیق که ریدم است من افروریده اشغیل بد حال

الْخَصَاصَةِ ۚ وَكَرِهْتُ الْخَاجِرَ وَتَوَسَّيْتُ الْوَالِدَةَ

احتیاج و شامل شده است حاجت و نشان گرفته شده ام خود

وَصَلَّيْتُ الْمَسْكَنَ وَوَحَّيْتُ عَلَى الْكَلْبَةِ وَلَمَّا

و غلبه که صلت برین درویشی و سراوار شده است در هر مقلید

فِي الْخَطِيئَةِ وَهَذَا الْوَقْتُ الَّذِي وَحَّدَتْ

من گناه و این وقت که وحدت

لَوْلِيَاءَ لَمْ يَكُنْ فِيهِ إِلَّا طَرَفٌ مِمَّا نَسَخَ مَا فِي عَمَلِكِ

دستان خود را چون اجابت کنی من و جارا غلبه در وقت بد

الشَّافِعِيَةِ ۚ وَانْظُرْ إِلَىٰ بَعْثِكَ الرَّاحِمُونَ ۚ

شفا دهنده خود و نگاه کن بر من بدو و رحمت کن از خود

فِي عَمَلِكَ الْوَالِدَةِ ۚ وَاقْبَلْ عَلَىٰ رَحْمَتِكَ

من در رحمت و اسعه خود و بکن بطرف من برود خود که

یعنی وقت فقر و بدو و حال است

حاجت من است که ما سحر  
مصاد خوانده شود  
و نیز جهالت من

یعنی این که بدو و حال است

این دعا را هر روز بخواند که بر او بیفتد  
 و اگر در وقت حاجت بخواند که حاجت او برآید  
 و اگر در وقت غم بخواند که غم او ببرد  
 و اگر در وقت بیماری بخواند که بیماری او ببرد  
 و اگر در وقت فقر بخواند که فقر او ببرد  
 و اگر در وقت غم بخواند که غم او ببرد  
 و اگر در وقت بیماری بخواند که بیماری او ببرد  
 و اگر در وقت فقر بخواند که فقر او ببرد

بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الخاسرين

بر زکی و کرامی که وقت بخت تو را که راه رو کنی بر آید

فكرت فيك وعلى جنات عديت فاعل عاين

و عاينی او را و بر کرامی راه می رود او را و بر جنات

لويت وعلى ضجيت وثيت فاعل عاين

پناه می دهد او را و بر ضعیفی قوی می گرداند او را و بر پشیمانی

الهم انت اعلم على علم لا نزلنا على علم

خداوند ایدری که تو حق داری بر من شکر کردم من را و تقاضا کردی

اجبت على رجب عري عن شكرك مع التوسل

بر من بگویم بر طاعت من ضعف من از شکر تو منع کردن امیدوار شدم

من مشاكرك و ارجو عري عن التوسل

از فضل تو و دلجویت خست ضعف از صبر بر

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الخاسرين

پناه می دهی تو را و بر جنات عديت فاعل عاين

فكرت فيك وعلى جنات عديت فاعل عاين

و عاينی او را و بر کرامی راه می رود او را و بر جنات

این دعا را هر روز بخواند که بر او بیفتد  
 و اگر در وقت حاجت بخواند که حاجت او برآید  
 و اگر در وقت غم بخواند که غم او ببرد  
 و اگر در وقت بیماری بخواند که بیماری او ببرد  
 و اگر در وقت فقر بخواند که فقر او ببرد  
 و اگر در وقت غم بخواند که غم او ببرد  
 و اگر در وقت بیماری بخواند که بیماری او ببرد  
 و اگر در وقت فقر بخواند که فقر او ببرد

شکری فاعطانی سألک التلمیذ من فضیلت

شکری بر عطا که مرا سوا که تو را زیاد از فضل تو و

الامیر انک کریم والاعتماد نعمتک فی اعین

عاضق وکاسترین ایچ بدستی که تو بر همه چیز عاضق

اللهم لا تحلی من بدک ولا تکرک لیا الصدک

ولا یصدونی ولا یوحشی من لطفک الحقیق

وکنایتک اجمیله فیه مقام العائذک اللام

بیموتک المستحرم بکلالک طهری اعلام قلوبک

فانوار حیاتک اللهم توکلی ولا یتقین بها

بیموتک المستحرم بکلالک طهری اعلام قلوبک

شکری بر عطا که مرا سوا که تو را زیاد از فضل تو و  
الامیر انک کریم والاعتماد نعمتک فی اعین  
عاضق وکاسترین ایچ بدستی که تو بر همه چیز عاضق  
اللهم لا تحلی من بدک ولا تکرک لیا الصدک  
ولا یصدونی ولا یوحشی من لطفک الحقیق  
وکنایتک اجمیله فیه مقام العائذک اللام  
بیموتک المستحرم بکلالک طهری اعلام قلوبک  
فانوار حیاتک اللهم توکلی ولا یتقین بها  
بیموتک المستحرم بکلالک طهری اعلام قلوبک



عن جعفر بن محمد عن عطاء بن عطية لا احتاج الى غيره  
 ان غفران وعطاء بن عطية كذا صحت ما فيهم بغيره  
 معها انها البحث يرفع من ولايتك ولاك  
 يا وجه اني يدعي كذا نازه ويبرئ من كذا يدعيه وباركك  
 من عطية بن ارفع الصوري والعشر السقطي  
 از غشش نو ملدكن افادته وبرزان لغزير او  
 جعفر بن عن الزبير واقبل التوبة وارحم الله  
 كذا ان لغزير وقبول كذا يدعيه ورحمك لغزير  
 واخرج من الوصلة واقبل العشر ما يمتد في العشر  
 ومباقة از هلاله وشيخ لغزير اي مشايخ  
 وخاتم الكثرة وولي التوبة وصلاح في الكثرة  
 ويزيد من التوبة وصاحبها ويزيد  
 وخمسة الدنيا والامر جعفر بن محمد  
 ويزيد من الدنيا ودية واحدة بكبريت من از محل  
 المولى فمديك في بيتك على الصراط المستقيم  
 لغزير بن يحيى كذا اقام وثابت كذا ما برده واسم

عن جعفر بن محمد عن عطاء بن عطية لا احتاج الى غيره  
 ان غفران وعطاء بن عطية كذا صحت ما فيهم بغيره  
 معها انها البحث يرفع من ولايتك ولاك  
 يا وجه اني يدعي كذا نازه ويبرئ من كذا يدعيه وباركك  
 من عطية بن ارفع الصوري والعشر السقطي  
 از غشش نو ملدكن افادته وبرزان لغزير او  
 جعفر بن عن الزبير واقبل التوبة وارحم الله  
 كذا ان لغزير وقبول كذا يدعيه ورحمك لغزير  
 واخرج من الوصلة واقبل العشر ما يمتد في العشر  
 ومباقة از هلاله وشيخ لغزير اي مشايخ  
 وخاتم الكثرة وولي التوبة وصلاح في الكثرة  
 ويزيد من التوبة وصاحبها ويزيد  
 وخمسة الدنيا والامر جعفر بن محمد  
 ويزيد من الدنيا ودية واحدة بكبريت من از محل  
 المولى فمديك في بيتك على الصراط المستقيم  
 لغزير بن يحيى كذا اقام وثابت كذا ما برده واسم

وَالْأَكْمَرُ يَا فَاضِي الظُّرُوفِ يَا فَارِجَ الْمُضِيقِ

یا که گمراه خوابم بود از نشان و منه راه ای که بیند

يَا جَارِيَّ الضِّيقِ يَا رُكْنِي الْوَيْثِيقِ أَخْلَلْ عَيْنِي

یا همسایه و در بلوی من ای که محکم کن بکشای از من

الْمُضِيقِ وَالْكَفَى شَرًّا أَطِيقُ وَمَا لَا أَطِيقُ

شکستنی را و کفایت کن مرا شر از آنچه طاقت آن دارم و آنچه طاقت آن ندارم

التَّوَقُّيَ وَأَهْلَ الْمُعْفَرَةِ وَالْعَفْرِ وَالْمُعْدِرَةِ وَالْأَلَا

برهیزداری و اهل امرزش و عزت و توانائی و نفوذ

وَالْعُظْمَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَا تَقْطَعْ مِثْلَ رِجْلِي

و بزرگ ای که مهربانتر از مهربانان است مرا بکنند مثل پیرام

وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي وَلَا تُجْهِدْ بِلَافِي وَلَا تُنْهِنِ

و نرسد مکران دعا مرا و سخت مگردان بلای مرا و ناخوار مگردان

وَلَا تُجْعَلِ النَّارَ مَأْوًى وَلَا تُجْعَلِ الْحَيَّةُ مِثْلِي

و مگردان آتش را جایگاه من و مگردان خبیثت را مقام من

وَأَعْطِنِي مِنَ الدُّنْيَا مَتًى وَبَلِّغْنِي مِنَ الْآخِرَةِ

و عطا کن مرا از دنیا اندک و رسان مرا از آخرت

وَالْأَكْمَرُ يَا فَاضِي الظُّرُوفِ  
یا که گمراه خوابم بود از نشان و منه راه  
یا که بیند

يَا جَارِيَّ الضِّيقِ  
یا همسایه و در بلوی من  
یا که محکم کن

الْمُضِيقِ وَالْكَفَى  
شکستنی را و کفایت کن  
مرا شر از آنچه

التَّوَقُّيَ وَأَهْلَ الْمُعْفَرَةِ  
برهیزداری و اهل امرزش  
و عزت و توانائی

وَلَا تُجْهِدْ بِلَافِي  
و نرسد مکران  
دعا مرا و سخت

وَلَا تُنْهِنِ  
و ناخوار مگردان  
بلای مرا و

املى ورضائى والى الشياخى

بامیدن و خشنودی من و بدین من دوستیا میگویند و در این

حَسَنَةٌ وَقَدْ عَذَابُ النَّارِ أَنْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

مینکوف و حکام دارم از عزای ایشان بدستی که تو بر همه چیز

قدیر و بکل شیء محط اعتباران جنون و طغی

بجانب نواز و دیگر عزیز احاطہ کنند صباح حضرت سید الشاہ

عظیم السلام را و از کارهای حقیقه کامل است

الحمد لله الذي خلق الليل والنهار يومئذ

سپاسگزاران محترم: ۱. جناب: شیخ: وزیر اقتصاد و تجارت

بَيْنَهُمَا بَقَرَةٌ وَحِجْلٌ كُلٌّ وَاحِدٌ مِّنْهُمَا

میان آنرا بعد از خود و کسانیکه از بنایم یک

حَتَّى تَحْذُرُوا أَوَامِدَ مَوْفِقَاتِ بَرِّ كُلِّ وَاحِدٍ

الحاج محمد بن علی بن حسین کو کہہ دیجو دواؤا خیر و بار ہو

فَمَنْ لِي صَاحِبِهِ وَيُورِثُ صَاحِبَهُ فِيهِ يَتَّقِي

رئيس مجلس الوزراء ووزير الخارجية  
والقانون

وَمَا لَكُمْ لَلْعِبَادِ إِيَّاهُ يَخْذُونَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُرْسِلُونَ

تاريخ النشر: ١٤٢٥ هـ

... ..



كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَمَنَازِلِ رُوحِهِ

که چگونه انداختن در وقت های طاعت او و در جاهای و احوال او

وَمَوْلُوعِ الْحِكَايَةِ الْبَحْرِيِّ الَّذِينَ احْتَبَوْا الْحَيَاةَ

و موله ای حکایه ای بحر ای که باقیه باقیان بدیدان را که نیکو و نیکو

اللَّهُمَّ فَلْيَكِ الْحَمْدُ عَلَى مَا قُلْتَ لَنَا مِنَ الْأَحْيَاءِ

خدایا پس مرتبه است سپاس بر آنچه گفتی از برای ما از حیات

وَمُسْتَحْيَايِهِ مِنْ حَيَوَى النَّهَارِ وَصَيِّفَتِهِ مِنَ الْمَطَلِ

و موهن کرد اینها را از اینها از روز و صیافتی از برای او از اینها

الْأَقْوَابِ وَوَقَيْتِهَا مِنْ طَوَارِقِ الْأَقْوَابِ

روزها و نگاه داشتی را از اینها از اینها در اینها

أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِحِلْمِنَا اللَّهُ

صبح کردیم و صبح کردند چیزها همه ای با امانت از برای ما

مِمَّا أَوْفَرْنَا مِنْهَا وَمَا بَشَّرْنَا بِكُلِّ الْأَشْيَاءِ

احسان اینها و از اینها و آنچه را که بشارت دادیم در اینها

سَيَاكِنُهُ وَمُجَرِّكُهُ وَمُقِيمُهُ وَسَاخِصُهُ وَمَا عَلَا

سایکن اینها و مجرک اینها و مقیم اینها و ساخس اینها و آنچه را که

باید که در اینها و آنچه را که در اینها و آنچه را که در اینها

در اینها و آنچه را که در اینها و آنچه را که در اینها

در اینها و آنچه را که در اینها و آنچه را که در اینها

ف

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد

في اليوم ومكان تحت القوس اعطيتنا في ضيق

نورهم واخذت منات زبدهاك مباح كرم ماورهم اقتدار

بجودنا ملكك وسلطانك وقضيتنا استعانت

مرومكردار بادشاهي وروسلطنت تو وجمع ميكنه داراجوات تو

وتصرفك عن افرك وتقلبك في تدبيرك ليس لنا

وغيره ميكنه دركازا از امر تو و ميكنه دركازا از امر تو و ميكنه دركازا از امر تو

من الاكرم الامنا قضيت ولا من الخير الامنا

از كار حق مكرامه فرمان تو بان زلفت و نوازشكردن مكرامه تو

اعطيت اللهم و هذا يوم حادث خليفك و هو

بخشيد خداوند و اين روزيت نوا شده تازه وان

عليك انما عبيد ان احسننا و كذا عبادك

بر ما كراميت حاضر اگر نيكي كنيم و دايه ميكنه دركازا

وان اسنانا فاننا بدتم اللهم حبل على الحبل

راكي بي كنيم حبله بنود از خاندان تو و خداوند رحمت بفرست بر محمد

والله و انزلنا احسن نصاحبه واعظمنا

وان او روزي كن ما را خوب محبت استن با اين روزكازا و نوا شده تازه

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على  
 سيدنا محمد وآله  
 وبعد



شكره وشاؤه عند ربي لا يمكن ان لهم صل

شکست از خود و گمراهی از فرشتگان خود خلاقان و هنرمندان

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُلِّ عَظْمَائِهِمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ

بر محمد وال او و نگاه دارد از این بندوی ما و از

خَلُّنَاوَعَنْ اِيْمَانِنَاوَعَنْ شِمَائِلِنَاوَمِنْ جَعِيمِ

ف. سرها وانجامهای راستما و از جایهای چپها و از خود

نَوَاصِرُ حِفْظِ عَالَمِيٍّ مِنْ مَعْصِيَتِكَ هَادِيَا

جایگاه نگاه داشتنی که نگاه دارند بر اندازده عصیت و راه نمایند با

إلى طاعتك مستعلاً بحبكت اللهم صل على محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّهُ وَفَّقُنَا يَوْمَئِذٍ وَابِلًا هَارِبًا

والله وبتوفيقه ما دام رأيي رزما وابن شبا

جميع آياتنا الاستعمال الحين وجزا الشكر

روزهای مبارک برای گرفتن کار خیر و دعوی گرفتن از شر و

الْبَيْعُ وَاتِّبَاعُ الشُّنَنِ وَتُجَانِبَةُ الْمُبْدَعِ وَالْأَمْرِ

کدام شیخانی پیروی کردند طریق باطنی و در آنکه بعضی از آنها و امری که





شَرَحْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْقَعْتُمْ عَنْهَا خَدْرَكَ

شروع کرده از شرعهای خود و باز ایستادند درین اثنا از خفته شدن

مِنْ نَمْنِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيدًا

از شما می نمود خداوندای بدینی که من گواه میگیرم تو را و بی تو نیکی

وَأَشْهَدُ سَمَاءَكَ وَانْصَلَتْ وَمَنْ أَشْكُهُمْ أَمِنْ

و گواه میگیرم آسمان تو را و زمین تو را و هر که را ساکن گردید در آن

مَكَارِهِكَ وَسَاءَ مَا خَلَقْتَ فِي بَوَاقِهَا

فرشتگان تو و باقی افریده های تو و این روز و

سَاعَتِي هَذِهِ وَلَيْلِي هَذِهِ وَمَشْغَرِي هَذَا

و این ساعت و در این شعب و در این جایگاه من بر آنکه من

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْغَنِيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

گواهی می کنم که تو خدای که نیست خداوندی که تو

قَائِمٌ بِالْقِسْطِ عَدْلُكَ فِي الْحُكْمِ رَوْفٌ بِالْعَبَا

پایدارنده انصاف عدالتی در حکم بیدار و مهربان

مَالِكٌ لِلْعَالَمِينَ رَحِيمٌ بِالْمَخْلُوقِ وَالْقُدُّوسُ الْعَبْدُ

مالک پادشاه دهننده رحمت بخداوند و پاک و عابد

و اینها از جمله دعاهای بسیار است که در کتب معتبره آمده است و در این دعا که در کتب معتبره آمده است و در این دعا که در کتب معتبره آمده است

و این دعا که در کتب معتبره آمده است و در این دعا که در کتب معتبره آمده است و در این دعا که در کتب معتبره آمده است

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

وَرَسُولِكَ وَجِئْنَاكَ مِنْ خَلْقِكَ خَلْقًا نَبِيًّا  
وَرَسُولًا وَآتَاكَ ذِكْرًا وَبَدَّلْنَا لَكَ قُلُوبًا  
فَاتَّخَذْنَا مِنْهَا قُلُوبًا لَمْ يَتَّبِعْهَا أَهْلُهَا  
فَضَّلْنَا عَلَيْهِ كَاتِمًا خَلْقًا عَلَى خَلْقٍ  
وَإِنَّهُ لَفَضَّلْنَا مَّا أَكَلْتَ لَحْمًا مِنْ عِبَادٍ  
عَنَّا الْفَضْلَ وَالْكَرَمَ مَا جَرَيْتَ أَحَدًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ  
عَزَّ وَجَلَّ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُنْتَقَى بِالْحَجِيمِ الْعَظِيمِ  
لِلْعَظِيمِ وَأَنْتَ أَزْهَمُ مِنْ كُلِّ نَجِيمٍ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى  
سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ  
مُرْسِلًا وَبِجَاهِهِمَا تَحِيَّةً وَآلٍ كَمَا يَكُونُ الْخَيْرُ

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
وَرَسُولِكَ وَجِئْنَاكَ مِنْ خَلْقِكَ خَلْقًا نَبِيًّا  
وَرَسُولًا وَآتَاكَ ذِكْرًا وَبَدَّلْنَا لَكَ قُلُوبًا  
فَاتَّخَذْنَا مِنْهَا قُلُوبًا لَمْ يَتَّبِعْهَا أَهْلُهَا  
فَضَّلْنَا عَلَيْهِ كَاتِمًا خَلْقًا عَلَى خَلْقٍ  
وَإِنَّهُ لَفَضَّلْنَا مَّا أَكَلْتَ لَحْمًا مِنْ عِبَادٍ  
عَنَّا الْفَضْلَ وَالْكَرَمَ مَا جَرَيْتَ أَحَدًا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ  
عَزَّ وَجَلَّ إِنَّكَ أَنْتَ الْمُنْتَقَى بِالْحَجِيمِ الْعَظِيمِ  
لِلْعَظِيمِ وَأَنْتَ أَزْهَمُ مِنْ كُلِّ نَجِيمٍ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى  
سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ  
مُرْسِلًا وَبِجَاهِهِمَا تَحِيَّةً وَآلٍ كَمَا يَكُونُ الْخَيْرُ

و جان که در عطاها و فکرها که در او شدن است از این  
عصمت سلام الله علیهم در تحقیقات هیچ بسیار است  
چنانکه و ما گفتیم که در این علم چند اجتناب و احتیاط  
الاعانه و التوفیق و بدانکه آنچه فکر کردیم از این تحقیق  
ما خود نیست از روایات معتدله و مجتمع شدن آنها  
در روایت واحدی پس راست که اقتصار کنی بر بعضی  
از این هرگاه و سعه ظاهر باشد و وقت توانی از این  
هر و هرگاه بیای از نفس خود سستی و مانده کنی  
قطع کن تحقیق را و تکلیف مقرر ما و را تمام کردی و از  
بی میل بسوی آن و اقبال بر آن زیرا که توجیه و اقبال  
در هیچ عبادت و عملت نیست است و شستن و  
در مصلاهی خود بعد از فراغ از آن جمیع تا اینکه طلوع کند  
افتاب و هر چند بنوده باشی مشغول به تحقیق این  
بتحقیق که روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین  
علیه السلام که فرموده اند که هرگاه نماز کند پس بنشیند و  
مصلاهی خود تا طلوع افتاب خواهد بود از برای



وَقَدْ كَرِهَ اللَّهُ لِي أَنْ أَعْلَنَهُ لِلنَّاسِ إِنَّهُمْ سَوْفَ يَكُونُونَ عَلِيمِينَ

وَقَدْ كَرِهَ اللَّهُ لِي أَنْ أَعْلَنَهُ لِلنَّاسِ إِنَّهُمْ سَوْفَ يَكُونُونَ عَلِيمِينَ

وَقَدْ كَرِهَ اللَّهُ لِي أَنْ أَعْلَنَهُ لِلنَّاسِ إِنَّهُمْ سَوْفَ يَكُونُونَ عَلِيمِينَ

وَالْقُرْآنُ إِذَا اشْتُقِ خَالِقُ الْإِنْسَانِ مِنْ عَلَقٍ أَظْهَرَ

وَقَدْ كَرِهَ اللَّهُ لِي أَنْ أَعْلَنَهُ لِلنَّاسِ إِنَّهُمْ سَوْفَ يَكُونُونَ عَلِيمِينَ

فَلَمْ تَكُنْ مِنْكُمْ مَرْجُوعًا وَخَلَقْتُمْ عِبَادَكُمْ

فَلَمْ تَكُنْ مِنْكُمْ مَرْجُوعًا وَخَلَقْتُمْ عِبَادَكُمْ

لِمَا كَفَرْتُمْ مِنْ عِبَادَتِكُمْ وَلَهُنَّ بِكُمْ مَضَلَّتْ

لِمَا كَفَرْتُمْ مِنْ عِبَادَتِكُمْ وَلَهُنَّ بِكُمْ مَضَلَّتْ

الْأَسْبَابُ ظَالِمَاتُكُمْ وَتَفَرَّقَتْ فِي مَلَكُوتِكُمْ

الْأَسْبَابُ ظَالِمَاتُكُمْ وَتَفَرَّقَتْ فِي مَلَكُوتِكُمْ

فَعِظِمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّعَتْ إِلَى خَاطِبِكُمْ

فَعِظِمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّعَتْ إِلَى خَاطِبِكُمْ

بِقَدِيمِ الْإِحْسَانِ وَتَفَرَّقَتْ إِلَى بَرْتِكُمْ بِحُجْمِ

بِقَدِيمِ الْإِحْسَانِ وَتَفَرَّقَتْ إِلَى بَرْتِكُمْ بِحُجْمِ

الْأَمْتَانِ بِالْمَرْيَسِ الْمَرْجِيَةِ التَّمْلُوكِ وَالْأَكْ

الْأَمْتَانِ بِالْمَرْيَسِ الْمَرْجِيَةِ التَّمْلُوكِ وَالْأَكْ

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ أَسْأَلْتُ اللَّهَ بِحَمْدِهِ

كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ أَسْأَلْتُ اللَّهَ بِحَمْدِهِ

وَقَدْ كَرِهَ اللَّهُ لِي أَنْ أَعْلَنَهُ لِلنَّاسِ إِنَّهُمْ سَوْفَ يَكُونُونَ عَلِيمِينَ











الجدل لعدم المعلوم بعد اوان يكون التبرك

سوال: ایک نیک فرد راجنیت حقوق منطوق

اَلَمْ يَكُنْ اَبْرَءَ لَكَ كُلِّ نَفْسٍ اَوْ لِيَا اَمَّا اَعْظَمُ

قسم بیستم بود الحق میگوید که تو که در نفس خود از برای دوستان خودیایی که

فقد ولدوا عدوهم أن يضلوا على محمد والمهدي عليهما السلام

برو شهن ترور شهن ایشان اینکه تحت نفوس بر محمد والد محمد و بر

الْمُتَّقِينَ مِنَ الْعَالَمِينَ عَلَى اللَّهِ عَلَيْهِمْ

محفوظا کتب و کلمات از آل محمد رحمت کند و خداوند عز و جل و باری تعالی و

وَمِنْهُمْ مَنْ يَكْفُرُ بِآيَاتِ اللَّهِ وَالرَّسُولِ الْمُرْسَلِينَ

خداوند را بدین معنی از سرالیهیم تو را

عبد القادر جیلانی میگوید کہ اگر کسی استغفار و توبہ کرے

معدن و شوری و میگو و یا کف می بینیم این زمین را خاک

الحمد لله الذي هدانا لهذا الذي كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

وَيُخَوِّضُهُمْ فِي الْآرْضِ مَارْجًا لِيَأْتِيَهُمْ خُلُوفٌ

وہاں سے واپس آئے اور پھر ایک بار پھر

رسالة في وصايا من حسن الخلق  
بجاءت رسالة بدين وصالا في وصفه از انديون من يني بازار

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُشْتَغَفِينَ مِنْ

رحمت فریاد ہو سکے والے محبت میں حقیقتاً کسٹھکان از

الرَّحْمَنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

الى محمد رحمته كما دعا مراو ومراى او

خود را میگویند سوره تبارک امثال کل جبار و الم عزوجل

ای غنای کشته هر حیار وای عزیز کشته

ذِكْرُكَ يَوْمَ تَكُونُ

عنوانی چنانچه بیرون تو که دیده است در شقت

منه من بيت الجنان المكنون يا كاشف الكرامات

ایستاد و جوانان را به رهنمود می‌دهد این نوع کسب و اندوخته‌های ارزشمند

تجدید از ان ایسان میکی (سپهر دوم و میکی در آن

عظیم تر شکر اشکرا بعد از ان سوال میکنی حاجت خود

وہو بیت شد از آنحضرت علیہ السلام کہ میفرمودند: «وَدَعُوا

سنگی و از زمین و حال که است که بای او را در دست

عَصِيَّتِكَ رِبِّ بَيْسَانِي وَلَوْ شِئْتَ وَعَرَبْتَ

یہاں پر ایک اور عجیب و غریب منظر دکھائی دیتا ہے۔

لَا تُسَبِّحْ وَحْدَكَ بِحُضْرِي وَلَا تُسَبِّحْ

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

لَا تُسَبِّحْ وَحْدَكَ بِحُضْرِي وَلَا تُسَبِّحْ

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

لَا تُسَبِّحْ وَحْدَكَ بِحُضْرِي وَلَا تُسَبِّحْ

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

عِزَّتِكَ لِحُضْرِي وَعِصْمَتِكَ بِرُوحِي وَلَا تُسَبِّحْ

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

عِزَّتِكَ لِحُضْرِي وَعِصْمَتِكَ بِرُوحِي وَلَا تُسَبِّحْ

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

وَعِزَّتِكَ لِعِزَّتِي وَعِصْمَتِكَ بِحُجْرِي جَارِي

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَلَيْسَ هَذَا جَزَاءُ كَفَرِي

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

بِعِزَّتِكَ لِعِزَّتِي وَعِصْمَتِكَ بِحُجْرِي جَارِي

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

بِعِزَّتِكَ لِعِزَّتِي وَعِصْمَتِكَ بِحُجْرِي جَارِي

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

بِرُوحِي كَذِبًا وَلَا تُسَبِّحْ بِأَوْعِيَا كَرِهَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ خُذُوا خُذُوا

بَاوَدَ خَرِينَ بُوَيْسَ الْمَلِكِ بِذُنُوبِي عَمِلْتُ بِسُوءٍ

بهره ام بیهوشی بکناد خود کرده ام بدی

وَقُلْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ

وستم کرده ام نفس خود را بی بیامرز بخواهم گذران برایش

لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا بِمَوْلَايَ عِدَارَانِ

که غفران را جز بخواهر من غیر تو ای پروردگار من

بِحَسْبِ مَا تَكُونُ رَجَبِ خُودِ لَغَمِينِ وَيَكْفُرُ بِهِ

بر حسب ازستم من اسلا و افترون واستکان

بهر من کسی را که کرده باشد و استایان کند و از تو بکشد

وَأَعْرِفَ وَيَكُونُ مَرْكَاهَ بَرْدِي بِرُخُودِ الرَّحْمَنِ

و لغزاف کرده باشد

شَكَرَ اللَّهُ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ

که خداوند مرا بخواست سپاس چنانکه آفرید مرا و نماند

أَكْثُ شَيْئًا مَذْكُورًا رُبُّوْا عَنِّي عَلَى أَهْوَالِ

بهره من چیزی یاد کرده شده ای پروردگار من بر این ترسناکیها

الْمَدَنِيَّاتِ وَيُؤْتِ الْفَقِيرَ وَنَسْكَاتِ

و بدهد به فقیر و نسیکات

الْمُتَّيْنِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيْلِ وَالْأَيَّامِ

زمان و مصیبت های شبها و ایامها

وَأَكْفَى شَرِّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ

و کفایت کند از شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین

وَيَوْمَ سَعَى فَأَصْحَى وَفِي أَمَلٍ بَاخِلٌ فَيَخْشَى

و در سفری پس در غمی با شکی و در آملی پس در ترسی

وَرَفَعَتِي فَأَدْلَسْهُ وَفِي يَمِينِي لَكَ فَدَلَسْتَنِي

و روزی که مرا برافراشتی و در راستی من تو را دروغ گفتی

وَفِي أَحْزَنِ النَّاسِ فَعَظَمْتَ وَالْيَأْسَ فَجَحْتَنِي

و در اندوه مردم پس بزرگ گردانید و در ناامیدی من تو را دروغ گفتی

وَبَدَّلْتَنِي فَلَا يَقْضِي وَيَعْمَلُ فَلَا تَسْلَمُ

و تبدیل نمودی من پس در مواعظ مرا و بیست کردی من پس تسلیم گفتم مرا

وَلَسْتُ بِرَبِّ فَلَا تَحْزَنِي وَمِنْ شَرِّ الْحَيِّ وَالْأَيَّامِ

و من را از پروردگار تو نیست پس مرا از اندوه زنده و از شر ایامها و شبها

فَنَلَسْتَنِي وَالْحَاسِسِ الْأَخْلَاقِ فَوَقَّعْتَنِي وَمِنْ

پس تو مرا را از بدبختی اخلاق و تو را دروغ گفتی و من را

و در سفری پس در غمی با شکی و در آملی پس در ترسی

و در ناامیدی من تو را دروغ گفتی





لَكَ لِسَانٌ حَتَّى تَرْضَى وَتَقْبَلَ الرِّضَا وَلَا

از زبان است چنانکه اینک خوشنویس و بعد از خوشنویس است

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا مُدَبِّرَ الْعَالَمِينَ

که این از معصیت و نه قوت و کار نیست

که در می شود مبادی طلوع آفتاب تا پیشین

که گذشت در او از باب اول این که وارد شدن است

عشره بدو از ده ساعه و این که از برای هر یک از این

عشره علیهم السلام ساعتی و در هر ساعت دعا

که مخصوص آنست پس ساعت اول که آن میانه

طلوع صبح است تا طلوع آفتاب از حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام است و ذکر کردیم مبادی آنرا در

اعمال الوقت پس در این ذکر میکنیم در مقام آنچه مخصوص

باین وقت است پس بگوئیم که ساعه و یوم تا طلوع آفتاب

تا بر طرف شدن بر آن و این از حق امام حسن علیه السلام

است وَبِحَوْلِ اللَّهِ بِأَخَالِجِ السَّمَوَاتِ

مضافه از فرشته اسماعیل

در هر یک از این عشره  
ساعتی و در هر ساعت دعا  
که مخصوص آنست پس ساعت اول  
که آن میانه طلوع صبح است تا  
طلوع آفتاب از حضرت امیر المؤمنین  
علیه السلام است و ذکر کردیم مبادی  
آنرا در اعمال الوقت پس در این ذکر  
میکنیم در مقام آنچه مخصوص  
باین وقت است پس بگوئیم که ساعه  
و یوم تا طلوع آفتاب تا بر طرف  
شدن بر آن و این از حق امام حسن  
علیه السلام است وَبِحَوْلِ اللَّهِ بِأَخَالِجِ  
السَّمَوَاتِ



[illegible]

استاد محترم و ارجمند  
جناب آقای دکتر ...  
با سلام و احترام  
اینجانب به استحضار می‌رسانم که ...  
در تاریخ ... در محل ...  
با حضور ...  
توسط ...  
به تصدیق رسیده است.  
با تشکر و احترام

لِيَسْتَدْرِكَ يَوْمَ التَّلَاقِ كِبَرُكَ بِفَضْلِكَ عَلَى وَصْرِكَ

ما اتيكم من امان او من امانات بزرگیت خود تو می بیند و گوید

وَجَاءَ بِشَاكِرٍ إِذْ لَمْ يَمَلِكْ عَقْفٌ وَعَظْمٌ إِلَيْكَ

دو بهلویان شکوه و همیشه است بی یاری تو از من و تو کیست شکوه

وَقَدْ رَآنَا لَكَ يَا هَـٰذَا الْمَرْءُ يُجَادِلُنَا بَلَاءً

تو صحبت من سوال میکنی تو را یاد انانی همان نه و انکار من ای کوی که

سید علی اسفندیاری (رحمۃ اللہ علیہ)

غير او بر دفع کردن بلی جانم ایله دوستی او را

یونکہ یہ وقت ویرہاقت رہے گا کہ ان سودکاران و بر

لَقَدْ بَعَثْنَا طَائِفًا مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ وَنُوحًا إِلَيْهِ

**آپنی تہذیب اور سکھ پاکان**

بِالْإِشْرَاعِ الْبَاطِنِ عَلَمًا وَالْإِمَامِ النَّبِيِّ الْكَامِلِ

یا نزی کہ بطن است از علم و با امام پاکیزه حسن

المفتون سيمافقد استشفعت بهم اليك

کشف شده و هر سه تحقیق که شفاعت میجویم بایشان رجوع میات

[illegible]

اِسْتِغْنِي عَنْكَ رَبِّي بِمَا كَرَّمَكَ

الحمد لله الذي جعل  
العلماء من أفاضل الناس

التَّحَابُّ وَمُسْتَهْلُ الْقَوْلِ بِالْعِلْمِ بِأَنْوَاعِ الْأَقْبَابِ

ایر و اسان کشته و دشوار ما اعیانهای بیاد فوکل کشته فوکل

ای دیبا رنجنا ای کشیده درها ای کی هر جا که خوانده شود

أَخْبَارُ الْمَمْلُوكَةِ وَالْمُلُوكِ وَالْمُلُوكِ وَالْمُلُوكِ

جہاں دارماں کسے کہہ سکتا ہے: براہِ لوہا خاصہ و زہرِ بیانی اچھا کسے

KLINGENBERG, 1953

ليس حرا بينه وبين ولا باب يامن لا مخرج

که نیست از برای خزانای او قفل و کل و دری که این همه از ویست

عَلَيْهِ سَلَامٌ وَلَا يَضُرُّ دَلِيلُ حَلِيبٍ أَمْرٌ

میرا اور پھر ورنہ مٹنچو نرہ اور سب اب کی کی کہ نورین

مَنْ كَانَ فَتَاهُ خَالِدًا فِي الْيَمِينِ وَفِي الْيَمِينِ

مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

مردمان این کشور را که در حال حاضر به دلیل فقر و بیکاری، ناامید شده اند، می توان با ایجاد اشتغال و بهبود زیرساخت ها، دوباره به زندگی عادی بازگرداند.

شديد العقاب اللهم انقطع الزعماء الامين

صاحب مقابعت: خداوند ابرید شده است و مکران

فَضِّلْتُ وَغَاتِ الْأَمَلِ الْأَمِنْ كَعَمَلِكَ فَاسْتَكْ

فضای تو و نیز مسئولیات اسد حکوانده که مینویسید و اینها

3

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

محمد مولات و علي بن ابي طالب صفوات

پیش محمد رسول الله و محمد بن علی بن ابی طالب

وَالْحُسَيْنِ الْأَخِيَّ النَّبِيَّ الَّذِي اشْرَفَ عَلَيْهِ

وہیچ حسینی امام برہمچکار کہ فروخت نفس خود را

إِيَّاهُ مِنْ صُنَائِكَ وَجَاهِدِ السَّائِكِينَ عَنْ حُرْمِهِ

جهت طلب کردن رضای تو و جهاد کردی است با عدو و کشتن آن از راه

طَاعَتِكَ فَقُتِلُوا سَاعِيَةً لَمَّا نَاوَيْتُكَ وَاجْرُؤُ

بسیار گشتند و در آن گشته و نشسته و در میان مردم

فَبَاوُعَدَ بَنُو إِسْرَءِيلَ وَكَمَلُوا رَأْسَهُ فِي الْأَفَّاقِ

از روی خدی و قلم و بر جسته سر او را در احاطه و فرود آورد

فَعَلَّ أَهْلَ الْعِلَادِ وَالشُّعْلَى اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَى خَلْقِ

محل اہل خانہ و عداوت خداوندی و تحقیر شہید

والله وحده على الباعى عليهم مغزبات لعلنا

والا اودنارز کوربان بیستم کهنده بر او رسواکتای لعل

وَأَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وَبِكَ أَلْتَجِمُّ

وذلك كتهنأى غضب خيرة ومقرب خيرة

100

[illegible]

این زبانت و منورین استند  
یا او دانست که فرجه او برین  
محض از نور انوار و نور است  
چون گوید که باطن خود را در دست  
یابد که با انصاف کرد و در حق  
عزت الهیانی که شکر حمد

۱۰ یعنی بقدری که منسوب به این واقعه است که در آن روزین از امامان و بزرگان کوفه  
از آنجا

اِنْ اِنَّا اِلَّا كَعَجْدٍ وَلِلّٰهِ اَسْتَفْعِعُ بِحَمْدِ اِيَّاكَ وَ

بِحَمْدِ عَمَلِكُمْ وَالْمَسْكُوتِ تَوَاجُحِي وَفِي الْعَوَاقِبِ بِحَمْدِ اِيَّاكَ اِنْ يَسُوْقُ

اَعْدَاؤُنِي لِيَايِي وَيَمْنِي يَدِي خَوَالِجِي اِنْ لَا تَقْطَعْ

مَقْدَمِ مِيْدَانِ اِيَّاكَ لِيَايِي خُودِ وَيَسَايِي حُلِيَّ اِيَّاكَ بِنُورِ

رِيَّاكَ مِنْ اَمْتِنَانِكَ وَلَا تَحْبِيبِ اَمِيْلِي فِي اَمْتِنَانِكَ

اِنْ يَزِيْرُ اَزْاَنَامُ نُوْ وَنُزْمِيْنَ كَرُوْا اَسِيْدُوْا حُلِيَّ

وَنُوْالِكَ وَلَا تَهْتِكِ الْبَيْتَ الْمَسْكُوْلَ حُلِيَّ

وَعَطَايِي وَنُورِيْ بِحَمْدِ اِيَّاكَ اِنْ يَسُوْقُ

مِنْ حَمِيَّتِكَ وَلَا تَغِيْرُ عَنِّيْ عَطَايِي طَوْلِكَ

اِنْ يَزِيْرُ اَزْاَنَامُ نُوْ وَنُزْمِيْنَ كَرُوْا اَسِيْدُوْا حُلِيَّ

وَعَمْرَاكَ وَوَفَّقِيْ لِيَايِي رِيَّاكَ وَاصْرِفِيْ

وَفَقْرِيَّ خُودِ وَتَوَفَّقِيْ بِرَأْيِ اِيَّاكَ رِيَّاكَ اِنْ يَسُوْقُ

عَنَّا اِيَّاكَ عَنِّيْ عَمْرَاكَ وَاعْطِيْ مِنْ اَخِيْرِ اَفْضَلِ

اِنْ يَزِيْرُ اَزْاَنَامُ نُوْ وَنُزْمِيْنَ كَرُوْا اَسِيْدُوْا حُلِيَّ

فِيْ اَزْجَوَالِ الْكُفْرِ مِنَ الشَّرِّ مَا اَخْلَفَ وَاصْرِفِيْ

اِيَّاكَ اَسِيْدُوْا حُلِيَّ اِنْ يَزِيْرُ اَزْاَنَامُ نُوْ وَنُزْمِيْنَ كَرُوْا اَسِيْدُوْا حُلِيَّ

الاعمال السبعة الرابعة

بِحَقِّكَ يَا زَكِيَّ الرَّاحِمِينَ وَسَاخِرِ خَلْقِكَ الْوَالِدِينَ

برحمت تو ای زکیم کشتی وین رحم کشتگان شلت دولت تابش

وَاللَّهُ لَمَّا كُنْتُ لِلْمَلِكِ الْمَلِكِ

وین کجایم خداوند تو ای پادشاه صاحب ملک

الْمَلِكِ وَكُلُّ شَيْءٍ بِوَيْ وَخَيْرِكَ الْكَرِيمِ

مالک امور و هر چیزی غیر ذات تو بزرگوار

هَذَا لَكَ سَخَرْتُ بِقُدْرَتِكَ التَّجْوِيزِ السَّوَالِ

اینست که بخودت سپردم بقدرت تو ای صاحب قدرت

وَأَمَّا طَرَفٌ بِقُدْرَتِكَ الْعَبِيدِ السَّوَالِ

و اما طرفه بقدرت تو ای بندگان سوال

مَنْ فِي النَّارِ وَالْجَزْوَ تِلْكَ طَمَنٌ وَرَفَقَةٌ ظِلْمًا

آنچه را در جهنم و در پستی و آنچه را یافتند از بیک ستایش

الْحَوْلِ الْإِسْمِ بِاسْمِهِ يَابِصِي لَيْتِي لَيْسَ كَرِيمًا

بیاورید ای شوی ای بیایا بجز از منوایه بخت

يَا حَسْبُ لِمَنْ يَعْلَمُ خَائِفَةً الْأَعْيُنِ وَهَسَا

ای هر چه برای کسی که میداند نگاه در دیده چشمها و آنچه

اینست که بخودت سپردم بقدرت تو ای صاحب قدرت

و اما طرفه بقدرت تو ای بندگان سوال

بیاورید ای شوی ای بیایا بجز از منوایه بخت



تَحْقِيقُ الصُّدُورِ بِأَمْنٍ أَنْ تَخَذَفَ الْأُولَى وَالْآخِرَةُ

بِمَنْ مِيلَازِ دَسِيحَةِ اِي كَمِي كَرَانِ بَرَايِ وَتَوَكُّلِ بِلَاسِ دَرِيَا وَ لَوْتُ

وَهُوَ الْحَكَمُ الْخَبِيرُ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ الْبَائِسِ

وَاوْتِ وَيَرْحَمُكُمُ وَاَنَا سَوَالِيكُمْ تَوَاسُوَالِ كَرَفِيْلِيَا بِمَحَاجِ

الْحَبِيرُ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِضَرْعِ الضَّالِّعِ

دَرَمَانَهُ وَفَرَقِيْلِيكُمْ بِسُوءِ فَرَقِيْلِيكُمْ كَرَفِيْلِيكُمْ غَمِ شَدِيدِ

الْكَبِيرِ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ تَوَكُّلَ الْخَائِسِ

عَلَيْكَ وَتَوَكَّلِيكُمْ بِرُكُوعِ تَوَكُّلِيكُمْ كَرَفِيْلِيكُمْ

لِلْمُسْتَجِيرِ وَأَقِفْ بِنَايَكَ وَتَوَكُّلَ الْمُتَوَكِّلِ

زِيَارَتِي وَتَوَكُّلِيكُمْ بِرُكُوعِ تَوَكُّلِيكُمْ كَرَفِيْلِيكُمْ

الْعَفِيفِ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِالْبَشِيرِ النَّذِيرِ

مَحَاجِ وَتَوَكُّلِيكُمْ بِسُوءِ فَرَقِيْلِيكُمْ كَرَفِيْلِيكُمْ

الْمُرَاجِ الْمُبِيرِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَابْنِ عَمِّهِ

وَجَوَارِحِهِ وَوَسْطَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَابْنِ عَمِّهِ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ الْأُمَمِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ الْأُمَمِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ

الْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ

وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ

تقریباً از تو و میسر از تو و مدد از تو و نشانی از تو

[illegible]





رَبِّدَانِ اللَّهُمَّ سُوْمِي بِسِمَةِ الْإِيمَانِ وَتَوَجَّيْ

مجلسدانشان کز را بستان ایما محنت

بِشَاجِ الْكِرَامَةِ وَقَلْدِي حَيْلَا الْإِسْلَامِ وَلَا

تاج کبریا بدوت و سرکینتہ انداز دیسنا اسلام را

تَحْلُمُ رَيْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي وَمَسْدِلِ مِصْبَحِي

مکتبہ رقیقہ ایماننا از کرمین من

که گفتد باش و هر کام بدو این جنت کن بدو خود

بدون مسقطی که تحتان نسبت بود که تحت و ولین کرده است پنج

طائفه در تهذيب بندي حسن از حضرت صاحب اوق

عليه السلام که فرمود که هر که عمامه بپوشد و نکراند عمامه را نیز خند

خود پس برسد و کوفی که نباشد دولت برای آن پس

ملاوت نکند مگر نفس خود را و سرایت (ده است نکند)

محمد بن درویش از حصص حقایق علیه السلام در فرموده

بدارسی درین عجب جہانم از کسی لیس و رخ کند در حجاب  
 زینکار و زینت اش که در کرم می آید جلاست او بد

کہ ہر شخص کو اس کے کٹھن کے مطابق خود چاہیے

مجلس شورای اسلامی

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

انکه گردانیدن باشد علامه و در غایت خود چگونگی بر غایت  
 حاجه او و احادیث در ترغیب در غایت بسیار است  
 تحقیق که مفسر شدن است اجماع ظاهر بر آن و محبت  
 از مخالفین و اگر چه در انکار میکنند آنرا با انکه در ذکر کرده اند  
 در کتابهای خود از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود  
 از افتخاط و لر کرده است بتلفی گفته است در کتاب صحاح  
 اقتضای این علامه است پیوسته گردانیدن از بر غایت  
 و در حدیث واضح است که پیغمبر صلی الله علیه و آله  
 فرمود از افتخاط و لر کرده است بتلفی نام شد کلام  
 و تلفی گردانیدن علامه است از بر غایت و بدانکه اسباب  
 غایت است و در جمیع اوقات و حالات و محض  
 بحال ناز و هر چند ناز همان فضیلت بلکه آن است  
 در خود خواه ناز کرده شود و آن بانه و نیست اسباب  
 آن از برای ناز چنانکه ظاهر میشود از کلام بعضی علما  
 ملاحظه فرمایید من در احادیثی که در کتاب قبول ما نقل شد  
 بسیاری از کلام که در این باب است آن از برای ناز و لذت

انکه در این باب  
 ناز همان فضیلت است  
 و ناز از است و هر چند در هم

که درین باب واقع شدن هر علم است و تحقیق که تحقیق که  
پایین علامت قدس الله وجهه در منشی الخطیب چون از آنجا  
احادیثی را که در این باب میگردانند که تحقیق است  
نقد از آن فرموده و تحقیق که ظاهر شد این احادیث است  
مختلف و مطلقا نخواهد بود و باشد در میان اینها تمام شد  
کلام او پس سزاوارست که هرگاه مختلف کنی نزد امامان  
و فضلا که استنباط از اخبار معانی اکثر مستحبات  
اینکه مستحب است برای غیر خود و بی غرض و مانند دانستلا  
و بودن مختلف شود و این جواب نازل قضای یکبار است  
از امور برای نوزایب ظاهر است و اما اولاب در پی شکی  
چهارم ناپس سزاوارست که ناه کردن جامه است پس  
تحقیق که نقل شده است در تفسیر قول خدای تعالی  
و بآلک فطرت که مراد اینست که جامه خود را بپوشی و  
سزاوارست که نکند و آستین از سرهای انگشتان و  
جامه بدلی که جامه صورتها و جامه شهرت و پیش  
در آن جامه سفید و تحقیق که مراد از اینست

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

حضرت صلوات علیه السلام که فرمودند و گفت عبادی  
مکر در ستر چیز من و عباد و عمن و اما صلات و پوشیدن  
چندین مرتبه و در وقت شدن است از حضرت صلوات  
که گفته میشود و پوشیدن حبشنامه  
اللهم اجعله ثوب یمن و بركة اللهم ارزق  
خودا بکرم ان جامدا یمن و بركة خلدنا و بركة  
فیه شکر قومک و حسن عبادک و العمل  
فان شکر حق بركة و بركة عبادک و عمل  
بطاعتک الحمد لله الذی رزقنا ما نستره  
بطاعتک و بركة و بركة که رزق کرمه و بركة و بركة  
عورت و انجمل به فی الشکر و بركة و بركة  
عورت صلوات و بركة و بركة و بركة و بركة  
اللهم اجعله ثوب یمن و بركة و بركة و بركة  
خودا و بركة و بركة و بركة و بركة و بركة  
و بركة اللهم ارزق فیه حسن عبادک و العمل  
فان شکر حق بركة و بركة عبادک و عمل

اللهم ارزقنا ما نستره



وَالصَّلَاةَ وَأَدَاءَ الزَّكَاةِ الْحَقِّ الَّذِي

بمطابق تو عبادت و زکوة حق است

كَسَلٍ مَا أُوَارِي بِهِ غُورِي وَلَيَحْمِلُنِي فِي الشَّأْنِ

بمطابق آنچه من بپوشانم غور من و من را در امر

وَأَتِيَنِي لَسْتُ كَقَدَمَيْهِ يَمْشِي وَيُشِيدُ رَجُلَانِ

و من می آید مانند دو پای او می آید و دو مرد

الَّذِينَ كُنْتُ غُورِي وَلَمِنْ دَوْعِي وَلَمِنْ دَوْعِي

و از آن دو که من غور من و از آن دو که من دعو

وَلَا يَحْمِلُ الشَّيْطَانُ فِي ذَلِكَ مَصِيبًا وَلَا لَهْ

و شیطان در آن مصیبتی ندارد و آن

إِلَى ذَلِكَ وَصُولًا مَقْصُوعًا إِلَى الْمَكَائِدِ وَفَتْنٍ

به آن جهت و وصولی مقصود به مکه ها و فتن

لَا يَتَكَلَّبُ تَحَارُكِي وَسِرَّاتِي أَيْسَرُ كَبُوشِي

و من تلاطم نمی کند و سیرت من آسانتر است از

لَيْسَتَادِي وَلَمَّا بُوْشِي دُونَ مَوْزِي عَمَلِي مَا يَكُونُ شَيْءٌ

نیستاد من و چون پوشیده ام از موز عمل من چیزی

دَوَّحِي كَدُشْتِ بَاشِي مَوْشِي عَمَلِي مَا يَكُونُ شَيْءٌ

دو حلی که داشت باشی موشی عمل من چیزی

مُخْشِي لَرَجَبِي وَتَرَكْتَنِي سَكَنِي وَتَرَكْتَنِي سَكَنِي

مخش من در رجب و مرا گذاشتی سکون و مرا گذاشتی

و من می آید مانند دو پای او می آید و دو مرد  
الَّذِينَ كُنْتُ غُورِي وَلَمِنْ دَوْعِي وَلَمِنْ دَوْعِي  
و از آن دو که من غور من و از آن دو که من دعو  
وَلَا يَحْمِلُ الشَّيْطَانُ فِي ذَلِكَ مَصِيبًا وَلَا لَهْ  
و شیطان در آن مصیبتی ندارد و آن  
إِلَى ذَلِكَ وَصُولًا مَقْصُوعًا إِلَى الْمَكَائِدِ وَفَتْنٍ  
به آن جهت و وصولی مقصود به مکه ها و فتن  
لَا يَتَكَلَّبُ تَحَارُكِي وَسِرَّاتِي أَيْسَرُ كَبُوشِي  
و من تلاطم نمی کند و سیرت من آسانتر است از  
لَيْسَتَادِي وَلَمَّا بُوْشِي دُونَ مَوْزِي عَمَلِي مَا يَكُونُ شَيْءٌ  
نیستاد من و چون پوشیده ام از موز عمل من چیزی  
دَوَّحِي كَدُشْتِ بَاشِي مَوْشِي عَمَلِي مَا يَكُونُ شَيْءٌ  
دو حلی که داشت باشی موشی عمل من چیزی  
مُخْشِي لَرَجَبِي وَتَرَكْتَنِي سَكَنِي وَتَرَكْتَنِي سَكَنِي  
مخش من در رجب و مرا گذاشتی سکون و مرا گذاشتی

و من تلاطم نمی کند و سیرت من آسانتر است از  
لَيْسَتَادِي وَلَمَّا بُوْشِي دُونَ مَوْزِي عَمَلِي مَا يَكُونُ شَيْءٌ  
نیستاد من و چون پوشیده ام از موز عمل من چیزی  
دَوَّحِي كَدُشْتِ بَاشِي مَوْشِي عَمَلِي مَا يَكُونُ شَيْءٌ  
دو حلی که داشت باشی موشی عمل من چیزی  
مُخْشِي لَرَجَبِي وَتَرَكْتَنِي سَكَنِي وَتَرَكْتَنِي سَكَنِي  
مخش من در رجب و مرا گذاشتی سکون و مرا گذاشتی

که ایستاده باشد و میگوید تر و درایت از پوشیدن من  
و فعل این دعا را بسم الله و یا قبا اللهم صل علی محمد  
و علی محمد و وطن قدیم فی الدنيا و الآخرة و بینهما  
و المشرق و المغرب بسم الله یا ای را در دنیا و آخرت و بین  
علی الصراط یوم تزل فی الاقدار و میگوید در  
بصلوات روزی که میفرمودان یاها کبیرتها  
فیسم الله ان محمد بن عبد الله رزقی ما اوق به قدیم  
بسم خدا پس خدا را که روزی که مرا انچه حفظ کن یاها  
من الاقرب اللهم یبصرنا علی صراطک و لا یضلنا  
از اذان خداوند ثابت گردان یاها بر صراط خود و لا یضلنا  
عن صراطک السوی و روایت شده است از حضرت  
از صراط راست خود صادق علیه السلام که گفته بود  
مومن سرخ در حضرت زین و روایت شده است نیز  
از انحضوت علیه السلام که فرمودند که از جمله است  
عشر شایسته و فعل هر دو مکرر شود انداختن علیه

پوشیدن بخت سیاه را و زاری شدن از آنحضرت علیه السلام  
که هر که پوشد بخت منزه گشته و نمیکند از آن ایات که بجهت  
مالی و هم از آنحضرت علیه السلام که هر که پوشد بخت  
زود خواهد بود و در سر و بر و مشاوی تا گشته کند آنرا  
و از آنحضرت علیه السلام است عادت بان هوشیاری و بخت  
یعنی بخت طالع و افتاب و زوالا کل و شریست و بخت را  
ذکر میکنیم ما بان از ادب آنها را و دعای آنها را که در  
شدن است از اسباب عصبه سلام الله علیه پس هر که  
که هرگاه خواهی چیزی بخوری پس پیش بر جانب حجت  
خود و پیشین و پنج پس بسم الله و حق که آن است  
که ناخوش میدان و آنرا خدای تعالی بدین من میکند  
صاحب از اینان که رواست است از حضرت امیر المؤمنین  
و هرگاه و از آنکی دست خود را بجهت اکل پس بگو  
بسم الله الرحمن الرحیم  
پس بختی که رواست است از حضرت صادق علیه السلام



عَزَّ وَجَلَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تُكْرِمُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هر دو را پیش از طعام و بعد از آن و هر چند بوده باشد  
چیزی خوردن تو بیست است و روایت کرده است  
حدیثین در فضیله از پیغمبر صلی الله علیه و آله و مرده  
که هر که پیش از طعام و بعد از آن بخورد  
کنند و راضی و عاقبت داده شود از بلائی که در بدن او باشد  
و تحقیق که روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام  
که این از ایه می کنند در عمر و سلام میدهند چشم او را و استراحت  
و اگر صاحب طعام باشی پیش از اول بعد از آن بنویس  
بعد از تو کسی که بر طرف راست تو باشد و در شستن چشم  
میشو و تو آخر هر دو بنویس که بر طرف چپ باشد  
و روایت شده است که بعد از شستن دویم هر که بر طرف  
راست در باشد خواهد بود ایستاد و بال ممکن است  
خود را بمندیل بعد از شستن اول و پاک کن او را با آن  
و شستن دویم بعد از آن که مالیدن باشی بر آن و بپوش  
خود و پاک مکن دست خود را بمندیل هرگاه در آن طعام  
نمیشد و آنکه مالشی آنرا و اگر کسی در خدای قضا در استای اکل

بجای آنکه در نماز صلاه در پیشانی  
بنویسند بعد از آن است از آن روایت می

در شستن چشم و دست و پا

بجای آنکه در نماز صلاه در پیشانی  
بنویسند بعد از آن است از آن روایت می

روایت شده که هر که صلاه  
نمیزد و در سجده که بخشد و انگشت  
خود را بر وضو می گذارد

وابتدا آن را کلیدش از حاضران اگر بودی به صاحب  
 و قرا که از اعلام دست خود را بعد از ایشان و سر او دست  
 چیزی خوردن بدست چپ و کتابش امپدن بان در  
 چیزی خوردن بدو انگشت و هرگاه حاضر شود آن پس  
 انتظار کنی حاضر شدن غیر آنرا از اطمنه و مکنار و از  
 کاسه و میز آنرا بگرد و ابتدا کن بخت و ختم کن این قضا  
 شدن است ختم گیر که نیز و دست است حاضر کردن سبزی  
 نان بر مائد و خوردن گوشت در یک روز و در سینه و بخور  
 هر روز و مکر و دست ترکان چهل روز و خالی کن  
 تمام گوشت استخوان را اگر بگذار و آن بقیه پس تحقیق  
 در طبعش است که از برای جن اسفولان این ایت و اینکه  
 هر یک که از این امیر و دان غلظت او و آنچه بر او باشد و است  
 طول و بعد از شستن بر مائد اگر بوده باشی تو صاحب  
 پس تحقیق کرد و از کرده است ثقت الاسلام در کافی کتب  
 از برای آن که گفت شنیدم از حضرت ابو عبد الله علیه السلام  
 که هر روز که سر چیز است که هرگاه به اموزد آن از دخی افتد

این کتاب از  
 کتابخانه  
 ...

این کتاب از  
 کتابخانه  
 ...





در کتابهای معتبره و سزاوار است که بشود به صاحب  
 دستهای خود و در دایک طشت و نیز غانند و نیزند  
 تا بر خود و دست است خلل کردن و دست است  
 خلل ازین بر ما و این و بر جان و سر و دانا و سزاوار  
 بیرون و با حق و آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 و در بر دین آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 باشد آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 میخواهی آنرا از این پس تحقیق کرد و نیز کرد است  
 الاسلام و کافی از حسن تصدیق علیه السلام  
 که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که مؤمن بخیر و بخیر  
 اهل حق و منافق میگوید و اهل او بخیر است او اما اهل  
 اشامیت است پس اینست که بگوید مؤمن اشامیت است  
 الْحَسَنَةُ لِلَّهِ مُنْزِلُ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ وَمُتَرَفِعُهُ  
 نَبَاهُ صَالِحًا كَقَوْلِهِ طَوْرُهُ اسْتَبَاحَ الْأَسْمَاءِ بِتَحْرِيقِهَا  
 وَلَا تَرْكِبُ قَبْشًا مِنْهُ إِلَّا تَحْزِينُ الْأَسْمَاءِ  
 امر است به گونه که میفرماید تمام خدا را بجز این دعا مبارک

در کتابهای معتبره و سزاوار است که بشود به صاحب  
 دستهای خود و در دایک طشت و نیز غانند و نیزند  
 تا بر خود و دست است خلل کردن و دست است  
 خلل ازین بر ما و این و بر جان و سر و دانا و سزاوار  
 بیرون و با حق و آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 و در بر دین آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 باشد آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 میخواهی آنرا از این پس تحقیق کرد و نیز کرد است

در کتابهای معتبره و سزاوار است که بشود به صاحب  
 دستهای خود و در دایک طشت و نیز غانند و نیزند  
 تا بر خود و دست است خلل کردن و دست است  
 خلل ازین بر ما و این و بر جان و سر و دانا و سزاوار  
 بیرون و با حق و آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 و در بر دین آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 باشد آنچه بیرون و بیرون و بیرون و بیرون  
 میخواهی آنرا از این پس تحقیق کرد و نیز کرد است

الجامعة الإسلامية  
مكتبة جامعة القاهرة  
مكتبة جامعة القاهرة  
مكتبة جامعة القاهرة

[illegible]

من یومید بر من که گاه از غنای تو بگویم که تو را  
 عیال داشتی از آنکه داشتی از آنکه داشتی  
 من یومید بر من که گاه از غنای تو بگویم که تو را  
 عیال داشتی از آنکه داشتی از آنکه داشتی

حضرت صادق علیه السلام از شما میدانم که کمتر در حق  
کافر انکسب میدهند بنویسند و بایستد پس بیایم  
نقص را که از آن باشد پس بیایم شکستن و تحقیق کردن  
عقل است که هر که بیایم از اب پس باز کرد آنرا و هر  
خواهد از او جدا کند خدا را سوره بنده و حاجت بشود و از او  
او داشت و سزاوار است اجتناب کردن از او  
از نظر من است و از جای که شکست بخشد و بسیار  
آید پس تحقیق که از آن باشد است از حضرت صادق علیه السلام  
از حضرت صادق که هر که از او جدا شود پس از او  
که آن مانده هر که نیست و در آن نشد نیست که هر که بیایم  
آنست پس ایکن حضرت امام حسین علیه السلام را در حق  
کشید و او را بدید و صدای آگاهی از برای او صد هزار  
و ستم می کند از صد هزار و در سیر و جزا داشت که از او  
یکه باشد صد هزار و بنده بایستد و آنچه کرده میشود  
بیت و وال با کتاب اخروی و درین باب مقدمه است  
نیکو فصل در حق طایفه کرده است و درین فصل

آنکه میفرماید صلی الله علیه و آله که هرگاه در ایام شنبه  
کشورده میشود در بالای آسمان و درهای بهشت و صفا  
میشود و عایش خوشاکی پاک را از اجزیه میشود برای آن  
حال صاعقی و در تیر کرده است نیز از پیغمبر صلی الله علیه  
و آله که فرموده که افتاب را از روز و آل حلقه است که داخل شود  
در آن پس هرگاه داخل شود در آن زایل میشود افتاب  
پس تسبیح میکند و پیغمبر که این عرض است بعد از آن  
من عرض جل و این صاعقی است که صلوات میفرستد بر آن  
دلالت بر روزگار من جل جلاله و فرموده است که در ماه شنبه  
و بر این من در آن ظاهر و فرموده است **أَفْرِغِ الصَّلَاحَ**  
**لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى الْعِشَاءِ** یعنی برای در آن ظاهر از روز و آل  
آفتاب نصف شب و الله تعالی اعلم و این صاعقی است  
که او را در آن شعبه را در روز و شب تسبیح میکند  
که موافق گفته باشد این صاعقی اینک فرموده باشد از  
تسبیح کردن بار و کعبه کنند و او است و او که است که او  
که او را در آن شعبه را در روز و شب تسبیح میکند  
که او را در آن شعبه را در روز و شب تسبیح میکند

این سخن بر صلی الله علیه و آله گفته بود که هرگاه زوال شود  
 کشیده میشود و در بالای آسمان و درهای بهشت و میوه  
 میشود و طایر خوشاکی تا که بال ببرد و شود برای آن  
 محل صالحی و در این کوه است نیز از سخن صلی الله علیه  
 و آله که فرموده که افتاب از زوال حلقه است که داخل شود  
 در آن پس هرگاه داخل شود در آن زایل میشود افتاب  
 پس تسبیح میکند و چون در این عرض است بعد از آن  
 من هر روز و این ساعتی است که صلی الله علیه و آله  
 در آن روز و در آن محل جل جلاله و فرموده که دست  
 و بر این من در آن نماز و فرموده است **أَقْرَبُ الصَّلَاةِ**  
**لِلرَّوَادِ الشَّمْسُ إِلَى عَشْرِ اللَّيْلِ** یعنی پای دار نماز روز و  
 آفتاب نصف شب و الله تعالی اعلم و این ساعتی است  
 که او بر نذر آن بجهنم را در روز قیامت پس نیست و حق  
 که موافق گفته باشد این ساعتی است که بوده باشد آن  
 مسجد کتبی بار کعبه کنند و استاده و مکر آنکه در  
 که او در حقایق تعالی و در او بر آن سخن و سزاوار است



بسم الله الرحمن الرحيم

صدق علیه السلام که هر کس بگوید خدایا من را از این دنیا ببرد  
 پس بگذرد و نخواهد بود از برای او اجر آن و هر چند بود  
 باشد حلیت چنانکه رسیدن او پس آن ضرورتی که در میان  
 چنین دلالت نمیکند مگر اینکه در میان در آمدن  
 میان اول وقت و نماز منافق توقیر آنست که منافق  
 در ایمن فضیله و قنوت زیرا که آن اری دیگر است و  
 توقیر نماز پس نماز بر کن و موقوف است انتظار کشیدن  
 و شرف شدن بسوی وقت آن چنانکه در این باشد  
 که پیغمبر صلی الله علیه و آله انتظار میکشیدند داخل شدن  
 وقت نماز که میفرمودند آیه شریفه لا یجوز علیکم  
 راحت را ای بندگان با اعلام کردن بیاختل شدن وقت  
 چنانکه فرموده است صلی الله علیه و آله فرمود  
 نماز است و اول وقت شروع کردن مسایط است و در آن  
 بعد از آن مسایط شدن آن بعد از آن مسایط شدن  
 پس بدین معنی که هر چند بایستد و بایستد این است  
 میشود که کشیدن سایر تالیفات که در این است

و هر چند بود باشد حلیت چنانکه رسیدن او پس آن ضرورتی که در میان

این وقت بگوید خدایا من را از این دنیا ببرد  
 پس بگذرد و نخواهد بود از برای او اجر آن و هر چند بود  
 باشد حلیت چنانکه رسیدن او پس آن ضرورتی که در میان

این کتاب در بیان احوال و عیال و کسب و معاش و غیره  
 در هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است  
 در هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است

خواجه ابوعبدی آتست در این روز میرسد سایه بانچه  
 که شدن آتست در آن روز با ملک و بطون و مشو  
 و این روز در سیدین آتست بطایع نصف النهار  
 یعنی نیمه نصف مابین مشرق و مغرب و معلومست  
 که اوضاع افق است در آن زمان اقالیم مختلف است  
 در آن زمان اقالیم می باشد و وقت مرطبان  
 در طرف جنوب از سمت الراس ایشان و در آن  
 در طرف شمال و در آن بعضی مقابل سوا ایشان و  
 پس در آن و در موضع اول در طرف می شود سایه در آن  
 وقت بلکه میماند و این وقت در آن ای کونای آن  
 از سایه کشیدن مشرق در طرف شمال یا جنوب و در آن  
 شروع سایه در آن اول وقت ذوالنست و در آن  
 نیم در طرف می شود سایه بالکلیه و اول ظاهر شدن آن  
 اول وقت ذوالنست و سایه شاخص را پیش از آن  
 ظل می کشند و بعد از آن می کشند و در آن  
 در آن وقت سایه در آن و در آن می کشند و در آن

این کتاب در بیان احوال و عیال و کسب و معاش و غیره  
 در هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است  
 در هر یک از اینها که در این کتاب مذکور است

12

Handwritten signature/initials.

بمقداری که داشت پیش از روز الوی یکدفعه فضا  
ناظر ظاهر را از این که بگذرد و بی ساینده است  
بگذار از ساری شاخص و وقت فضا را از این که  
بگذرد و بی ساینده است و وقت فضا را از این که  
ناظر کردن هر یک از فضا ظاهر و ساری اول وقت  
بمقداری که بگذرد و در آن ناظر از او کسی که ناظر است  
پیش از او نیست تا برای او ناظر از اول وقت فضا و ساری  
اینست که وقت ناظر ظاهر و از اصول او اینست که  
و اینست تا این که بگذرد و بی ساینده است و وقت  
شاخص هر یک از اینست که فضا هر شخص بعد  
قد است بقدم خودش و وقت ناظر از او اینست  
میکنند از فارغ شدن از ظاهر است تا این که بگذرد  
بگذار قدم و بعضی از علمای ما بر آنند که یکدفعه  
این ناظر است که وقت فضا را از این که ناظر  
ظاهر تا این که بگذرد و بی ساینده است و وقت  
بگذرد و بی ساینده است و این قولی است که در کتاب

[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰

۱۰ که از فضیلت حضرت عقیقه



معتبر دلاله بیان هست بلکه در بعضی احادیث  
 واقع شد آنچه دلاله میکند ظاهر را آنچه در این  
 توسع است چنانکه در لیکر دلاله است شیخ طایفه در بیان  
 بسندی صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرموده اند  
 غیر از این دلاله است هرگاه آورده شود آن قبول کرد میشود  
 پس مقدم دان هر چیز و خواهی و می توان هر چیز را خواهی  
 و لیکن غایت آنم کسی از علمای ملای که عمل کرده باشند  
 مستغاف میشود از اطلاق این دو لایق از توسع در حدیث  
 و اخیر و کما مراد بقدر ایماد است و بنابر ضابطه  
 اعلم و مشهور میان علمای مافوق الله و اسماء نیست که  
 جایز نیست اعتماد بر نقل یا نقل شدن وقت مکرر احادیث  
 بر تحصیل علم پس جایز نیست در این اعتماد بر خبر یکمالات  
 و نه بر اذن شهر و هر چند می توان چاره باشد مگر بکار  
 علم ظاهر و ظاهر کلام مخفی و معتبر نیست که جایز است  
 اعتماد بر همان که عادل اما خبر دو عادل یا از ایشان  
 پس ظاهر همان اعتماد نیست و هر چند قادر باشد

این حدیث در بعضی نسخ و در بعضی نسخ دیگر

این حدیث در بعضی نسخ و در بعضی نسخ دیگر

در علم زیرا که علم شرعی حاصلست بآن وسر اوست  
 اند برای کسی که اعتنا داشت باشد نشان اوقاف و اهتمام  
 بدر یافتن فضیله اول وقت اینکه امداده کرده باشد بوقت  
 خانه خود یا بر روی بام خود خوب راستی که نصب کرده  
 در مکان همواری و باید که آن راست نصب شده باشد  
 بر خوی که هیچ طرف میل نکرده باشد و قمری کرده شده  
 باشد به سمت حقیر در هر گاه برسد سایر نهانیه نقصان  
 و ابتدا کند در زیادت یا در حاد شدن پس شروع  
 کند در ناظر ظهر اگر کسی است که توفیق داده است خدا  
 تعالی او را بر یک معامله بجا آوردن نوافل یا در ادای  
 ظهر در اول وقت آن اگر چه در وقت از اول معاف و مختور  
 کنند راجع هر گاه بگذرد بگذرد و هیچ شاخص باشد  
 این بنا بر خلاف مشخص شود برای ناظر گذار هر وقت  
 وقت ناظر ظهر پس اگر در وقت هنوز تمام نکرده باشد  
 و گفته آنرا خود دهد ناظر را و مشغول شود در پیشگاه  
 تمام کرده است یک گفته آنرا و ای که فراموش نشود که باقی

شد باشد از فکر بجا دویم و هر چند نداشت باشد  
هر روز از آن پس مقدم دار فلهفت و کعبه را بی رخصه  
و ظاهر آنست که شش رکعتی درین هنگام ادا  
نمایند که هشت رکعت و حکم یکسان است بعد از آن میگردانند  
نماز ظهر را و مخصوص میکنند سایر را بعد از آن پس اگر کسی  
باشد چهار سبوع یا خمس یا دو لیلت بنا بر این  
گذشت از خلاف پس شروع میکند در نافله عصر  
در پیشین باشد آن معلوم میشود و بیرون رفتن  
آن و خواهد بود غایب آن در زکات آن و مقدم داشتن  
بر فرضه مثل حال نماز ظهر چنانکه گذشت و اینچنین  
شد و غیره و در جمعه است و در جمعه زیاد میشود  
بهین و هشت رکعت چهار دیگر و میگردانند بین نیست  
رکعت هجده رکعت و پیش از زوال رکعتی که سر حصه  
گرفته باشد آنرا طاعت آنرا که شش رکعت باشد در وقت  
بهرین و افتاب و ثلث دیگر در وقت بلند شدن  
آن و ثلث دیگر در وقت است ایستادن آن و میگردانند

دور که تباری را بعد از زوال فصل اول انجیر بیاورد  
 بعد از آن شخص شدن زوال نیست که خواص انجیر را بر  
 کرده است رئیس عدلین در فضیله که حصن باقر علیه السلام  
 تعلیم کرده است آنرا محمد بن مسلم و قمر موده است و در کتاب  
 کن برین جهان که حافظه میکنی بر چشمهای خود و این است  
 سبحان الله ولا اله الا الله والحمد لله الذي خلق  
 ما كنت تدري من خلقه فذكر اوله واسباب من خلقه  
 يتخذ وكذا ولا يمكن له شريك في الملك ولا  
 من لا يدركه قدرته وبقية از برای او شریکی در نیاید تا بقیامت  
 يمكن له وفي يومئذ النزال وكثير تكبرا  
 از برای او و در وقت از برای او و تعلیم کن از برای او  
 بعد از آن بستانب دیوی و صنوه بعد از آن شروع کن  
 در ظاهر و باطن نیست میکنی دور که اول او میکنی  
 آنوقت تکبیر را با دهامای آنها بر بخوری که در شش  
 از برای او بعد از آن میکنی اعوذ بالله من الشيطان  
 الرجیم و بخوان بعد از آنکه در دور که اول بخوان تو چند

الطاهر عن غفوة الزوال

تغییر از برای او و بقیامت

علیه

و در کمره دوم مسنون بخدا چنانکه روا کرده است  
 نفر الاسلام در کافی است که حسن عبداللہ السلام  
 و میگوید آنست که بگوید که عبداللہ از دست است چنان  
 گذشت و تسبیح همراه علیها السلام و عبداللہ از آن  
 اللهم انی ضعیف فقوی برضاک ضعیفی و قوی  
 الی الخیر ربی ضعیفی و اجعل الایمان مشغولی  
 و بارک لی فیما اقممت لی و طبعی بر حلاله کل  
 الذی از حیوانیت و اجعل لی و قیام و بیروا  
 المؤمنین و محمد احدثک فضل الانبیاء  
 گفته میشود که از علما و آنها عبداللہ از دور کمره دیگر

و در کمره دوم مسنون بخدا چنانکه روا کرده است  
 نفر الاسلام در کافی است که حسن عبداللہ السلام  
 و میگوید آنست که بگوید که عبداللہ از دست است چنان  
 گذشت و تسبیح همراه علیها السلام و عبداللہ از آن  
 اللهم انی ضعیف فقوی برضاک ضعیفی و قوی  
 الی الخیر ربی ضعیفی و اجعل الایمان مشغولی  
 و بارک لی فیما اقممت لی و طبعی بر حلاله کل  
 الذی از حیوانیت و اجعل لی و قیام و بیروا  
 المؤمنین و محمد احدثک فضل الانبیاء  
 گفته میشود که از علما و آنها عبداللہ از دور کمره دیگر

این دعا را در کمره دوم مسنون بخدا چنانکه روا کرده است  
 نفر الاسلام در کافی است که حسن عبداللہ السلام  
 و میگوید آنست که بگوید که عبداللہ از دست است چنان  
 گذشت و تسبیح همراه علیها السلام و عبداللہ از آن  
 اللهم انی ضعیف فقوی برضاک ضعیفی و قوی  
 الی الخیر ربی ضعیفی و اجعل الایمان مشغولی  
 و بارک لی فیما اقممت لی و طبعی بر حلاله کل  
 الذی از حیوانیت و اجعل لی و قیام و بیروا  
 المؤمنین و محمد احدثک فضل الانبیاء  
 گفته میشود که از علما و آنها عبداللہ از دور کمره دیگر

این دعا را در کمره دوم مسنون بخدا چنانکه روا کرده است

حرکت از این دو میخوانی بعد از هر یک از این دو رکعتها یعنی  
 دو رکعتی که مذکور شد بعد از آنکه تمام کردی شش  
 رکعت بر این اوقات پنج این هر مضمری و اذان میگوئی  
 ان شاء الله و فاصله میکنی میان اذان و اقامه بعد از  
 رکعت دوم همان منوال و این دو رکعت هفتم و هشتم  
 ان شاء الله بعد از آن اقامه میگوئی و میگوئی بعد از آن  
 اللَّهُمَّ رَبِّ هَذَا الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلَاةِ



۱  
وین

نمادگور شد و سکون بعد از آن سکون لا اله الا الله  
به اله و احدا و حق له سامون تا آخر دعا چنانکه  
در عقوبت جمع بعد از آن تسبیح میکنی تسبیح حق  
ظاهر و مخفی و هر چه را خواهی از دعاها که پیش  
کردیم در عقوبت جمع هر ذکر هادی که مخصوص عقوبت  
صحت و دعاها که منضم ذکر دخول و صیانت  
مثل آن دعا می خوانی ظاهر الجمیل بعد از آن

او کسی که ظاهر دعا است بگوید

وَسُبِّحَ الْقُدُّوسُ بِالْمَنْ لَمْ يُولَدْ اَحَدًا بِالْحَمْدِ بِرَبِّهِ

وَلَمْ يَمُتْكَ السَّيِّدُ بِالْكَرِيمِ الصَّغِيرِ بِالْعَظِيمِ الْمُنِ

بِالْحَسَنِ الْجَاوِزِ بِالْوَاسِعِ الْغَفَرِ بِالْوَاسِعِ

الْمُكَدِّرِ بِالرَّحْمَةِ بِالسَّامِعِ كُلِّ شَيْءٍ

در این دعاها که در عقوبت جمع هر ذکر هادی که مخصوص عقوبت صحت و دعاها که منضم ذکر دخول و صیانت مثل آن دعا می خوانی ظاهر الجمیل بعد از آن او کسی که ظاهر دعا است بگوید



۱۰۰۰  
 ۱۰۰۰  
 ۱۰۰۰

كُلُّ شَيْءٍ يَأْتِيكَ بِالْإِيمَانِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهِ

هر کتابی ایستاده بهیچا پیش از استحقاق آنجا

يَرْفَعُهُ يَا رَافِعُ يَا رَافِعُ يَا سَيِّدَنَا يَا مُسَيِّدَنَا يَا مُسَيِّدَنَا

ای سید ای سید ای سید ای سید ای سید ای سید

بِإِعَانَةِ رَبِّنَا، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

ایمایت از روی صاحب بود که **استغفر** و کوی فاسقین سلام بکنم

بِحَسْبِ مُنْجِدٍ وَعَلَى وَفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى

عن محمد بن علي وفاطمة وحسين وحسين بن علي

محمد و جعفر و موسى و علي و محمد و علي و آله

محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن

وَمُحَمَّدٌ نَاجِبُ الْوَقْتَيْنِ سَلَامٌ لِلَّهِ عَلَيْهِمُ

و محمد صاحب زمان در عهد سلطنت برهان پاد

عليهم اجمعين ان تصلي على محمد وآل محمد

اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ كَلِّفَ وَتَعْرِضَنِي وَتَقْسِمَنِي وَتُفْجِرَنِي

و این که بهر آنکه از خود و او بیاموزی گفتار او را از این که می‌خواهم و از رخ

100

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

هَوِّنْ رَحْمَتُكَ شَانِ وَبِحَبْلِ وَبِقِلَافِ وَأَنْ تَنْجِي  
بِهِمْ مَرَا وَاصْلَحْ لِي خَالِدًا دَرْدِينِ مِنْ دُنيَايِ مِنْ وَلِيكَ وَلَقَدْ كُنَّا  
الْحَيَّةَ وَلَا تَسْمُوحَ خَلْقِي الشُّرَّ وَلَا تَقْعَلْ بِنَا  
بِهِ فِشْتِ وَرَضْتُمْ كَرِهَ لِي الْأَمَامِ رَأْيِ أَتَمَّ وَتَكُنْ بِأَمْنِ أَغِيهِ وَأَمْنِ  
أَنَا أَهْلُهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هَذَا زَكَرِيَّا  
شَرَّاهُ وَأَمَّ بِرَحْمَتِ تَوَاسِي رَحْمَتِهِ تَوَاسِي رَحْمَتِكَ

يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَيَا جَامِعَ كُلِّ مَوْتٍ يَا أَرْحَمَ  
أَيُّ شَيْءٍ هُوَ وَأَرْحَمُ أَيُّ جَمْعٍ كُنْتُمْ مَرُوفَةً أَعْلَى رُفْدِ  
الْمَنْقُورِ بِسَمْعِ الْمَوْتِ يَا أَرْحَمَ يَا أَرْحَمَ يَا أَرْحَمَ  
فَقَدْ بَعْدَ أَنْ كُنْتُمْ سَمْعِي بِكُلِّ شَيْءٍ أَيْ سَمْعِي بِكُلِّ شَيْءٍ  
لِلشَّادَاتِ يَا إِلَهَ الْأَلْهَةِ يَا جَبَّارَ الْجَبَلِ يَا  
مَوْلَاكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ يَا رَبَّ الْأَرْسَالِ  
الْمَكُولِ يَا بَاطِنَ الْبَاطِنِ يَا بَاطِنَ الْبَاطِنِ  
بَلَدًا يَا بَاطِنَ الْبَاطِنِ يَا بَاطِنَ الْبَاطِنِ

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

يَا مُعِينُ يَا فَعَالُ الْاَمَارِ يَا مُحْصِيَ عِلَالِ الْاَشْيَاءِ

ای یاور و یاری کننده ای که همه را بر حسب اندازه گردانیده و شمارده و محاسبه کرده

وَقَتْلِ الْأَمْثَالِ يَا مَنْ السَّيُّعُ عَشْدُ عَلَانِيَةٍ

و حرکت قتلها ای کسی که بهمان نزدای انکار است

أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ

سوال میکنم تو را بحق تو که داری بر کز بد تو از خلق تو

وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي وَجِبَتْ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ

و بحقیقت ایشان که واجب کرده بر نفس خود

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او و آل محمد

الشَّاعَةِ السَّاعَةِ بِفَعْلِكَ رَقَبَتِي مِنَ الشَّادِ

در این ساعت همین ساعت بخلاص کند گردن من از شاد

وَأَنْ تُخْرِجَ لَوْ كُنْتُ وَأَنْ يَسْلُبَكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ

و اینکه عیار او را از برای دوست تو و بر من که خوار است

بِأَمْرِكَ وَأَمِينِكَ فِي أَرْضِكَ وَعَيْنِكَ فِي عَمَّا

بر حجت تو و امین تو در زمین تو و دیده ای من در زمین

و در این ساعت بخلاص کند گردن من از شاد و اینکه عیار او را از برای دوست تو و بر من که خوار است

یعنی بر کز بد تو از خلق تو  
مقام مضاعف میشود

مراد حضرت محمد و آل او است  
طوالت خط غلطی

وَجْعَلْ لَكَ خَلْقَكَ عَلَيْكَ صُلُوًّا مَبْرُكًا

وَجْعَلْ لَكَ خَلْقَكَ عَلَيْكَ صُلُوًّا مَبْرُكًا

وَعَنْ أَلَلِّمُ تَائِدًا بِنَصْرِكَ وَأَنْصُرَ عَبْدَكَ وَتَوْ

وَعَنْ أَلَلِّمُ تَائِدًا بِنَصْرِكَ وَأَنْصُرَ عَبْدَكَ وَتَوْ

أَصْلَابِهِ وَصَبْرِهِمْ وَأَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ أَمْرِكَ سُلْطَانًا

أَصْلَابِهِ وَصَبْرِهِمْ وَأَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ أَمْرِكَ سُلْطَانًا

بَصِيرًا وَعَمَلٍ وَرَحْمَةٍ وَمَكْنَةٍ مِنْ أَعْدَائِكَ

بَصِيرًا وَعَمَلٍ وَرَحْمَةٍ وَمَكْنَةٍ مِنْ أَعْدَائِكَ

أَعْدَائِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بَعْدَ ذَلِكَ

أَعْدَائِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بَعْدَ ذَلِكَ

أَلَلِّمُ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ

أَلَلِّمُ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ

السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ

السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ

وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ

وَجْعَلْ لَكَ خَلْقَكَ عَلَيْكَ صُلُوًّا مَبْرُكًا

وَجْعَلْ لَكَ خَلْقَكَ عَلَيْكَ صُلُوًّا مَبْرُكًا

وَجْعَلْ لَكَ خَلْقَكَ عَلَيْكَ صُلُوًّا مَبْرُكًا

وَجْعَلْ لَكَ خَلْقَكَ عَلَيْكَ صُلُوًّا مَبْرُكًا

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

وَأَسْرَأِيلَ وَرَبَّ السَّيَمِ الْمُسْلِمِ وَالْقُرْآنِ -

وَأَسْرَافِ وَيَسْرِفُونَ سَوْفَ يَنالُهُمْ وَعَذَابُهُمْ أَشَدُّ

اعظم و دت محمد حاتم المصطفى بن محمد علي محمد  
عظيم و برادر محمد حاتم مصطفی بن محمد

وَالْحَمْدُ وَإِسْمُكَ يَا عَظِيمُ الدَّيْنِ

والنجد وحوالینک تورا باجناس اعظم تو که بان

بِأَسْمَاءِ الْإِنْسَانِيَّةِ  
وَمِنْ رِوَايَاتِ زَيْنِ عَبْدِينَ

وَتَزِنُوا الْأَخْيَارَ وَتَعْرِفُوا بَيْنَ الْمُتَحَدِّثِينَ

وَرَوْنَهُ يَرْوِنُهُ زَيْنُ حَارٍ وَبِرَأْسِهِ كَلْبٌ خَالِدٌ فِي بَيْتِهِ خَالِدٌ فِي بَيْتِهِ خَالِدٌ فِي بَيْتِهِ

میان بر آنده شد بیان شمرده عدد (جمله)

وَوَزَنَ الْجِبَالَ مَوْكِلَ الصِّبَا لَنَسَأَلَنَّهُ يَوْمَئِذٍ

ووزن کلاهما . وکلها یاها سوالیلم نور المای

کہ اگرچہ اس وقت تک کہ میری عمر پندرہ سال کی تھی، لیکن میری طبیعت میں ایک ایسی بات تھی کہ میں نے اپنے والدین کی ہر بات کو مان لیا۔

... ..

*[Faint handwritten Persian script, likely bleed-through from the reverse side.]*

کند بر خیلان سون و در نازهای واهی و سنی خود

[illegible]

ماتمده کاغذی است که در اختیار  
نظامی و غیر نظامی است که در اختیار

و فرمود که در این دعا ای تعالی بر او و بر عیال او و بر همه ذرات عالم  
 اعمال او و بر بدست راست او و حساب کند او را حسابی که  
 و هر که از حضرت طاهر السلام که بسیار تلاوت کند سوره  
 الحاقه بر او نازل های و لاجب و سنت زیرا که این سوره از جمله آیات  
 بخداست تعالی و بر رسول است و هر که از این سوره بخواند و از خود  
 آن ایمان و اوست که هر چه در بعد از این رخ شدن از دست او که اول  
 اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيمُ  
 خدایا بدی که نیست خداوندی که تو موقت زنده بودی با طهارت

این دعا را از کتاب  
 ...

الْعَظِيمُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ الْخَالِقُ الْوَظُّوُ الْمَخْرُجُ الْغَنِيُّ  
 بزرگوار بزرگوار و خدایا که آن همه را خلق کرده و زنده کرده  
 الْبَدِئُ الْبَدِيعُ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمُنَى وَلَكَ الْكِرَامُ  
 این دعا را که تو بدی و او زنده از برای توست پاس از برای توست و از برای تو  
 وَلَكَ الْحُودُ وَلَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ  
 و از برای توست و در این دعا است اس تهان نیست شریک از برای تو  
 يَا وَاحِدُ يَا سَمَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَا يَلِدُ وَلَا يُولَدُ وَلَا يَكُنْ  
 ای یگانه ای که هیچ پدری ندارد ای که نمی آید و زاده نمی شود

این دعا را از کتاب  
 ...

لَمْ يَكُنْوا أَحَدًا وَلَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهُ وَالْأَوَّلُ فَاصِلٌ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا صَدَقَ

میکنای و دیگر میگویند اهلان اللهم

وَيَكُونُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ نَبِيُّهَا

يَا مَعْشَرَ كُتُوبٍ يُوقَدُ يُؤْتَيْنِ بَشِيرًا لِّالَّذِينَ هُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مُنْتَهِيْنَ ۚ

تَقْدِرُ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاصْبِرْ

لَمْ يَخْشَ مِنْ الْعِزَّةِ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَلَوْلَا



سَأَلْتُكَ وَأَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوال میکنم تو را و من بنده تو ام ایستاده رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تُسَجِّبَ لِي كَمَا سَجَّيْتَ لِي وَأَدْعُونَ بِنَا

و ایستاده اجابت کنی از من چنانکه اجابت کردی از من و دعا خوانی بر ما

وَعَاكَ يَوْمَ عَبْدِكَ أَيُّوبَ إِذْ مَسَّهُ الضَّرُّ فَذَكَرَكَ

و خوانی دعا را روز بنده تو ایوب چون بدید که او را شد ضربه

الْحَيِّ مَسَّى الضَّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْ

پندار که من بنده است ایوب و تو رحمت کننده ترین و رحمت کننده ای را اجابت کن

لَهُ وَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَأَنْتَ أَعْلَمُ الْغُيُوبِ

او را و رفع کردی آنچه را با او بود از غیب و تو دانای غیوب

مَعَهُمْ فَانْزِلْ دُعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا

با ایشان پس نازل کن دعا را و او بنده تو است و من میخوانم تو را و من

عَبْدُكَ وَسَأَلْتُكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَأَنَا سَأَلْتُكَ وَأَنَا

بنده تو ام و سوال میکنم تو را و او بنده تو است و من سوال میکنم تو را و من

عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرْجِعَ

بنده تو ام ایستاده رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بازگردانی کنی

عَنِ الْكَرْبِ عَنْهُ وَإِنْ تَقَرَّبَ إِلَى الْكَرْبِ

افرن چنانکہ ذیل ذکر ہے اور وائیکہ لہجہ آپ کی مراد ہے چنانکہ لہجہ

لَا تَدْعُوا إِلَىٰ عَدَاوَاتِهِمْ يَوْمَ يُنْفَخُ السَّمَاءُ كِذِّينَ

برای او و من میخوانم قد باخدا خواندند ایابوسف در وقتی که جدا شدند

وَمِنْ أَهْلِهِ وَأَذْهُوِي الشَّيْخِ فَاتٌ دَعَا لَهَا

و میانه اصل او در دهه های که او در زندان بود پس بقی که او خواند

عَبْدُكَ وَأَنَا أَدْعُوكَ وَأَنَا عَبْدُكَ وَسَيِّدُكَ وَأَنَا

شده توبه و عفو الهی نماید و عفو شده تمام بر او کند توبه او را

عَبْدُكَ وَلِأَبِكَ وَأَتَعْبُدُكَ أَنْ تَصِلَ عَلَى

منزه تو بود وین سوال میگفتی که باور منبذ نوام ؛ اینکه رحمت برتر است

مُحَمَّدٌ وَالْعَمِيدُ وَإِنْ تَفَرَّجَ عَنِّي كَأَمْرِيَّتْ عَنْهُ

محمد وال محمد و اینک زایل کنی از من جهانکده زایل گردی

وَأَنْ تَسْجُدَ لِمَا اسْقَيْتَهُ فَصَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ

و اینکه اجابت کنی از برای من چنانکه اجابت کردی برای او پس رحمت تو بر من

وَالْحَمْدُ وَأَعْلَى كُنَّا وَكُنَّا وَكُنَّا حَبِ

والله اعلم بالصواب

خود را و بعد از آن میگذارد و هر که تا آخر را میگوید بعد  
از آنها با من اظهار تحمیل و سب و القیع تا آخر آن و بعد از آن فارغ شد  
ازین اذنان میگویند از برای نماز عصر و فاصله میکنی میان آن  
و اقامه سب و دعا میکنی یا بچه گفتند در صبح و ظهر بعد از آن  
مشغول شویند عصر را طریقه کردند جمیع ادب آنرا که سابقا  
مذکور شد و میخواند در رکعت اول از اجماع منقول و القیع الحکم  
الشیکار و مانند آنها را در رکوتای هر نماز که روا کرده است آنرا  
شیخ طالق در تہذیب الخوض صادق علیہ السلام است  
جمیع بعد از فراغ شدن از نماز قضیب میکنی یا بچه  
گفتند که در ظهر مگر آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
آنحضرت مخصوص استغفر الله الذي لا اله الا الله صبر استغفر

طلب از حق حکم از خدا که نیست خدا دان

الْأَمْوَالُ الْحَقُّ الْقَيُّومُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

مکرم و عزیز و زنده و بخود پایا بخشاینده هر چه صاحب بزرگواری

و سأل أن يتوب على توبة عبد فيلعل خاضع

و سأل حکم نمود آنکه توبه کند بر توبه بنده خوار و فروتنی کند

یا محمد بن عبد الله

لا تَسْأَلُ مَنْ تَسْأَلُ لَمْ يَكُنْ لَكَ خَيْرٌ وَلَا أَشَدَّ  
 وَلَا مَوْنًا وَلَا حَيَاجًا وَلَا تَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرَ لَكَ  
 مَنْ يَغْفِرُ لَكَ ذَنْبَكَ وَهُوَ يَكْفِيكَ خَلْقًا وَنَدَابًا  
 مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ عِلْمٍ  
 لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صُلَاحٍ لَا تَرْفَعُ وَمِنْ فَسَاحٍ دَعَا  
 لَا يَكْتُمُ اللَّهُ فِي سَأَلِكَ الْبُشْرَى بَعْدَ الْبُشْرَى  
 وَالْفَرْجَ بَعْدَ الْكَرْبِ وَالرَّخَاءَ بَعْدَ الشَّقَاءِ اللَّهُمَّ  
 مَا مِنْ نِعْمَةٍ قَبْلَكَ وَتَحْتَ لَإِلَهِكَ إِلَّا أَنْتَ  
 وَأَنْتَ إِلَهُكَ وَسَعَتُكَ تَحْتَ أَسْفَلِ عِلَاقِ  
 وَتَحْتَ مِثْقَلِ حَبَّةٍ مِنْ خَلْقِكَ

(الحمد لله رب العالمين)

(الحمد لله رب العالمين)

(الحمد لله رب العالمين)

[illegible]

وَالْمُحَدِّثُ وَالْقَبِيلُ إِلَى بَنِي خُزَيْمَةَ وَارْحَمَهُمُ اللَّهُ

دُعَايِ اِلٰه الْعَالَمِيْنَ      مَضْمُونِ كَرْدَش

باجه و باجها را از آنجا که از آنجا که

[illegible]

سلام الله عليهم واذن برای عزیت از آنها عاینیت مخصوص

آنست و تحقیق که ما ذکر کردیم دعا های چهارم است که:

منسوبة إلى محمد بن ابراهيم بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب

طاهر بن محمد بن عبد الله بن أحمد بن حنبل

لاکھوں روپے کا مال ہوا۔

محرمانه و این را حصص بفرستد و این دعا را بخواند

وہذا نیست کہ جو ان نیز الہامیت بعد از توحید بیان نمود

مَدِينَةُ نَوْرُ

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَعْلَمُ الْغَيْبُ الْأَخْفَى

عذابی کہ میت خدای مکرر و عجب شدہ خود را از انکار

ANNALS

سید و بیگم خواجہ صاحبہ

بر منگی و نه خویش اوست انکه نیست خدای مکرر و نامای پنهان



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

الفقير المستكين وادعوك تضرعا وخفيا  
تقربا وحتاج وبنو ام قد ازای کشته و پناه کشیده  
لا تحب العتدين وادعوك خوفا وطمعا ان  
دوست نیندا دازد کندن کار او و بنو ام تو را تو برسان و طمع کشده  
رحمتك قريب من المحسنين واتوسل اليك  
که رحمت تو نزد یکت بنیکو کاران و توسل بشوم برکت  
و محبتك و صفوتك من العالمين الذين جاء  
بر کثرت تو و انتخاب کرده شده تو از جمله عالمان انکه لودوات  
الصديق وصدق المرسلين محمد عبدك  
محمد دا و صدیق کده است رسولان تو را محمد بنده تو  
و رسولك الشفيع المبين و يوليك و عبدك  
تو رسول تو که ترا شفیع است و ظاهر و بولت تو و بنده تو  
علي بن ابي طالب امير المؤمنين و الامام  
علی بن ابی طالب امیر مؤمنان امام  
محمد بن علي باقر علوم الاولين والآخرين  
محمد بن علی باقر علوم پیشینان و پسینان

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين



این کتاب در دسترس نیست  
در کتابخانه عمومی

و اما بنا بر این کتاب ظاهر و سوال می شود

الغالب بنحو اول کتاب المستبین و سئل

بمکانی که عندک و اقلی هم لغای و بین بدک

این عبارت اینست که در میان که مقدم می دهم این را از آنچه پیش

خواهی آن تو را می شکر ما اولی می فرماید

حاجت ما به ای که در میان ای شکر الهی نعمت و انوار

و تجللی فرج او محترمان کل کرب و غم

و بکره از بلاء و کساد و برون رفتن از هر اندوه

و روزی که من حیث احش و من حیث

و روزی که من حیث احش و من حیث

احش و یسری من مضلک ما فتنی

فان فنام و میرکن از براء از ان فضل و فیه غم کو طای

من کل مطلب و اقلی من قلبی من جاک و من

از هر ۱ مطلبی و پیدا شود دل من امیدوار

و جاک من سوال سخی لا ارجو الا ان یجیب

و جاک من سوال سخی لا ارجو الا ان یجیب

اللهم انادعاليك وتغيب الملامت اذا ناديت

خواهد در هرگاه بخواند و بفراموشی تقدیر و امرگاه او را گذرد

واغت انهم الزاحمين واطلبهم ششم در این روز

وودم کتوبین دم کتکاف مقلد چهار رکعت است از نماز

تا نماز ظهر از بعضی ضیاع است علیه السلام و این دعا

آهست و خوبست که بخوان این را بعد از هر رکعت ششم از نافه

اللهم انت اولك العرش بر حشر و عذاب الميز

خواهد انور و ستاده باران را بر حشر خود و دانسته غیبه

بجنتك و حررت الامور بحکمتك و ذلت القضا

با افاضه خود و تدبیر کرده کارها را بحکمت خود و اسان کرده خود را

بسنوك و اعجزت العقول عن علم كيفك و

تعلیه خود و عجز کرده عقلماران از دانستن چگونه خود و

جبت الاضلاع عن اذلال الجففت والافوا

بر شانه دیده هارا از ضایق صفت خود و هموار

عن حقیقه معرفتک و اضطربت الاقدام

از حقیقت شناختن خود و مضطرب گردانیده قدمها را

و دعا للناجاة اوله  
بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله  
والحمد لله رب العالمين  
اللهم انادعاليك  
وتغيب الملامت اذا ناديت  
اللهم انت اولك العرش  
بر حشر و عذاب الميز  
اللهم انت اولك العرش  
بر حشر و عذاب الميز  
اللهم انت اولك العرش  
بر حشر و عذاب الميز

وخرج من بين يديه وسكونه في كل وقت من كل وقت  
 الى الاوتار بوخطائك من رحم الجبروت وبقول  
 اقول يا كافي بنود اي كافي كرمي كذا لك راوي كذا  
 انصر لك العرق والعذبة لا يرب عنك في  
 لغز والذين في قلبه وقدرت يمانيت ازود  
 الارض ولا في السماء شغال ذوق اليوتل لك  
 زمني وثق در احسان هتاك موجود تولا جود  
 النبي الاتي محمد رسولك العربي المنكي المدة  
 بعهد ابي محمد رسولك عربي ملك مدد  
 الحاشي الذي اخبرنا من الظلمات والنور  
 هاشمي انك يروا صغار ابيك اذ يركب امره  
 يا امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام  
 ويا امير المؤمنين علي بن ابي طالب بياو ام مدد  
 الذي شحنت بولامته الصلوة والاحكام  
 انك وسعت داه يد حقاو بينا امام  
 جعفر بن محمد الصادق في الاحياء والمؤمنين  
 جعفر بن محمد كذا است كونه مدد كذا راوي كذا

وخرج من بين يديه وسكونه في كل وقت من كل وقت  
 الى الاوتار بوخطائك من رحم الجبروت وبقول  
 اقول يا كافي بنود اي كافي كرمي كذا لك راوي كذا  
 انصر لك العرق والعذبة لا يرب عنك في  
 لغز والذين في قلبه وقدرت يمانيت ازود  
 الارض ولا في السماء شغال ذوق اليوتل لك  
 زمني وثق در احسان هتاك موجود تولا جود  
 النبي الاتي محمد رسولك العربي المنكي المدة  
 بعهد ابي محمد رسولك عربي ملك مدد  
 الحاشي الذي اخبرنا من الظلمات والنور  
 هاشمي انك يروا صغار ابيك اذ يركب امره  
 يا امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام  
 ويا امير المؤمنين علي بن ابي طالب بياو ام مدد  
 الذي شحنت بولامته الصلوة والاحكام  
 انك وسعت داه يد حقاو بينا امام  
 جعفر بن محمد الصادق في الاحياء والمؤمنين  
 جعفر بن محمد كذا است كونه مدد كذا راوي كذا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

عَلَى مَكُونِ الْأَسْرَارِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ

بِر بوشه سرها رحمت کده خدا بر او و بر اهل

بَيْتِهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ

بیت او دیشام و صبح خداوند بدست تو که من و تو را که من و تو را

أَسْتَشْفِعُ بِكَ بِكَ لَدَيْكَ وَأَقْدَمُهُمْ عَلَيَّ مِنْ

و شفاعت بچون من نزد ایتان تو و مقدم سلام ایتان بر من خود

بَدَنِي حَوَالِي فَأَعْطِنِي الْفَرْجَ الْهَيِّ وَالْمَخْرَجَ

بدن من حوالت خود من مطلق کن من کنایه از امان و بیرون رفتن

الْمَوْجِي وَالْمَصْنَعِ الْقَرِيبِ وَالْأَمَانِ مِنَ الْفَرَجِ

روز و احسان نزدیک و امان از هول

فِي الْيَوْمِ الْعَصِيبِ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي مَوْجِبَاتِ الدُّعَا

در روز سخت و اینکه پاس من از بدترین ملامت کنایه

وَكُنْ عَلَيَّ فَاحْضَاتِ الْعُيُوبِ فَلَنْتَ الرَّبَّ

و بوشانی بر من رسوا کنده ای مجبور این تو پروردگار من

وَأَنَا الْمَرْبُوبُ وَالْطَّالِبُ بِرَأْسِ الْطَلُوبِ

و من بخدمه تو که من طلب کننده ام و تو طلب کننده شده

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين



A black and white photograph showing a close-up of a highly textured surface. The texture is irregular and fibrous, resembling a rough wall, a piece of coarse fabric, or perhaps a large, dense pile of organic material like moss or lichen. The lighting creates strong highlights and deep shadows, emphasizing the three-dimensional quality of the surface. The overall appearance is one of natural, unprocessed material.

الْبَصْدُ الْمَطْلُوعُ عَلَى خَفِي السِّرِّ تَأْخِذُهُ كُلُّ نَجْوَى

سینه واکا، برینان صرانی نهایت هر داز

وَمِنْهُمْ كُلُّ شَكْوَىٰ يَأْتِيهِ الْخَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ

و منتهی هر نهایت ای کسی که از برای اوست سیاسی جدا خوره و

الاولى اِمنْ خُلِقَ الْاَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى

دینا الحاکمی کہ افتریدہ استعمین و احیائے ہندو

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

بسیار مهربانست بر عرش مستوی شده از برای دوست و انجمن و اما

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَىٰ

و آنچه در زمین است آنچه میانهاست و آنچه در خاکست

وَأَنْ يَجْهَرُوا بِالْقَوْلِ فَإِنْ يَعْلَمِ السِّرُّ وَخَفِيَ اللَّهُ لَا

و اگر بلند می کشی گفتگو را پس بدرستی که گویم در سر او بنیان قرار آید

لِللَّهِ الْأَمْوَالُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى اسْأَلْتُكَ بِحَقِّهَا

استخوان و مکر و از برای او شده های بنیکو سوال میکنم چه باقی میماند

النَّبِيِّ رَحِمَكَ مِنْ خَلْقِكَ وَالْمُؤْمِنِ عَلَى

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ يَا مَنْ أَرَادَ بِخَلْقِهِ مَا يَشَاءُ

عَنْ الْأَوَّلِ إِلَى الْآخِرِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَكَرَاهِيَةِ السَّادَةِ الْكُتُبِ

1. 2. 3. 4. 5. 6. 7. 8. 9. 10. 11. 12. 13. 14. 15. 16. 17. 18. 19. 20. 21. 22. 23. 24. 25. 26. 27. 28. 29. 30. 31. 32. 33. 34. 35. 36. 37. 38. 39. 40. 41. 42. 43. 44. 45. 46. 47. 48. 49. 50. 51. 52. 53. 54. 55. 56. 57. 58. 59. 60. 61. 62. 63. 64. 65. 66. 67. 68. 69. 70. 71. 72. 73. 74. 75. 76. 77. 78. 79. 80. 81. 82. 83. 84. 85. 86. 87. 88. 89. 90. 91. 92. 93. 94. 95. 96. 97. 98. 99. 100. 101. 102. 103. 104. 105. 106. 107. 108. 109. 110. 111. 112. 113. 114. 115. 116. 117. 118. 119. 120. 121. 122. 123. 124. 125. 126. 127. 128. 129. 130. 131. 132. 133. 134. 135. 136. 137. 138. 139. 140. 141. 142. 143. 144. 145. 146. 147. 148. 149. 150. 151. 152. 153. 154. 155. 156. 157. 158. 159. 160. 161. 162. 163. 164. 165. 166. 167. 168. 169. 170. 171. 172. 173. 174. 175. 176. 177. 178. 179. 180. 181. 182. 183. 184. 185. 186. 187. 188. 189. 190. 191. 192. 193. 194. 195. 196. 197. 198. 199. 200. 201. 202. 203. 204. 205. 206. 207. 208. 209. 210. 211. 212. 213. 214. 215. 216. 217. 218. 219. 220. 221. 222. 223. 224. 225. 226. 227. 228. 229. 230. 231. 232. 233. 234. 235. 236. 237. 238. 239. 240. 241. 242. 243. 244. 245. 246. 247. 248. 249. 250. 251. 252. 253. 254. 255. 256. 257. 258. 259. 260. 261. 262. 263. 264. 265. 266. 267. 268. 269. 270. 271. 272. 273. 274. 275. 276. 277. 278. 279. 280. 281. 282. 283. 284. 285. 286. 287. 288. 289. 290. 291. 292. 293. 294. 295. 296. 297. 298. 299. 300. 301. 302. 303. 304. 305. 306. 307. 308. 309. 310. 311. 312. 313. 314. 315. 316. 317. 318. 319. 320. 321. 322. 323. 324. 325. 326. 327. 328. 329. 330. 331. 332. 333. 334. 335. 336. 337. 338. 339. 340. 341. 342. 343. 344. 345. 346. 347. 348. 349. 350. 351. 352. 353. 354. 355. 356. 357. 358. 359. 360. 361. 362. 363. 364. 365. 366. 367. 368. 369. 370. 371. 372. 373. 374. 375. 376. 377. 378. 379. 380. 381. 382. 383. 384. 385. 386. 387. 388. 389. 390. 391. 392. 393. 394. 395. 396. 397. 398. 399. 400. 401. 402. 403. 404. 405. 406. 407. 408. 409. 410. 411. 412. 413. 414. 415. 416. 417. 418. 419. 420. 421. 422. 423. 424. 425. 426. 427. 428. 429. 430. 431. 432. 433. 434. 435. 436. 437. 438. 439. 440. 441. 442. 443. 444. 445. 446. 447. 448. 449. 450. 451. 452. 453. 454. 455. 456. 457. 458. 459. 460. 461. 462. 463. 464. 465. 466. 467. 468. 469. 470. 471. 472. 473. 474. 475. 476. 477. 478. 479. 480. 481. 482. 483. 484. 485. 486. 487. 488. 489. 490. 491. 492. 493. 494. 495. 496. 497. 498. 499. 500. 501. 502. 503. 504. 505. 506. 507. 508. 509. 510. 511. 512. 513. 514. 515. 516. 517. 518. 519. 520. 521. 522. 523. 524. 525. 526. 527. 528. 529. 530. 531. 532. 533. 534. 535. 536. 537. 538. 539. 540. 541. 542. 543. 544. 545. 546. 547. 548. 549. 550. 551. 552. 553. 554. 555. 556. 557. 558. 559. 560. 561. 562. 563. 564. 565. 566. 567. 568. 569. 570. 571. 572. 573. 574. 575. 576. 577. 578. 579. 580. 581. 582. 583. 584. 585. 586. 587. 588. 589. 590. 591. 592. 593. 594. 595. 596. 597. 598. 599. 600. 601. 602. 603. 604. 605. 606. 607. 608. 609. 610. 611. 612. 613. 614. 615. 616. 617. 618. 619. 620. 621. 622. 623. 624. 625. 626. 627. 628. 629. 630. 631. 632. 633. 634. 635. 636. 637. 638. 639. 640. 641. 642. 643. 644. 645. 646. 647. 648. 649. 650. 651. 652. 653. 654. 655. 656. 657. 658. 659. 660. 661. 662. 663. 664. 665. 666. 667. 668. 669. 670. 671. 672. 673. 674. 675. 676. 677. 678. 679. 680. 681. 682. 683. 684. 685. 686. 687. 688. 689. 690. 691. 692. 693. 694. 695. 696. 697. 698. 699. 700. 701. 702. 703. 704. 705. 706. 707. 708. 709. 710. 711. 712. 713. 714. 715. 716. 717. 718. 719. 720. 721. 722. 723. 724. 725. 726. 727. 728. 729. 730. 731. 732. 733. 734. 735. 736. 737. 738. 739. 740. 741. 742. 743. 744. 745. 746. 747. 748. 749. 750. 751. 752. 753. 754. 755. 756. 757. 758. 759. 760. 761. 762. 763. 764. 765. 766. 767. 768. 769. 770. 771. 772. 773. 774. 775. 776. 777. 778. 779. 780. 781. 782. 783. 784. 785. 786. 787. 788. 789. 790. 791. 792. 793. 794. 795. 796. 797. 798. 799. 800. 801. 802. 803. 804. 805. 806. 807. 808. 809. 810. 811. 812. 813. 814. 815. 816. 817. 818. 819. 820. 821. 822. 823. 824. 825. 826. 827. 828. 829. 830. 831. 832. 833. 834. 835. 836. 837. 838. 839. 840.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَيْكَ وَإِلَى الْأُمَمِ الْأُولَى رَسُولًا مِثْلَكَ وَلَئِنْ كُنْتَ إِلَّا ظَاهِرًا

رَسَائِدِينَ بِمَقَامِهِ وَهِيَ أَمْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ  
جَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي جَعَلَتْ وَلَايَتَهُ مُقَرَّرَةً

طالب براباد درودانکه گزاینده دوستی اوراوجب

مَمْلُوكَاتِكَ وَمَحَبَّتَهُ مَقْرُونَةٌ بِرِضَاكَ وَمَحَبَّتِكَ

ما دوستی تو و محبت اورا همراه باخشنودی تو و محبت تو

وَالْإِمَامُ الْكَاتِمُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

وہ امام کاظم موسیٰ بن جعفر برقیان بادشاہ

الَّذِي سَأَلْتَنَ تَرْغَةَ عِبَادَتِهِ وَمَخْلُصِهِ

انکه سوال کرده بود که فارغ کرده اند و از برای عبادت خود و الهی

فَاجْتَبِدْ عَنَّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى عَمْرٍو وَآلِهِ صَلَوةً

میں اجابت کر دی دعوت اور انیکہ رحمت فرمائی ہر محمد وال اور محمدی

تَقْضِي بَهَا عَنِّي وَاجِبُ حُقُوقِهِمْ وَتَرْضَى بِهَا

که خوانندگان از من و صاحب سقّی ایثار و راضی بانیان

وَالْحَقُّ أَن رَّوَيْتُمُوهُ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

و در حیا و درین فروضها ایستادن و توسل به شیوه عرب و ترک و تاسا و ...

فصلنامه علمی پژوهشی

10

مَعْرِتِهِمْ وَقَدْ قَاتَاهُمْ أَسَافِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَاجِرِ

أَنْ تَجْعَلَ لِي مِثْلَ عِبَادِكِ

فَوَاللَّهِ كَمَا تَأْخُذُ بِهِمْ لُغَةً يَدْرُسُ فِيهَا وَيُعَرِّبُ الْيَافِقَ وَيُنَادِي السَّامِعَ وَيُغْزِي الْغَزَا

وَقُلِّبْ عَرَضِي وَلِيَّ إِلَى مَا تُغِيْبِي بِهِ عَنِّي هَؤُلَاءِ

وَعَزَّيْنِي مِنْ أَسْبَابِ وَجْهِكَ وَتَوَجَّيْتُ إِلَيْكَ

نَوَافِلُ فَضَائِلَ وَتَسْتَدِيمُ بِمَنَاحِ طَوْلِكَ بِالْخَمِ

الزَّاحِبِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْكَافِيُ الْعَلِيَّةُ وَ

الكاتب المسمى والمسمى للكاتب والثناء

بِعِزِّكَ يَا رَبِّهِمْ وَقَدْ قَاتَلْتَهُمْ أَهْلًا وَمَيْمَنَ يَدَيْهِمْ حَوَائِجُ  
 انْجَرِي عَلَى حَبْلٍ عَوَائِدِكَ وَتَحْتِي حَرْبُكَ  
 قَوْلُكَ وَتَأْخُذُ بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَبَرِّي وَنَارِي  
 وَطَلَبِي وَعِزِّي وَلِيَّيَّ إِلَى مَا تَعْبُدُنِي بِهِ عَلَى هَوَا  
 وَخَيْرِي مِنْ أَسْبَابِ رَحْمَتِكَ وَتَوْجِبْ لِي  
 نَوَافِلَ فَضْلِكَ وَتَسَدِّدْ لِي مَسَاجِدَ طَوْلِكَ يَا رَبِّ  
 الْبَرَّاحِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْكَاشِفُ لِلْغَيَابَاتِ وَ  
 الْكَاشِفُ لِلْأَهْمَامَاتِ وَالْمُفَرِّجُ لِلْكَرَّامَاتِ وَالْمُفَرِّجُ  
 لِلْأَهْمَامَاتِ



در این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است

لَا تُضِلُّونَا مِنَ الْغُلَامَاتِ وَالْجِبِّ  
 اواز و سپید او را از تاریکیها و بیابان کشته  
 اللَّهُمَّ هَوِّ لِي الرَّاغِبَ لِمَنْ خَلَقَ الْأَرْضَ  
 و دعا را در کشته من که در این کتاب است که در این کتاب است  
 السَّمَوَاتِ يَا مُؤْتِي الْغُلَامَاتِ يَا مُؤْتِي  
 و امانت او را و ای پدید کننده ای پدید کننده ای پدید کننده  
 يَا اَكْرَمَ بِلَيْسَ لَمْ يَلَمْ الْأَعْظَمُ يَا مَنْ عِلْمُ الْأَرْضِ  
 ای پدید کننده ای پدید کننده ای پدید کننده ای پدید کننده  
 مَا لَمْ يَعْلَمْ فَاعْلَمْ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُكُمْ  
 آنچه پدید آمده از زمین و آنچه پدید آمده از زمین و آنچه پدید آمده از زمین  
 يُطْعِمُكُمْ أَنْتَ الْبَاقِي الْمَصْطَلِي مِنْ الْحَقِّ الْمُسْتَعْمَلِ  
 طعام که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 بِالْحَقِّ وَطَعْمُ الْبَاقِي الْمَصْطَلِي مِنْ الْحَقِّ الْمُسْتَعْمَلِ  
 نعمتی که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است  
 فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ وَالْحَقُّ  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است که در این کتاب است

در این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است

در این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است

در این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است  
 و این دعا که در این کتاب است که در این کتاب است

علي بن موسى الذي أوفى بعهده ووفى له

علی بن موسی انکه وفا کرد پس بدو و اعتقاد داشت بر

وَأَعْرِضْ عَنِ الدُّنْيَا وَقَدْ أَقْبَلَتِ الْيَهُودُ وَبَعِثُوا

و در کمال از دنیا و حال آنکه تحقیق زوایر وینا بس و او است

عَنْ رَجُلٍ نَزَلَ مِنْهُ رَجُلٌ وَرَجُلٌ مِمَّنْ يُصَلِّي عَلَى

از زمین و ریا و حال انکه تحقیق رغبت کرد و دارد اینکه رخت بفرستی بر

محمد بن محمد قدوس

محمد وال محمد بر تحقیق که مشایخ امام باقر و موسی و محمد

الحقاني دکن میدی خواجہ خان نقوی

در نتیجه و پیش  
ما محتاجی خود اینکه هوای تنگی مرا بگو

مَسْئَلُ رَحْمَتِكَ وَتَسْتَرْجِي لِحُكْمِكَ طَاعَتَكَ

راههای خشودی خود و اسان کردن برای ایاب طاعت

وَبُوفِقِي لَابْنَاءِ الزَّامَةِ بِمَوَالِيَةِ أُولِيَاءِهَا

و توین حرم برای طلب کشف غیبی بسپار دوستدار حق و سادگان

وَأَذِيبَ الْخَطِيئَةَ مِنْ مَعَانِيهِ أَعْدَائِكَ وَتُصَلِّ

وایضا شریف بواسطه دستگیری کاتب با شما تواری که مرا



خارج الحجة طوالت وافان قطع الامل من الخلق

نه او نه میشود پس فراخ بود که نگویم و کلامی که شود اصدان خلق

اتصل بك واذا وقع اليأس من الثامن وحين

پرسیده میشود و تو درگاه واقع شود و ایدنی از مردم می آید

المرتب طيات اسألك بحق النبي الاخير الذي

نعمه بود و سواد سیم نور محو و در پیا و باز گشت گفته

اترت عليه الكتاب وبصوته على الاسراب

فره فرستاده بر او کتاب را و با وی گفته او را بر اسراب

وهذا ينقله الى خازن الساب ويايها المؤمنين علمي

و بهای گفته ما را و با یسوی همانده باز گشت و بحق امیر المؤمنین علی

بن ابي طالب الذی انما انما انما المنصف في حقهم

بن ابی طالب که گواهی اصلت تصدیق شدت تمام خود

في الجواب والامام الفاضل محمد بن علي عليه السلام

در جواب و بحق امام کامل محمد بن علی علیه السلام

الذي هو موثق لرق الكتاب وامن من بعده

که ای مولود که ای حق با تو که ای کتاب و امن من بعد از تو

و هو موثق لرق الكتاب وامن من بعده

و هو موثق لرق الكتاب وامن من بعده

و هو موثق لرق الكتاب وامن من بعده

و هو موثق لرق الكتاب وامن من بعده



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي خلقنا من غير حساب  
والذي لا يملأ خزائنه ولا ينفد  
والمعبد ذو العرش المجيد والبطش الشديد فقال

عز وجل يا أيها صاحب محمدك وقف تحت كتفه

لنأثر بطنه من هو أقرب إلينا من جبل الورد

مراغه را میخیزد ای کجاست که تو نزدیکتر من از جبل ویدای کجاست

هو على كل شيء شهيد يا من لا يتغافل عن خلقه

که او بر همه چیز گواهیست ای کجاست بزرگش تمام را در غفلت

الغُيوب ولا يَكُ حُلْمُهُ الضَّعْفُ عَنِ الْعُيُوبِ

که نادان و عظیم نیست خواب در گذشتن از عیبه و سلاطین

بجلالك فود وجهك الذي بلا ان كان عرشك

بزرگوار و نور ذات تو که بر کعبه است ارکان عز و نور

وَصَدْرُكَ الْإِيقَاتِ قَدَرْتَ بِهَا كُلَّ خَلْقِكَ وَبِحُجَّتِكَ

و بخت تو که تقدیر کرده بآن بر خلق خود و بجهت تو

الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي ضَعَّفَتْ لَهَا

که گنجایش داده هر چیز را و بقوت تو که ضعیف شده برای

كُلُّ قُوَّةٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي ذَلَّلَ لَهَا كُلَّ عِزٍّ

هر قوت را و بعزت تو که سوار شده بر عز و بباله تو

و در حق تو ایستادند و در حق تو ایستادند و در حق تو ایستادند

هذا ما جعله من أهم أهدافه في حياته

[illegible]





وَيُخَالِطُونَ الرِّبَّيْنَ الْجَمِيعَ الْخَوَانِ الْخَوَانِ

و همان‌گونه که برای همه صاحب‌میلاد از برای آنست

وَالْمَلَائِكَةُ وَمِنْكَ الْعَوَالِدُ وَالْبَنَاتُ وَالْمَلَائِكَةُ

ویدرجا و از دست همدانها و عطاها و بیوات

يَصْطَعِدُ الْكَلِمَ الطَّيِّبَ وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ وَاعْبُدْ

بالاميرود سجنات منكو وعمل صالح وموت

الْعَالَمِ بِمَا تَحْقُقُ الصُّدُورُ وَالْأَعْيُنُ اسْتَأْذَنَ

وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَمَنْ يَكْفُرْ أَفَئِنَّهٗ يَكُونُ مِنْهُمْ مَن يَخْشَى اللَّهَ يَوْمَ يُخَالَفُ وَبَآئِنًا يُتَنَادَى إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْحَقِّ وَالْحَقَّ كَذِبُوا

مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْإِمَامَةِ

بسم الله الرحمن الرحيم

كُنْتِ الْمَعْرُوفَ بِالْجَمْعِ وَالْثَّانِيَةِ وَامِنْ

1990-1991

وَأَمَّا نَوْلُكَ فَرَسًا هَذَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَفِيهِ

مجلسه اول در تاریخ ۱۳۰۲/۱۰/۱۵

وَاللَّهُ تَعَالَى أَعْلَمُ بِمَا تُكْرَهُ وَبِمَا يُرْفَعُ

... ..

طاعناو بدخودیت / دور و فانی در لجه بیادگار

في كل موقف مشهور للإمام الحسين

در هر موقف مشهودی و پامام حق بن

عَلَى الَّذِي طَرَحَ السِّبَاءَ فَخَاضَتْ مِنْ رَأْسِهَا

علی انکہ اخلاصہ شغلہای بیاع ہیں غلامی اور العزیزان

وَأَمَّا بِالْقَوَائِمِ الْجَوَابِ فَدَلَّتْ أُمُورُهَا

والمحقق کوه شدرها و باهان صوب پس رلم کو علی بن علی

لَا تَصْلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ نَوَيْتُمْ

الحکمہ دہشت گردی پر محمد وال محمد بنی تحقیق متواں مقام

إِلَيْكَ وَتَقَاتِلْهُمْ أَطْنَامُ وَكَيْفَ يَدَى خَوَائِجِي

مبعوثویش و استخدام ایشان را میسر نمود و بیش از پانصد نفر

وَأَنْ تَرْجُمَنِي بِالْحِجَابِ أُوْرِكَ مَا عَلَيْكَ مِنَ الْإِسْمِ

وَأَمَّا رَحْمَتُكُمْ فَمَا يَتَوَفَّقُ وَأَيُّهَا زَوْجُ الْوَلَدِ مَعَاصِرُ تَوْحِيدِكُمْ يَا

وَتُحْيِي عَلَى التَّائِبِينَ عَمَالَهُمْ

وایکے ہوا میں اڑتے ہوئے مطالعت تو خدا کا بندہ ہی ہے

ان ختمی کی باجمہ امتداد اوقیہ، ونقصا علی

وَأَمَّا كَذِبُ الْبُحَارِ فِي أَنَّ كَاهِنَهُ الْأَمْرَ وَتَعْنِ كَاهِنَهُ

خبرنامه لایزال من و خانواده‌ها  
خبرنامه یکم و دو نیم

*[Faint handwritten notes at the bottom of the page, likely bleed-through from the reverse side.]*

[illegible]

باسم کونین برکات حایک و مراد جنتی بر این عفو و برکات

بروای پاره از من و از اندام مرا بسوی حقین من برگردانم و

مُخْرِجِي إِلَى غَيْرِكَ عَادُكَ وَلَا اجْتَنَابِي مِنَ الْأَحْيَاءِ

عند ان كان من اسبوعين من قبل ان ياتيهم وباركوا من الله تعالى

از برای جوان پس جعفر شوم و سید عالم را بگوید یا نه بعد از آنکه میفرماید

بِرَأْسِ عَائِشَةَ وَنَزَارَهُ وَرَأَى بَيْتَهُمْ أَحْسَنَ أَمْثَلِهِمْ

وکیله مرا  
سیدیدی کو داره و سیدامکران سید  
الایطمنون و سیدالرحیم الراجحی

و اما اسحق و یوزافیم پس از آنکه در میان ایشان افتادند

اولاً من خلف حق وجبة رفاق مطرب يلقى

1. *Journal of the American Medical Association*, 1997; 277: 1039-1043.

الْمَلَكُ وَالْأَخَالِي السَّمْعُ الرَّيُّوعُ وَالْهَيْدُ وَالْمُجِيعُ

خداوند ای فرشته سقیم بنده کرده شده و با طاعت کرده

وَرَاوِي الْقَامِي وَالطَّيِّعُ الَّذِي لَمْ يَمُوتْ

و روزه گرفته بر عشا و روزه و طاعت کشته انکسیت بر او

وَلَمْ يَلَسْ بِمَجِيعِ اسْمِكَ بِمَجِيعِ اسْمِكَ الَّذِي لَمْ يَمُوتْ

با و شایسته شفاعت کشته سوال یکم نور اجتهاد و کد و کد

يُحْيِي كُلَّ مَلَاوِي الْعُسْرُ عَدَدَتْ هَسْ أَوْ ذَاوِي

برده شوند بر حادثهای و شوازی بر میگرداند و برگاه

عَلَى الْهَيْدِ وَكَانَتْ هَيْدَاءُ مَبْنُورًا وَارْفُوتْ

بر گویا میگردند و بزدی برانگنده و برگاه باز برده شوند

إِلَى السَّمَاءِ فَتَحَتْ لَهَا الْمَخَالِقُ وَإِذَا هِيَ بِكَ

به و جان کشته میشود از برای آن درهای بسته شده و برگاه باز

إِلَى ظِلْمَاتِ الْأَمْثَلِ أَسْمَعَتْ لَهَا الْمَخَالِقُ

به و نا و یکبار زمین کشته میشود از برای آنجا یکبار

وَإِذَا دَعَاكَ رَبُّهَا فَاتَّقِ اللَّهَ فَمِنْ التَّحُودِ

و کلام میگوید ای ای برگاه برانگنده شوند از و شوازی

Handwritten marginal notes in the top right corner, likely a continuation of the text or commentary.

دعاه لانا عبد الله

Handwritten marginal notes on the left side, continuing the commentary.

Handwritten marginal notes on the left side, continuing the commentary.

تأنيديت هم



الإبواب المفقودة والناشئة من الأصول المختلفة

رایهای پراکنده را و امتیاز می‌دهی بان میان خواستهای مختلف

وَلِيَّكُمْ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةٌ

و خلاص میکتے باو حقہای دوستان خود را با اعتقاد یکتے باو

مِنْ لَدُنْكَ وَمَا يُغْنِي عَنْكَ الْغَنَى وَالْغَنَى

بدان دشمنان رپی می کنی باو زمین را از خود و احسان

وَمِنْ عَمَلٍ عَلَى الْعِبَادِ يُنْظَرُونَ فَصَلُّوا وَاتَّقُوا اللَّهَ

و فراموشی که از هر یک از اینها و فصل و اعتقاد و

فقد انفق الى مكانه عن احمد بن حنبل

عقد میفرماید حق را پسوی مکانی خود غرض میزند و میگوید و بر سر کار

الدُّنْيَا بِمَنْ يَرْغَبُهَا جَدِيدًا أَنْ تَجْلِبَ عَاجِلًا

دین و ابره‌ستهای او تازه و جدید انکار محقق شد و بر محو

29. 11. 1991

وَأَمَّا بَيْنَنَا وَمَنْ بَيْنَهُمْ فَسَبْغٌ مِمَّا سَبَّغُوا بِهِ

والله اعلم بالصواب

بیماری در بین بانی حواشی و انوار و غیره

پیشہ ورانہ پیشہ  
حاجتہاں حقوق و انکساروں اور انکساروں

[illegible]

‘अन्तर्गत’

Handwritten text in Devanagari script, likely from a manuscript.

تحتل مكانة هامة في الفكر العربي والاسلامي

[illegible]

وَيُتْلَىٰ مِنْ قَوْلِ الْحِكْمِ بِعِصْمَةِ الْإِنْفِ

فصل اول در بیان احوال و حال

لِحُسْبَانِهِ وَالْكَوْنُ فِي مَرْمَرِهِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

بطریقہ یاد و چون در کرده او بفرستی که تو شنونده دعا

بِحَقِّكَ بِالذِّمِّ الرَّابِعِينَ اِي عَالَمِي

برجست تو ای رحم گشنیزین رحم گشنیزان

که می بیند و در میان شروع به افشای سبب و اوقات و وقت خواب

اول وقت نماز مغرب بنابر مشهور بر طرف شدن غروب

طواف مشرق و یکشنبه وقت فضیله آن را بیان میکند

سرخى مېزب ووقت اداى آن تا بىڭى باقى بىلەن تەمىنەت

شعبہ تعلیم و کمال دہان اناز عشا و دس ہر کا تحقیق

کرمی و انیس شد این وقت را میگویند و مرتبه پنجم را

وہاں تک کہ عاقبت ان کے لیے جہان میں رونق پیدا ہوئی۔

از حضرت مهدی علیه السلام اندوای روح بر پیراهان





که وقت مغرب تکبیر و در طاعت دوم باران  
 چنانکه روایت کرده اند از امام و کافی بسند صحیحی  
 حضرت خاقان طایف الحکم که فرموده تکبیر مثل علیه السلام  
 او در برای پیغمبر صلی الله علیه و اله از برای هر دو وقت  
 عزیمت آنوقت پس ایستاد گفت آن یک نیست و وقت  
 آن سقوط افتاد است و چنانکه روایت کرده اند از امام  
 محمد بن در مجلس شصت و دوم از کتاب طایف الحکم  
 اسامی که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که  
 میفرمود که هر که تا آخر کند مغرب را تا ایستاد گفت طاعت شود  
 مستانها پس من از او بیزارم و چنانکه روایت کرده اند از  
 طایف الحکم در تفسیر بسند صحیحی از شیخ که گفت که هر که  
 ابی عبد الله علیه السلام که میفرمود که هر که از احتیاط است  
 شام میکند و نماز و غیره تا اینکه مشیت میشود و تیرت  
 در فرموده آنحضرت علیه السلام که من بیزارم از کسی که خدا را  
 کسی که یکبار از احتیاط و نماز و غیره که از احتیاط است  
 استغفار صحیح از حضرت علیه السلام که فرموده که هر که

این حدیث در کتاب طایف الحکم  
 از شیخ طایف الحکم است  
 و در کتاب طایف الحکم  
 از شیخ طایف الحکم است

این حدیث در کتاب طایف الحکم  
 از شیخ طایف الحکم است  
 و در کتاب طایف الحکم  
 از شیخ طایف الحکم است

این حدیث در کتاب طایف الحکم  
 از شیخ طایف الحکم است  
 و در کتاب طایف الحکم  
 از شیخ طایف الحکم است

[illegible]

که در آن کوه است و از حضرت صلوات الله علیه السلام گفته بودند  
که هر که پشت به میان اذان مغرب واقف شود و اقامه بخواند و مثل  
کسی که باطله بخواند و یا کسی که در آن وقت بخوابد  
میان اذان مغرب و اقامه این دعا شست  
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاَقْبَالِ الْمَلَائِكَةِ وَادْبَارِ الْمَلَائِكَةِ  
وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَاصْوَابِ دُعَائِكَ وَكُنْ

و حاضر شدن عازمان و اذان و اقامه و دعا و شستن  
ملاکات آن حسین علی محمد و آل محمد و آن  
صلوات و احوال و کلمات و دعوات و احوال و کلمات و دعوات  
مَلَائِكَةِ السَّوَابِ الرَّحِيمِ و اما فاصله کردن میان  
است که آنرا بسیار گفته اند و گفته اند که هر که این دعا را  
بعد از نماز بخواند و گفتنی باشد ذکر کند که من را فرست  
میزد این حدیث و میگوید بعد از اقامه آن شستن بعد از  
استماع آن غلغله را بخواند و آنرا که پیش از شستن و استماع  
میگوید آنرا و بعد از آن اول سوره بقره را بخواند و آنرا

این دعا را هر که بخواند  
در هر روز و هر وقت  
در هر مکان و هر حال  
در هر وقت و هر حال  
در هر وقت و هر حال  
در هر وقت و هر حال

112

اینهاست که در کتابهای چنانکه در زیر کتب است از شیعیان و اهل بیت  
 بنده است پس در بعضی از کتب که در روز سوم سور و سرودند و بعضی  
 بخوانند و بعد از آن از آن بان سنانکبر و دستم بر آید و عینا اهل  
 میدانان میگویند که در روز پنجشنبه و یکشنبه است که از ایشان  
 محمد بن موسی و حسن بن محمد بن علی بن الحسن و آن حضرت  
 الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل  
 ما يشاء غفر الله له ولجميع المسلمين  
 ما يشاء غفر الله له ولجميع المسلمين  
 آنچه را میخواهد عذر از قاری طول دادن و تعلیق تراویح  
 سزاوارت که بجا آوری آنچه را بخواهد بجا آورد و گویند  
 میدانان اگر وسعت داشته باشد و وقت برای آن باشد  
 که در وقت است الاصلح است سلام الله علیهم و آله و سلم  
 میفرماید پس تحقیق که در وقت است و احضار صدای  
 السلام که در دو بجا است بنشیند که او انکار چه بگوید که در وقت  
 او غریب در سفری و در حضر و اگر چه طالب کند و است  
 و اگر چه وقت سخن گفتن در میان غریب و این چه گفته

اینهاست که در کتابهای چنانکه در زیر کتب است از شیعیان و اهل بیت  
 بنده است پس در بعضی از کتب که در روز سوم سور و سرودند و بعضی  
 بخوانند و بعد از آن از آن بان سنانکبر و دستم بر آید و عینا اهل  
 میدانان میگویند که در روز پنجشنبه و یکشنبه است که از ایشان  
 محمد بن موسی و حسن بن محمد بن علی بن الحسن و آن حضرت  
 الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غفر الله له ولجميع المسلمين

اینهاست که در کتابهای چنانکه در زیر کتب است از شیعیان و اهل بیت  
 بنده است پس در بعضی از کتب که در روز سوم سور و سرودند و بعضی  
 بخوانند و بعد از آن از آن بان سنانکبر و دستم بر آید و عینا اهل  
 میدانان میگویند که در روز پنجشنبه و یکشنبه است که از ایشان  
 محمد بن موسی و حسن بن محمد بن علی بن الحسن و آن حضرت  
 الحمد لله الذي يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غفر الله له ولجميع المسلمين







تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ

تَعُوذُ بِكَ لَنْ نَقْدِرَ وَتَحْتَرِي وَأَنْ تَكُنْ مَعَنَا

بِهَذَا عَزَمَ سَيِّدُكَ خَلْقَ شَيْءٍ وَدَعَا شَيْءٍ بِاسْمِهِ يَوْمَ الْاِثْنَيْنِ





فَاللَّهُ الْمَنَّانُ وَالْأَرْضُ خَضِرٌ وَبَيْتٌ حَقٌّ

بادشاه اماننا زمین زنده میکند و بویار دارد

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

بر همه چیز قایم تواناست اولت اول و آخر ظاهر

وَالْبَاطِنُ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ اللَّهُ تَعَالَى

مبطن راو بر همه چیز داناست اوست الله تعالی

الْتَمَّوْا إِلَهُكُمْ وَارْتَضَوْا إِلَهُكُمْ وَارْتَضَوْا

ایماننا زمین را مدتش بپذیرید و بپذیرید

عَلَى الْعَرْشِ عِزُّهُ عَالِمٌ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ

بر عرش میاند آنچه را و بر عدد زمین و آنچه را

عَنْهُ لَوْ مَا يَكُنْ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ

اگر چه باشد از آسمان و آنچه بالا می رود در آن راو

مَعَكُمْ إِنَّمَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

با شماست هیچ که بود باشد و بخواهد بکند چنانچه بخواهد

الْمَنَّمَانُ وَاللَّهُ تَعَالَى وَالْأَمْرُ لِلَّهِ

ایماننا و بویار خداوند بفرموده و امر خداوند

وَاللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

وَالْأَمْرُ لِلَّهِ

الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

شیرادریعت وافر میگردانند و بفرموده او

عَلَيْكُمْ بِمَا نَزَّلْنَا فِي الْقُرْآنِ مِنْ حُكْمٍ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَدْعُو إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

و انست با فقه و درستی است

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

الذين ينادونهم اين فوازا بر كوي هر اينه بيد و بیدارند

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ جَاهِلًا فَسْأَلْ سَوَادَهُمْ فِيهِ وَكَانَ غَلِيظَ الْحَبْلِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

مكافئه بده از عصب خدا و این مثلها می بینم

لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

از برای مردم که شاید ایشان تفکر کنند اوست عقاب که بقیه خدا

الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

مکافزه داندای شیب و حاضر اوست بیار بر این کشته

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ جَاهِلًا فَسْأَلْ سَوَادَهُمْ فِيهِ وَكَانَ غَلِيظَ الْحَبْلِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

اوست عقاب که بقیه خدا بداند او پادشاه بیار با کینه

الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْبِرِّ وَالْإِتْقَانِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ وَالْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفَسَادِ

سلام امان ده که بقیه کشته عزیز جبار مثل

شَهِدَ أَنَّ اللَّهَ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْمَلِكُ الْقَدِيمُ

پاکست خدا از آنچه شریک میگرداند اشهد ان الله استغنی عن الخلق و هو الغنی

الصَّوْرَةُ الْإِلَهَاءُ الْحَسَنُ يَسْجُدُ لَهُ الْمَلَائِكَةُ

موجود بخشنده از برای اوست تمامی بند و پیغمبر میگردانند از برای او آنچه

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

آسمانهاست و زمین است و اوست عزیز حکیم

وَسَيَكُونُ يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

وهم یومئذ یؤمنون بالله و یومئذ یؤمنون بالله

أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ

که من سوال میکنم تو را بچهره ذات بزرگوار تو و اسم بزرگوار تو

وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و بادشاهی قدیم تو ایست که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَخْفِزَ لِي فِي النَّبِيِّ الْعَظِيمِ إِنَّهُ لَا يَنْفَعُ الْعَظِيمِ

و ایست که بیاورد از برای من که آنرا که بزرگ است بفرستد که ای بزرگوار

إِلَّا الْعَظِيمِ بِيَوْمِ كَادٍ فَانْجِ شُعْبَةَ بَنِي هَارِثَةَ

مگر بزرگ در روز مافی نیست از کامل که در این است







بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

من كل جن وخلقنا من طين وخلقنا من طين

الحمد لله



رُفِعَ رَأْيُهُ مَعِيَ عَلَى مَتَابِعَتِكَ وَلَا رُكُومًا لِحَاوٍ

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ جُوعٍ أَوْ يُصِيبُ أَنْفُسَهُمْ فَيَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِمْ فَيَكُونُ فِيهِمْ حَرَجٌ

وَلَا يَجْعَلْ غُلَامًا مُفْعِرًا وَلَا يَسْخَرْ مِنْكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مَا تُفْعَلُونَ

و بگوید آن عیال را و اینها قبول کند و دستش را می‌بازد و می‌گوید:

لِي مَا تَشَاءُ عَنْهُ وَأَقْضِ إِلَيْهِ بِالْحَسَنِ وَ

برای من ایچدی چترسم و شواری انرا و حکم کن برای من در این بنیاد.

إِنِّي مُصْعِكُوكَ وَلَا مَهْجُوكَ عَنِّي سِرْزِلَهُ وَلَا

این کودکان مرا از مکتب خود و میدان خود پرده مرا کشید.

فَلْيَسْمِ ذِكْرِكَ وَلَا تَغْلُ بَيْنِي وَمَنْ قَالَ هَذَا

نور احوش ملکہ ان مرا ایسا اور نور فانیع منو قیاسہ نہیا حسن نور بود

وَلَا تَحْصِي إِلَى عَشِي طَوْلَهُ عَيْنٌ أَبَدًا وَلَا إِلَى

و ملحا ماساز مرا ایسی نفس من سید جیست بر دم زدن بر تو و نه است

حَدَّثَنَا خَلِيفَةُ الْإِسْلَامِ الْمُتَمِمُّ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ

اعداد از خلق می آید و کوا و سفاوند از جنس هفت برآمد

وَأَقْرَبُ مَا لِي بِكَ جَبِي أَعِي وَصَلْتُ وَاسْمُكَ

مکتبہ اقدس لاہور کے تحت انجمن حفظ النورج ہوا اور اس کی کتب



أَخْبَرَنَا عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ بَدَأَ بِشَيْءٍ مِنْ شَأْنِ النَّاسِ فَهُوَ عَلَيْهِمْ كَقَدْحٍ مَلَأَ مِنْهُ الشَّيْطَانُ»

وَسَاعَةِ سَوْدٍ وَمِنْ ثَمَرَاتِ الْجَنَّةِ لَا يُخْرَجُ

و ساعت ناهوش را از شر آنچه فرمیدم بزداین و آنچه بپوشید

مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمِنْ شَيْءٍ

از آن واعیه فتودی ایلیان اسمان واعیه بالامیر و در آن و از شر

طَوَارِقُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ الْأَحَادِ وَالْأَيَّامِ

عادت‌های شب و روز مکن حادثه که عادت میشوید بچیز

وَمِنْ شُكْلِ دَابَّةِ رَبِّي لَعْدِي بِأَصْبَحَ الْبُكْرِ

واذ شرفهم جسيمة که پیروز کارین فرستادند تا صید بکنند

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ فَيَكْفِيكَمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ

بر راه راستت پیروز و باطلت را شکست بخورم

الْعَالِمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَ عَنِّي صَلَاقًا كَانَتْ

دانا سپاس من خدایا که او را در ازمین نماز را نصیب

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا عِدَّةَ أَزْمَانٍ يَكُونُ فِيهِ

بر مؤلفان فرضی وقت قرار دادند

إني أشاءك بحق محمد وآل محمد بن محمد بن علي بن محمد

کہن ہوا کی کم توراجی محمد وال محمد اسدہ جسدہ فرشتہ پر محمد

وَالْحَمْدُ وَإِنْ جَعَلَ التَّوْبُ فِي بَصَرٍ وَالْبَصِيرَةُ

والحمد وانك بكدانی روشنی را در دیده من و بینای را

فِي دِينِي وَالْبَقِيَّةُ فِي ظَنِّي وَلَا اخْلَاصَ فِي عَمَلِي

در دین من و بقیه را در ذهن من و اخلاص را در عمل من

وَالسَّلَامَةُ فِي نَفْسِي وَالشُّكْرُ فِي زَيْنِ الشُّكْرِ

و سلامتی را در نفس من و قرائتی را در روزی من و شکر

لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي هَذَا زَيْنٌ دُونَ شُكْرِكَ

از برای تو همیشه مادام که باقی آوری مسکون در آنها و بعد از آنها

كَشَفْتَ وَاهِلَ الْغَمْرِ حَزْبٌ اَبَتْ كَرَمُكَ فِيهِ

از آنها شکر را شکر را شکر او تحقیق کرد و این روشن است کردن

أَهْلَ الْبَدَلِ لِقَامِ مَقْرَبٍ وَدَرَجَتٍ رَوَاتٍ بِشَرِّ لَمَرٍ

از آنکه مانع شدی از این بر چیزهای برای دور که سبب است

خَفَلَتْ فِيهِ بَحْرُكَ دُرِّ كَمَالٍ وَبَدَلَتْ خَدَاكَ الْوَنُورُ

فصلت در آن بجزایر کمال و بدلت رخسار تو نور

فَعَبَّ مَخَاضُ الْغَمْرِ لَنْ يَنْقُصَ طَبِيعُ فَنَادِي فِي الْعَالَمِ

آنکه لاله الا که شجاعت او کشتن من الظالمین و استیلا

لَهُ وَجْهٌ مِّنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ تَجِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَدَرَجَتُهُ دَرَجَةُ

و درجه او درجه است و درجه او درجه است

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

وَعَنْدُ مَعَارِجِ الْغَيْبِ لَا يَسْلُمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ

وفاوت خزائن غیب غیاد انوارا مکرا و میزاد

مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَقْطُرُ مِنْ دَسْفَةٍ لَا يَسْلُمُهَا

ایجاد و بیابان و دریا باشد و آنچه نری مقدار برکت سکوستانها

وَلَا اجْتَمَعُ فِي ظِلِّهَا نَارُ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا

وفاوت در سایه کهای زمین وند نری وند

بِأَيِّ الْأَيِّ كِتَابٍ مُبِينٍ هَذَا قَبْلَ تَبْيُحْثُ

بکسی بکری کتابت بوری

اللَّهُمَّ إِنَّا أَسْأَلُكَ مَعَارِجَ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَسْلُمُهَا

خداوند بیدستی که در سوال بکیم نور و نور غایب که غیاد انوارا

الْإِنْسَانُ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَعْمَلَ

بکری ای که رحمت بر محمد و آل محمد و ابیکر بکری

بِكُنَا وَكَتَابِ لَدُنْكَ يَكُونُ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيَّ الْغَيْبِ

بامن و دان بیدان خداوندان تو صاحب غیب

وَالْعَاوِدُ عَلَى ظِلِّكَ يَكُونُ خَلِيفَتِي كَمَا أَنَّكَ

وفاوت بر ظلمت منیدان حاجت بر این ظلمت

وَعَنْدُ مَعَارِجِ الْغَيْبِ لَا يَسْلُمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ  
وفاوت خزائن غیب غیاد انوارا مکرا و میزاد  
مَنْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَقْطُرُ مِنْ دَسْفَةٍ لَا يَسْلُمُهَا  
ایجاد و بیابان و دریا باشد و آنچه نری مقدار برکت سکوستانها  
وَلَا اجْتَمَعُ فِي ظِلِّهَا نَارُ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا  
وفاوت در سایه کهای زمین وند نری وند  
بِأَيِّ الْأَيِّ كِتَابٍ مُبِينٍ هَذَا قَبْلَ تَبْيُحْثُ  
بکسی بکری کتابت بوری

بالحمد لله رب العالمين

وَأَنْ تَجْعَلَ لِي شَرِي

وفاوت لای شری

وفاوت

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عقود - احوال - برادری - برادران - برادران

صَدَقَاتُهَا لِي وَسَوَالِ الْمَسْكِينِ حَاجَةٌ جُودِي فِي تَقْبِيلِكُمْ

جمہوریہ پاکستان کو اپنا تکرید نامہ شام میں سالم الاخصر

بناصروا الله عليه السلام كره في ان يكتدوا بغيره كثر ما سألنا

و خفتن و دعا کنند باین شعر و سوا کنند از حد تا جاذبه خود

عظا الشدايد انهم سوا الاربعة وثلثون سنة واربعة اشهر

تغیلات این است که در هر یک از این سه مورد، غلظت و دمای محیط و دما

غلظت و دمای محیط و دما

فند و رکزدان و ان مانه شل و حقه است امید

عبدالله بن عباس رضي الله عنهما

از عصمت باقر علیہ السلام که فرموده که بدو هر که شیطان را نکند

غیرکند لشکر خود را لشکر تمام و امر را از شما فرو بیاورد

تا به طریقی شدن شفق و پراکندن میکند اشک و نور را از هم جدا

که طالع میگردد هیچ تا طالع اعراب و قدر که خدایه پیغمبر

محل المصطفى والبرفير من غلابة سيار كيه فكر خدای عز و جل









وَعَلَىٰ

غیر و مکرر ان دعاؤ از فضل خود و خود میاں سرما غنیمت خداوند و نور

عن جبريل ولا تقصنا من محبتك ولا يفرغ

از اینها کی خود و کم مکن عارا از رحمت خود و قدامت

كَلَامُكَ لَا يَكُونُ لَكَ فَتَدْرِكُ

مجلس شورای اسلامی

از ما بركات خود را وضع مي كن از ما عافيت خود را بخواهيد و ما را از

من الخطيئة لوردا من فضلك الجبل الطير

اغفر لهما ذنوبهما وادخلهما الجنة وادخلهما الجنة وادخلهما الجنة

وَأَمَّا الْفُلُ فَأُرْسِلَتْ بِرَحْمَةٍ مِنَّا لِيُبَيِّنَ مَا بَيْنَ أَيْمَانِهِ سِرَابٍ

أَحْسَنُ بِجَبِيلٍ وَلَا أَفْضَرُ مِنْهَا بِنَا مِنْ عَمَلِكُمْ

ونیکو، وختی که تغییر در اینها با استعاره‌ها می‌تواند

فَوَيْسٌ أَمِنْ دَوْلِكَ وَلَا يُهِنَا عَدْلُ أَمِيرِكَ وَلَا

[illegible][illegible]

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْثَدَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ

بستراوه مغزین مواد معدنی و آنکد به آتشکوه ها و پیششوها را از نرسودن

الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم

1. *Phragmites australis* (Cav.) Trin. ex Steud.

تجارت و بازرگانی

1997, 1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 26

فريش از سوره فاتحه قل هو الله احد و قل لم ير في الخلق

و قل اعوذ برب الناس براد مرتبه بعد از آن ميگوئي

سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اعلم

بكت خدا بسيار بزرگوار است بخت خدا نكند خدا بزرگوار

و بجز خدا هيچ كس على محمد و آل محمد و عليهما السلام

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اللهم افتح لي ابواب رحمتك و اشرح عليّ

خداوند بگشاي بر من دروي رحمت خدا و فراخ گردان بر من از

خلل غفلت و متعني العاصيه و ابقني في

خلاصه روز خود را و بفرست گردان مرا بابت تمام كردن با تو و از

تنگي و بصر و جميع جوارحي اللهم ما اياها من

كوتاه و دينه من و جميع اعضاي من خداوند اياها است

فخر غفلت و خطا لا اله الا انت سبحانك

تعالى بزرگوار است بخت خدا نكند تو خدا بزرگوار

ما نزل اليك من الراسم الراحمين سبحانك

و تو ميكني بر تو ابد هم كنده ترين رحمت خداوند و خداوند ابد

بخت خدا نكند خدا بزرگوار

بخت خدا نكند خدا بزرگوار

در این دعا

اللهم انزل من السماء ماء طهورا

خداوند ای درستی که هست از آسمان طهری بفرست و بپاش که من و تو را

يغفر لنا ذنوبنا وذنوبنا وذنوبنا وذنوبنا

مکرم از تو که در حق است در دلم بر من و تو و در طاعت تو را

وَأَنْتَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ كَأَنْتَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ

و من در این طاعت می کنم مانند می کنم ای تو که ای در حق است

أَمْ فِي جَبَلٍ أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمَاءٍ أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ

یا در کوه است یا در زمین است یا در آسمان یا در خشکی است یا در

وَعَلَى بَدْعٍ أَمْ مِنْ قَبْلِ مَنْ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنْتَ

و بر دستهای من و از پیش نیست و تحقیق می دانم که

عَلَيْهِ عِنْدَكَ وَأَسْتَغِيثُ بِكَ وَأَنْتَ الَّذِي

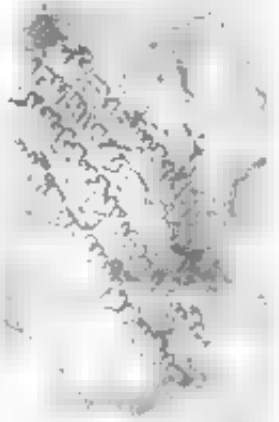
علم او نزد است و استغاثه به است و تو آنکه

تَقْسِمُهُ بِأَطْعَمَكَ وَأَسْتَغِيثُ بِكَ وَأَنْتَ الَّذِي

قسمت می کنی از آنکه اطعمه نمود و استغاثه به است و تو آنکه

أَسْتَغِيثُ بِكَ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلَهُ

و استغاثه به است از آنکه حق خداوند است محمد و آل او



عَلَيْهِ وَاجْعَلْ يَارَبِّ عِزِّكَ لَهُ وَسِعَاءَ وَطْلِبُهُ

محمد و یحییان ای پسر مبارک روزی شود از برای من فراخ و طلب از

سَهْلًا وَمَا خَذُفُ قَرِيبًا وَلَا تَقْصِرْ عَنِّي طَلِبُ الْمَقْدَرِ

ای حق و در آن قدر از تو دین و هیچ سبب از مرا طلب از آن

لِي فِيمَ رَزَقَ مَا فَاتَكَ عَنِّي عَنِ عَذَابِي وَأَنَا قَبِيْرٌ إِلَى

برای و عذابان روز پس بر من عذاب از عذابان بعد از تو تمام بود

وَعَمَلِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعِزِّ عَلَى عِبْدِكَ

و عمل تو پس رخت بر سر محمد و آل محمد و بخشش من بر بند خود

بِعِزَّتِكَ يَا رَبِّ فَوَضِّلْ عَنِّي عَذَابِي بِكَرَمِ اللَّهِ

بفضل خود بجز آنکه تو صاحب فضل بدی بیام خدا

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَجْعَلْ

ایا رحمت کند بر من خداوند رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمتی و بر آن

بِمَا رَزَقَكَ وَأَحْبَبْتُكَ وَخَيَّرْتُكَ بِمَا مَنَعْتَكَ وَطَلَبْتُكَ

باین بخشودی خود و دوست و بخت و می گزیدم از این از محبت خود و

بِالْحَقِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْ لِي بِمَا خَافْتُ

خدا و بخت بر سر محمد و آل محمد و بیاور من حق و حقوق تا آنکه

این دعا را هر روز بخواند و هر روز از خداوند بخواهد که حاجت او را برآورده سازد و این دعا را هر روز بخواند و هر روز از خداوند بخواهد که حاجت او را برآورده سازد

هستند اما اینان که در فرقه کبریا هستند  
عاجز و کم خردند و اگر با ما بیایند  
چنانچه در کتاب ما که در دست شماست

الْمُهْمَةُ وَالْمُهْمَةُ الْبَاطِلُ بِاطِلٍ أَيْ جَنْبِهِ وَلَا

تیروی کیم از او تمام باطله باطل - تا اینکه اجتناب نمودن و

عَمَّا رَأَى عَلَى مَنَاصِبِهَا فَاتَّبَعَ هَوَايَ بَعِيْرَهُنَّ مِنْكَ

مکروان الزام میں متشابہ ہیں۔ پیو، کم خواہی خندانی اہیا مئے

وَاجْعَلْهُمَا زَوْجًا مَّوَدًّا

و بگردان خواهر مرا بپید حشودی تو و طاعت تو ، فدا کنی

الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ إِذَا أَفْتَقُوا عَلَى شَيْءٍ فَإِنْ رَأَوْا كُنُوفًا يَنْصَرِفُونَ إِلَيْهَا أُولَٰئِكَ يَرْجَوْنَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَغُلُّوا أَسْمَاءَهُمْ إِحْشَابًا لِأَنَّهُمْ قَوْمٌ عَاذُونَ

از برای نفس خود خوشنودی از نفس من و هلاکت من مرا برای آنچه هلاکت

فَيَعْلَمُ مِنَ الْحَقِّ بِإِفْرَاقِكَ أَنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى

دران از حق بفرمان خود بدست آوردن و باین سبب هرگز

وَبِالْحَمْدِ لِلَّهِ تَعَالَى

راه راست خداوند است غیرت بر محمد و آل و عهد است

فَمِنْ مَدَائِبِ وَطَرَفِي مِمَّنْ عَافَيْتَ وَتَوَلَّيْتُ فَمِنْ أُولَئِكَ

در آنکه هر آیت کرمه و عافیت مد مراد آنکه عافیت دلالت بر مستحق و

وَأَعْطَيْتُكَ فِي شَتَّى مَافَضَيْتُ إِلَيْكَ

و بر آنکه برای پسران عطا کرده و خادمه را از آنجا بیرون کرده

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

تَقْبَلْهُ وَلَا يَنْقُصُ عَلَيْكَ وَلَا يَجْزُ وَلَا يَجْزُ عَلَيْكَ

تَقْبَلْهُ وَلَا يَنْقُصُ عَلَيْكَ وَلَا يَجْزُ وَلَا يَجْزُ عَلَيْكَ

قَرْنُورِ لِيَا أَلَهْمُ قَدْ نَدَيْتُكَ فَكُلَّ الْحَمْدِ وَحَمْدُكَ

تَامَسْتُمْ بِنُورِهِ وَنَادَا بِهَدَايَتِ كَرَمِهِ بِسْمِ مَنُورَاتِ سُبْحَانَكَ

وَمَعْقُورَتِ فَكُلَّ الْحَمْدِ وَكَبِطَتِ بِذَلِكَ فَاعْلَمْ

بِسْمِ مَنُورَاتِ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ وَكَبِطَتِ بِذَلِكَ فَاعْلَمْ

فَكُلَّ الْحَمْدِ نَظَاعَ رَقَبَاتِ فَكُلَّ وَتَقْبَلْهُ رَبَّنَا فَكُلَّ

بِسْمِ مَنُورَاتِ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ وَكَبِطَتِ بِذَلِكَ فَاعْلَمْ

وَكَبِطَتِ كَمَا أَتَيْتُ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَ

وَبِحَسَنَاتِ نَوَافِلِ كَلَامِكَ مَعْدُومَاتِ فَكُلَّ

الْحَمْدُ لِيَتِيكَ وَتَعْدِلِكَ تَبَارَكَتِ وَتَعَالَتْ

حُجُورِ أَدَامَتِ لِيَمُوتَ مَوْلَاكَ بِأَيِّ لَيْلٍ بِطَاعَةِ مَوْلَاكَ الْبَرَّةِ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

يَسْتَبَاحُ وَنَدَى عَلَى خَلْقِهِ أَذْنُ مَكْرُومَةٍ وَنَدَى خَلْقِهِ

أَمَّا سُبْحَانَكَ أَلَهْمُ فَكُلَّ الْحَمْدِ وَحَمْدُكَ

تَوَاجُدَ لِيَمُوتَ مَوْلَاكَ بِأَيِّ لَيْلٍ بِطَاعَةِ مَوْلَاكَ الْبَرَّةِ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

يَسْتَبَاحُ وَنَدَى عَلَى خَلْقِهِ أَذْنُ مَكْرُومَةٍ وَنَدَى خَلْقِهِ

بِسْمِ مَنُورَاتِ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ وَكَبِطَتِ بِذَلِكَ فَاعْلَمْ

بِسْمِ مَنُورَاتِ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ وَكَبِطَتِ بِذَلِكَ فَاعْلَمْ



نَفْسِي تَغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

نفس خود را ببین یا مهربانتر از همه مهربانان تو مرا بخشنده و مهربانتر

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

هیچ معبودی مگر تو پاک است از هر چه غیر تو بدست من بودم ازستم گناهان

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ كَبِّرْكَ عَلَى

هیچ معبودی مگر تو بی هیچ میل و نوری خداوندی و بزرگتر از هر

شَيْءٍ وَظَلَمْتُ نَفْسِي تَغْفِرْ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ

چیز وستم کرده ام نفس خود را ببین یا بهترین آمرزندگان

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ

هیچ معبودی مگر تو بیا که یا پرستیم تو را خداوند و بوسیله حمد و ثناء

شَرًّا وَظَلَمْتُ نَفْسِي تَغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ

بد وستم کرده ام نفس خود را ببین تو بخشنده و مهربان

الرَّحِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

مهربان بی معبودی مگر تو پاک بدست من بودم

الظَّالِمِينَ عَمِلْتُ بِحَسَنَاتِكَ وَبِزَلَّتْ عَنِّي الْحَسَنَاتُ

تو گناهان گناهان بدست من بودم و بزرگتر از هر گناهان

بسم الله الرحمن الرحيم

وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وورد بر رسولان و سپاس و خلدات بر درگاه عالمیان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بپرو زان و شاد از دنیا

وَبَارِكْ وَسَلِّمْ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

در عافیت و دعا غل صباح نره از دنیا بخود در عافیت و بپوشا

مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ وَأَنْزِلْهُ فِي نِجَامِ الْعَافِيَةِ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

از جانب خود در عافیت و روزی که مرا نای عافیت و همی کنی

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى الْعَافِيَةِ اللَّهُمَّ إِنِّي

عاجت شکر بر عافیت خداوند بپوشا

أَسْتَغْنِيكَ عَنْ دِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَ

طلب تمام از تو نفس خود و دین خود و اهل خود و مال خود

وَأَهْلِي وَأَهْلِي خَزَائِنِي وَكُلِّ نَجْوَى الْعَفَةِ بِهَا

و خون دلن خود و اهل خزانة خود و هر غنای الهامی که به یار

عَلَى وَتَقَرَّبْ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ

بر محمد و آل محمد و بپوشا بر محمد و آل محمد و بپوشا

Handwritten marginal notes in Persian script, including the date 1331 and various religious or administrative remarks.

الوجه  
 في هذا الخبر  
 من قوله  
 لا تتركوا

وَكُنْتُمْ أَهْلًا لَهَا وَهِيَ كَانَتْ أَهْلًا لَكُمْ

رسالة خود و اما خود و كذا هب خود و حفظ خود و

وَكُنْتُمْ أَهْلًا لَهَا وَهِيَ كَانَتْ أَهْلًا لَكُمْ

و اما كذا خود و بپند خود و بپند خود و

لَا تَرْكِبُوا فِيهَا مِنْ مَسَكِينَةٍ

ای که که ضایع نشود اما نه اند و نه در میان و نه

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

و اما نه شود و نه در میان و نه در میان و نه

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

خود و نه در میان و نه در میان و نه

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

خود و نه در میان و نه در میان و نه

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

خود و نه در میان و نه در میان و نه

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

خود و نه در میان و نه در میان و نه

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً

وَلَا تَجْعَلُوا فِيهَا مَسَكِينَةً



وَحَبِيبُ الرَّجَاءِ مِنَ الْخُلُوفِ إِلَى الْبَيْتِ فَصَلِّ ط  
 وَنَمِذْ اَمِید از اُمید شادان بسوخت پس محمد ش  
 عَمْرٍو وَالْعَمْرٍو وَالْعَمْرٍو بِالْكَافِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا  
 محمد والد محمد و غایت از برای او الهی استبداد است  
 بَكُنْ مِنْهُ شَيْءٌ الْكَفَى كُلُّ شَيْءٍ سَقَى لَا يَكُنْ  
 و بنده باشد از چیزی الفایده برای من چیزی را تا اندر یقین  
 شَيْءٌ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَمْرٍو وَالْعَمْرٍو وَالْعَمْرٍو  
 چیزی را بر خداوند صلوات است بر محمد و آل محمد صلوات  
 حَجَّ بِكُنْ الْحَرَامِ وَرَبَّكَ تَبَرُّكَ عَلَى اللَّهِ  
 حج خانه حرام خود و زیاده تبار بر خدایت  
 عَلَيْهِ وَالْمَعَ التَّوْبَةِ وَالْقُدُّمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ  
 برادر و الاوبا توبه و ریشام خانه بدست من  
 نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَأَخَوَانِي وَلَسْتُ كُنْتُ  
 من از تو غمخوار یا و اهل خود و فرزند خود و برادران خود و طلب  
 مَا أَهْلِي وَمَالِي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَنَا لَسْتُ بِمُحْسِنٍ  
 آنچه اهل خود و مال خود غمخوار و اوست و لکن من محسن نیستم

بِحَقِّكَ يَا مُحَمَّدُ

۱۰۰



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسى بن جعفر بن محمد بن اسماعيل بن علي بن ابي طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان

الاذكر لو جرد اصل علي بن محمد واهل بيته صل  
نكرهما وجوه رحمتك بر محمد واهل بيته اودعت  
علي بن محمد واهل بيته صل علي محمد واهل بيته  
بر محمد واهل بيته او رحمتك بر محمد واهل بيته او  
واصل في كتابنا وكتابنا من ان سجد في كونه راسه  
وكن يامن فلان وذل ان خود را بر زمين و سجود از پا  
بين اهل بيته و كتابنا و كتابنا من ان سجد في كونه راسه  
همين دعا را بعد از آن خود ميكي بسجود و ميگذري راسه  
خود را بر زمين و ميخواني همين دعا را بعد از آن سجود از پا  
مركوب و اين اود عاها نيت كرده ميشود بسم الله  
يا مستمع النعم يا فاقع النعم يا بارئ السموات  
اعوذ بك عن الفقر و البخل و الجبن و الخوف و الغم و الحزن و  
الحكم يا مغيث الضمير يا كاشف الضر و الالام  
اللهم اني اعوذ بك عن الفقر و البخل و الجبن و الخوف و الغم و الحزن و  
يا فاقع النعم يا فاقع النعم يا بارئ السموات يا مستمع النعم  
اي ما يوحى اليك يا محمد يا علي يا اهل بيته يا علي بن ابي طالب

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي جعل القرآن الكريم  
موسى بن جعفر بن محمد بن اسماعيل بن علي بن ابي طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصي بن كلاب بن مرة بن كعب بن لؤي بن غالب بن فهر بن مالك بن النضر بن كنانة بن خزيمة بن مدركة بن إلياس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان

كُلُّ غُيُوبٍ بِالْإِخْفِ الْعَظِيمِ وَهِيَ دِيمَةٌ مِنْهَا أُخْفِئَتْ

بر نوشته‌های این مکتبه گسترده استخوانی تو جالی افکند و پوسید و شل و خالی شد

الموتِ صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ

از صوت رحمت نورت بر محمد و آل محمد و بگوید ان شاء الله

أَمْرِي فَرِحْنَا وَمَحْزَانًا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

لغزیز کتابی، و پریشان رفتی او صاحبزادگان و کرامت

میدان میگواری درون کعبه و نیز عوافست میگواری

کتابخانه ایستاد و مؤسسه و مرکزهای تحقیقاتی

و اگر کسی از بعضی از علمای ما که شیعه است و از اهل امامیه

انواع حضرت سرشار کرمات شریف طاهر و قدس

مجلس المدینہ منورہ

١٠٠

بعد از آن وقت پدرم میخدا در آنها را و مادر را و من را

بودم من سبكم ما كانا وارجالاً في السبائك لم يبق

بر مشهور است و میگوید وقت ایندیو کجیز بکشد

عمر ابن عبدازیز سے شب وصال میں ملاقات ہوئی

[illegible]



نبوت ملکت یا واقع شود در دوم سوره توحید خواند  
 بعد از فراغ هر دعا علی که خواهی است بضم و بحد کرده بشو  
 در زمانه وقت خوابت تا نصف شب اول بخوابد  
 اگر اثر دارد خواب طهارت شب روایت کرده است شب  
 بخوابد در وقت دار حضرت صادق علیه السلام که هر که  
 بگوید بعد از آن جای بگوید در فراش خود شب بخوابد  
 و حال آنکه در این او مانند مسجد باشد که کرده اند  
 که جایز است بگوید برای خوابیدن هر چند قادر باشد  
 این سخن را بگوید بگویم او برای نماز حیاتی و از اعمال خود  
 خواب خواندن صحیح است و الله اعلم و قال الامام علی  
 علیه السلام که است بگوید در وقت خواب و بگوید  
 یا ایاها عنایت سلام الله علیهم خواندن سوره قل هو الله  
 صمد و غیر اینها و بگوید است بگوید یا ایاها عنایت سلام الله  
 صمد و غیر اینها که گفت شنیدم از حضرت ابن عباس  
 که هر که بگوید یا ایاها عنایت سلام الله صمد و غیر اینها  
 میرود از آن دنیا شود برای او این دعا

این دعا را در وقت خواب بخواند  
 یا ایاها عنایت سلام الله علیهم  
 صمد و غیر اینها که گفت شنیدم از حضرت ابن عباس  
 که هر که بگوید یا ایاها عنایت سلام الله صمد و غیر اینها  
 میرود از آن دنیا شود برای او این دعا



لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا مِجَازَ بَيْنَهُمَا إِلَّا إِلَهُكَ اللَّهُ

نعمت بیانی و تدریجی و تفصیلی از تو سبزه دل و سحر آید از این حد و دام

الَّذِي أَقْرَأْتِ وَرِثَواتِ الَّذِي أَتَيْتِ

که فروختارده و بر سوارو که فروختارده

عبدالرزاق اشعري ميكني استيعاب زهر السيل في السلام على عثمان بن

جلالت و بزرگوئی و شرف و اسعقاب تسبیح و مرآت و جلال  
که در این عالم است که در این عالم است که در این عالم است

شدن است و در خوابیدن تقدیم سحان اعمامت بر احواله

و ظاهر روایتی که وارد شد است که در باب بیعت زهرا علیها السلام

مطلباً اقتضا میکند تا از آن وایکد خلاصه کرد

تصویر استخوان که در اندامهای مفاصل و اعصاب قرار دارد

اتفاق ایستادن بر اینست که آن بر اهل دیگر نه یک حدیث مطمح

از بعضی مفاخر طایفه علمیه بحیث در امتدادی آن و مذهب شیعه  
راستی

کبریاست علی بن نعیمی است قدس سره بحمد الله است

۱۰۰

ما ۱۳۱

۳

بر آن روز و این است از آنکه هدی سلام به علیهم و علیهم السلام  
بیت بحسب ظاهر از اخلاق و روایات معنوی که ظاهر آن  
تقدیم الحاد است شامست شامل است به ظاهر اخلاق که در ظاهر و گفته  
شود بعد از آن و آنچه را گفته شود در حقیقت و آن روز  
افزون کرد و است که در است از شیخ طایفه و در ظاهر و گفته  
معمول از عین ظاهر که گفت شامل است به ظاهر و گفته  
این عبد الله علیه السلام پس سوال کرد و فرمود که در ظاهر و گفته  
طایفه السلام پس فرمود و حضرت علیه السلام الله اکبر تا هر که  
سیر و سیر و گفته پس گفت الحاد که تا به ظاهر و گفته  
و گفته پس گفت سبحان الله تا به ظاهر و گفته  
انها را بدست خود و گفته در ظاهر و گفته  
با الحاد و محض و گفته تا به ظاهر و گفته  
و این روایت که در ظاهر و گفته تا به ظاهر و گفته  
موسس از اهل المؤمنین علیه السلام که فرمود بر روی ظاهر و گفته  
حاکمیت کم شمار از خود و ظاهر و گفته تا به ظاهر و گفته  
که کثیر و گفته تا به ظاهر و گفته تا به ظاهر و گفته

این عبد الله علیه السلام پس سوال کرد و فرمود که در ظاهر و گفته

این عبد الله علیه السلام پس سوال کرد و فرمود که در ظاهر و گفته

در این کتاب که است از کتب قدسیه که در این شهر است و در این کتاب که است از کتب قدسیه که در این شهر است

تا اینکه ابرار کرد صفت های او و جازوب کرد خاندان را تا اینکه  
 او و شد بجهل هاجس و افسان از رخت و میرد یک تا اینکه کشا  
 شد و خشت های پس و رسید از این و نیز معنی پس گفت  
 من با او که اگر میبای پس بهر دست پس سوال کنی از و خدا نگا  
 که کفایت کند از تو لقب و معنی از خود و دان این عمل دانی  
 خدمت و غیر اصل القبطیه و آل و مسلم پس یافت و از شخص  
 چند پس شرم کرد و بگشت پس داشت انحصار کرد و برقی  
 که او این استفاده برای حاجتی پس و با حق با امد و با  
 و طاعت خود بودیم پس فرمود علیه السلام علیه السلام پس گفت  
 شدیم ما شرم کردیم که بسبب حال خود باز فرمود السلام علیه السلام  
 خدا گفت شدیم و شرم کردیم که بسبب حال خود باز فرمود السلام  
 پس فرمودیم که اگر اسلام نکنیم هرگز که مدد و تحقیق که می کرد  
 چنین مسلم می کرد و سر و سر پس اگر از این خانه میشد داخل شد  
 و اگر بر سر بگشت پس گفت من و طاعت السلام ای رسول خدا  
 داخل شو پس داخل شد و نشست پس سرهای ما و در  
 ظاهر شهر بود حاجت فرمود و در نزد و بعد پس رسیدیم پس که اگر

در این کتاب که است از کتب قدسیه که در این شهر است و در این کتاب که است از کتب قدسیه که در این شهر است

جواب ندادم و نه از این که بر خود پس پرسیدند آن دم من در میان  
پس گفتم و آن من خبر میدادم مرا ای رسول خدا پس بدین  
که او کتاب کشید بخیانت تا اینکه اثر کرد در سینه او و کرد این کتاب را  
تا اینکه از کرد دستهای او و از لب کرد خام را تا اینکه خدای  
آفریدند جامه های او آتش از رخت زبر و خشت تا اینکه خدای  
شمار ختمهای او پس من گفتم و او که اگر میای پیش من دست خود  
سوال کن از خداست که گفتم که از این که تو میخواستی  
تو در آن ازین حل پس فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله  
الاجب من تعالیمکم شما را ایضاً آن متر باشد از برای شما و آن  
عمر که در آن بود و آنکه خود را پیش بگویند می بینند هر که  
تسبیح بگویند می رسد تسبیح و حمد بکین می رسد و هر که حمد  
پس چون او را فاطمه علیها السلام سوخت و او گفت بر من  
از خدا و رسول و اوصی شوم از خدا و رسول و وین پس  
که این روز هیچ نیست و تقدیم تسبیح بر حمد زیرا که او را  
فریب ندهد که بگویند آن و کرد از برای خلق تسبیح بنا برین  
اصح چنانکه پسرین و بنانیت در اصول و فروع تقدیم تسبیح

بہارِ پنجتہ حبیب، کہ عبارت از چندین خط و استعم



که قابل شدن باشد فرق میان تسبیح و تحمید علیها السلام  
قدین دو حال بلکه آنچه ظاهر میشود بعد از تنبیح اینست  
که هر یک از این خوف و فکرم باطل است بقدریم تحمید و تاخیر آن  
قابله آن مطلق خواه واقع شود بعد از نماز یا پیش از آن  
پس قول بتفصیل احداث قول بیعت در برابر اجماع هر یک  
و اما آنچه میگوید که احداث قول سیم مستحب نیست مگر  
که لازم آید از آن بر طرف شدن آنچه اجماع لغزشش باشد  
و آن مانند این دادن کین و طمی کرده باشد و بیعت  
اوش دیگر اگر اتفاق کرده اند بعد از آن بخلاف آنچه چنین  
باشد که قول بتسبیح نکاح بعضی از عیبهای بیگانه  
نم بعضی دیگر اگر هر یک از اینها موافقت دوم کنیم  
و چنانکه در اینجا است زیرا که ماضی نیست از این قول  
و روشن مانی که غایب باشد و نکشتن مسلمانان هم  
بعد از قول بان از امت بدویم و بعضی اول و بان دیگر  
بعضی از این جوابات آن اینست که این تفصیل در  
بیت مکرر مذهب سنیان و اما بنابر آنچه بیان کرده  
اولاً با قول اول موافقت



ایامی که حجت اجماع و دلیل آنست که کاشف از حقیقت  
 مخصوص پس این تفصیل معقول نیست چه مخالف  
 لازم بدین امر چند موافق باشد قابل با هر یک از فریقین  
 و قوی و قیاسی که بر این مثال فرض کن و کشتن در آن  
 بهر حال و است که بوده باشد خوابیدن تو بر جانب راست  
 هیچ بدین حق که آن خواب مؤمنانست چنانکه روایت کرده  
 از ائمه الاسلام در کافی و مستدرک صحیحی از احمد بن اسحاق  
 که گفت گفتیم محضه ابو محمد یعنی حسن عسکری علیه السلام  
 که چند شومس غلای توید در حق که من نمیکنم از برای  
 چیزی که میبیند بخاطر من و تحقیق که از او کردم که رسول  
 کم بدین راه علیه السلام از آن پس بر نیامد از برای من آن چنین  
 فرمود و محضه و چه چیز است آن احمد پس گفت محضه  
 روایت شده است برای ما از پدر من تو علیه السلام که گفت  
 که خواب پیغمبران بر قفای ایشانست و خواب مؤمنان  
 بر جانبهای راست ایشان و خواب منافقان بر جانبهای  
 چپ ایشان و خواب شایطین بر روی ایشان پس فرمود

انحضرت علیه السلام چنین است این پس گفت ای سید من  
بدرستی که من جهل می‌کم که بخوابم بر جانب راست خود  
پس ممکن میشود یا نمیکردم را خواب بر آن پس ساختند  
انحضرت متعلق بود از آن هر دو یکی اخذ نزدیک شویم  
پس نزدیک شدم پس هر دو که داخل کن دست خود را بر  
چانه‌های خود پس داخل کردم آنرا پس نزدیک او رفتم  
خود را از او چانه‌های خود پس مالید دست و دست  
بر جانب چپ من دست چپ خود را بر جانب راست من  
سیرت گفت ای سید من بخوابم بر جانب چپ  
ایانوست که کرد آنرا من انحضرت علیه السلام و نمیکردم را  
خوابی صلا و انحضرت خوان من میشود و نزد خود می‌نویس  
آفت که دانیده است اول وقت اسلام و زکات و سیرت  
از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که هر که می‌نویس که  
می‌نویس خوابگاه خود را من سیرت  
الحمد لله الذي علا فقهنا والحمد لله الذي  
سیرت می‌نویس که دانیده است اول وقت اسلام و زکات و سیرت

پایه یوزدلیز کرده نهند تا به استغنی خلیجی کرده است می شود و در آن وقت که

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

الحمد لله الذي جعلنا من خلقه  
 ما يشاء من خلقه ما يشاء من خلقه  
 ما يشاء من خلقه ما يشاء من خلقه  
 ما يشاء من خلقه ما يشاء من خلقه

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَتَدْرُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

مَلَكَ فَتَدْرُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَتَدْرُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

يَحْيِي الْمَوْتِ وَيُمْيِتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

كَذَلِكَ يَكُونُ مَرْدُودًا وَمِنْ لَدُنْهُ رِجَالُ طَائِفَتٍ

يُحْيِيهِمْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

يَكُونُ مَرْدُودًا وَمِنْ لَدُنْهُ رِجَالُ طَائِفَتٍ يُحْيِيهِمْ

لِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

يَكُونُ مَرْدُودًا وَمِنْ لَدُنْهُ رِجَالُ طَائِفَتٍ يُحْيِيهِمْ

لِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

يَكُونُ مَرْدُودًا وَمِنْ لَدُنْهُ رِجَالُ طَائِفَتٍ يُحْيِيهِمْ

لِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

يَكُونُ مَرْدُودًا وَمِنْ لَدُنْهُ رِجَالُ طَائِفَتٍ يُحْيِيهِمْ

لِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

يَكُونُ مَرْدُودًا وَمِنْ لَدُنْهُ رِجَالُ طَائِفَتٍ يُحْيِيهِمْ

لِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

يَكُونُ مَرْدُودًا وَمِنْ لَدُنْهُ رِجَالُ طَائِفَتٍ يُحْيِيهِمْ

لِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَتَدْرُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي



اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِسْخْلَامِ وَمِنْ شَرِّ

خداوندایندستی که حرف میانه می آید می تواند احتلام و اذ شتر نیز باشد

الْأَخْلَامِ وَمِنْ ثَمَّ يَتَلَا عِبَّ الشَّيْطَانُ

که در خواب دیده شود و از آنکه بازی کند با مق شیطان

وَالْيَقْظَةُ وَالْمَسَامُ وَرَوَايَةُ شَدِيدَةٌ وَكَثِيرَةٌ

درمیداری و حواپ

مفکوزیر از برای ایمنی از سبک فرود آید و پروانه از حضور

رضا علیہ السلام فرمودہ کہ گفت و گو یکس و یکا را اراۃ کردہ

لَمْ يَخُودَا فِي اللَّهِ بِمُسْلِكَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْ

بیشتر که خدا نگاه می‌دارد اسماعیل را

تَرَوْا وَلَقَدْ نَزَّلْنَا إِنَّمَا مَسْكُهُمْ يَمِينًا جَدِيدًا

زبان شوند و هرگاه زبانی شوند از آنکه غیر از آن باشد یا هیچکس

بَعْدَ اِيْتِهَانِ جَلِيمَا عَفْوَمِ اِيْسَ وَرَدَلَمَا بَا  
 سَمَاءُ تَقْدَارِ مَوْتِ كَاوَرِ دِيَارِ مَوْتِ اَمْتِ مَوْتِ وَجَاهِ دِيَارِ مَوْتِ

شد است و کتاب ملائکه با سوره الفجر که در هر کتاب

پیام خداوند

1

اَلْحَيَا وَبِاسْمِكَ اَمُوْتُ بِسْمِكَ اَمُوْتُ بِسْمِكَ اَمُوْتُ

وَمِنْهُم مَّنْ يَشْتَرِي عَصَا فَاَنْتَحِبَ فِيهَا

أَحْمَدُ اللَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَوَاتِي وَاللَّهِ الْعَظِيمُ

سپاس خدایم که این فقه را بنیاد برافشاد و انکار ما را برافشاد و او را برافشاد

وہابیہ شیعہ اسے جو کتاب مذکور ہے ان حضرات سے

کہ فرمودہ کہ ہر گاہ بشتوی اواز عروس پس بگو

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ

بنیاد پاکیزه است بسیار مزه است بر روی کافورستان و روح است

سُبْحَتِ رَحْمَتِكَ عَصِيْبِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

سُخَّانَكَ وَبِحَالِكَ عَمِلْتُ سُبُوحًا وَظَلَمْتُ

بیسج میکنم تو را و حال آنکه متلبم بسیار فرموده ام بدی و ستم

مَنْ غَفِرَ لَكَ اللَّهُ ذُنُوبَكَ لَا يُغْنِ عَنْكَ اللَّهُ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكَ

خود را پس می آموزد و با دوستی که غیبت از دنیا دارد و مکر تو

وہاں پر سزاوارست کردن آن نزد خواہیدن سر رسید

پس تحقیق کردیم و این شد که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

*(continued)*

\_\_\_\_\_

باشد و این تکبیر که این سر بر می کشند هرگاه بخوانند  
 که برود بجهان خواب خود و تحقیق که روایت شده است که  
 حضرت علی علیه السلام که فرموده که هر که در میان دو دشمنی در میان  
 او بر سر می کشد و هفت میل از خواب بیدار شود از آن  
 چهار میل در چشم راست و سه میل در چشم چپ و ده  
 شده هم از حضرت علی علیه السلام که فرموده که هر که در میان  
 امانت از آن که نازل شود در چشم و روایت شده است  
 که از حضرت علی علیه السلام می خوانند این دعا را از دست بر کشند  
 اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبِحَقِّ  
 خداوند ایستاده که من سوال میکنم تو را بحق محمد و آل محمد که در حق  
 عَلِیٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْ تَجْعَلَ التَّوْبَةَ جَوْرَی  
 بر محمد و آل محمد و اینکه بکنده اند خداوند بندگان  
 وَالبَصِیْرَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَالبَقِیَّةَ فِیْ قَلْبِیْ وَالاِخْلَاقَ  
 و بیانی را در دین من و بقیه را در دلم و اخلاق را  
 فِیْ عَمَلِیْ وَالسَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِیْ وَالسَّعَادَةَ فِیْ رِزْقِیْ  
 در عمل من و سلامتی را در نفس من و سعادت را در رزق من





[illegible]

امیر المومنین علیه السلام گفت بعد از من تحقیق  
که محروم از نماز شب بین خود و امیر المومنین علیه السلام  
سوی من تحقیق و در بند کرده است ترا که اهلان تو و دایه  
شیخ طائفة در تالیف کنند چیزی از سخن و صادق علیه  
در قول خدای تعالی ان تاتت القتل فی اللیل و طالع  
بیلا که خود در تالیف است از دست و از آن خود که در  
نکته این مکر خدای او و نیز کرده است شیخ و در  
سندی صحیح از اهل حضرت علیه السلام که فرموده که گفت  
بنام مکر این که پاره چشم و در شب بگریه و یاد و توبه  
پس اگر بخون و خواهد بود آن و اگر نه می کشاید شیطان  
با حای و در این بول می کند در گوش او یا فانی و خدا  
از شما که هرگاه بر می خیزد و نبوده است این را در هر روز  
انکه گران و مکر و سنگین و کاه است و در طایفه آن  
کرده است از تالیف است که چیزی نیز از عربین و از آنکه  
مکمل شنیدن از حضرت ابی جعفر علیه السلام که می فرمود  
که در رستی که در شب هر چند ساعتی هست که موافق

در این کتاب که در تالیف است از شیخ طائفة در تالیف کنند چیزی از سخن و صادق علیه السلام در قول خدای تعالی ان تاتت القتل فی اللیل و طالع بیلا که خود در تالیف است از دست و از آن خود که در نکته این مکر خدای او و نیز کرده است شیخ و در سندی صحیح از اهل حضرت علیه السلام که فرموده که گفت بنام مکر این که پاره چشم و در شب بگریه و یاد و توبه پس اگر بخون و خواهد بود آن و اگر نه می کشاید شیطان با حای و در این بول می کند در گوش او یا فانی و خدا از شما که هرگاه بر می خیزد و نبوده است این را در هر روز انکه گران و مکر و سنگین و کاه است و در طایفه آن کرده است از تالیف است که چیزی نیز از عربین و از آنکه مکمل شنیدن از حضرت ابی جعفر علیه السلام که می فرمود که در رستی که در شب هر چند ساعتی هست که موافق

شفیق است و از ایند سلطان که نماز کند و دعا کند خدا را که  
 هر که اینک مستجاب کند خدای تعالی برای او در مشیت  
 و استیلا و این کلام است و این شریف و در هر  
 یک روز و شب و شب و شب و شب و شب و شب و شب  
 بخواند و در هر وقت که بخواند از خداوند بزرگوار  
 سوال کرد که در حق صادق علیه السلام از قول خداوند جل  
 جلاله است و میفرماید من انزل القرآن و من انزل القرآن  
 در نماز است و روایات از اصحاب عصمه سلام الله علیهم  
 روایت است و شب و شب و شب و شب و شب و شب و شب  
 از خواب بیدار و از خواب بیدار و از خواب بیدار و از خواب  
 که بخواند و از خواب بیدار و از خواب بیدار و از خواب  
 که بخواند و از خواب بیدار و از خواب بیدار و از خواب  
 خود بخواند و از خواب بیدار و از خواب بیدار و از خواب  
 از خواب بیدار و از خواب بیدار و از خواب بیدار و از خواب  
 الحمد لله احيانا بعد من امانتي و اليه التوسل  
 پانصد و ده که در این کتاب است و از این کتاب

الحمد لله الذي رد علي روحك وحسن راحته

سپاس بر خداوندی که بر تو جانم برده و روح مرا بجا کرد و مرا آرامش داد

ما مضى تركه دلت لله الاسلام وكافى شئنا من سوء

بافزودن آنچه که در گذشته بود و خیر از شرش و حسن کارهای من

آمین بگو اللهم انه لا يولاي عنك ليس يسلخ

از تو جدا نیستی که بخواهد از تو جدا شود

ولا يما عذبت ابراج ولا ارض ذات شعاع

و نه آسمانها را که عذاب کند و نه زمین را که تابانند

ولا ظلمات تبعها غراتهم ولا بحور

و نه تاریکیها را که پیروانند و نه دریاها را که

تبعهم بغير يدك المذبح خلقك اعلم

پس تو را که بزرگوارتر از دست تو نیست و تو را که همه را آفریدی

خالقة الاعين وما تحق الصلوات عابدها

آفریننده چشمها را و آنچه بر او صلوات است و عباد او را

الحجج و انوار العيون وانت الحق الغفور

سازگار و نورانی کننده چشمان را و تو هستی حقیقت و بخشنده





الحمد لله رب العالمین  
 این مجتهد و شایسته کرامت و دیندار ما هرگاه که در سواد  
 و ظاهر اینست که آنحضرت علیه السلام اراده کرده دستار ما  
 سنانها را که طالع کرده باشند از عروب افتاد و چنانکه  
 گفته است شیخ ما شیخ شهید را و در بعضی از مشایخ آنها  
 شروع آنهاست در بیان آنکه در وقت طالع میشود  
 در احادیث کافی نیست و گفته و کافی بر آنده و گفته و گفته  
 در گفته شفع و دیگر گفته و در گفته بر سید و گفته و گفته  
 در گفته و گفته و این زمان شب از سنانهای و گفته  
 بر و گفته و گفته طالع و در گفته و گفته و گفته  
 صادق علیه السلام که فرموده که در وقت و گفته و گفته  
 صلی الله علیه و آله علیه السلام ای علی وصیه میکنم ترا که  
 نفس خود را بجز حاصله شمس حفظ کن آنها را بعد از آن  
 فرمودند و خدایاری کن او را و ذکر کند و بعد از آن  
 تا آنکه فرمودند و عليك بصلوة الليل و عليك بصلوة  
 الليل و عليك بصلوة الليل و عليك بصلوة الزوال و عليك  
 بصلوة الزوال و عليك بصلوة الزوال و ظاهر اینست که آن

در این کتاب  
 در این کتاب  
 در این کتاب

[illegible]

حاکم بن ابی اسحاق و جیوه سفت مالش در دست  
 ما بخت و رفت و بولند و شکر است  
 و علی که در آن روز که در آن روز که در آن روز که  
 اما کان حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق  
 خلافت و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق  
 پیشه و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق  
 حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق  
 القدر و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق  
 حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق  
 حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق و حق

عبداللہ بن قیس شافعی کہہ رہے ہیں کہ ایک یوں بیان ہوا ہے کہ



بني دقن كذا قسوه بكتب واسيا  
قارع شدي ريه روت اموي لوزنلا  
چا كوه موعنه واقع شوه وكلام  
خلقتا خروشي تيت بجر

کلمه یازدهمین که در این کتاب است

مستخرج من نسخة  
مكتبة جامعة القاهرة

တရားဦးစီးဌာန

اعمال و سنگینی تو در وقت غفلت برای چپ تو و سوز آوار  
کشودن برای راست و طول آمدن دشمنی و دور رفتن  
مکر برای حاسی که خونخوار آن دل بسته باشی اینرا  
ایة الکرمی بالحمد لله رب العالمین با عکایان بدان یادگر  
خدای تعالی و بعد از آنکه طبع شوی به جز و بکن نه  
خود را نه بخود و بگو الحمد لله الذی انا طاع عنی الادی

سب سے بڑا حقیقی پانچویں دور کیلئے ہم نے ان اور

وَمِمَّا تَحْتَمِي طَعَامِي وَشَرَابِي وَعَفَافِي مِنَ الْبَلَايِ

وگذاوردند و برای من طعام را و شراب را و عاقبت عذر را از من

واینستراکی باید که کداری انکشت میاوانند و مقعد را  
آنها اصل ذکر بعد از آن کداری انکشت را در  
و انکشت میاواند بالا ای آن و بیضاری بغیر از  
بعد از آن بیضاری حشفه را در بر و تخم یکی در  
استرا و هرگاه خواهی که استخوانی آب پس  
الحمد لله الذی جعل الماء طهوراً و اودع الحیة فی

سپاس هزارانم که عیادت آب را چکاند و تکیه از زبان عیسی

Handwritten text in a cursive script, likely a manuscript or letter, written on aged paper. The text is dense and covers most of the page, with some lines written in a different script or dialect. The handwriting is fluid and characteristic of the period.

و استنجای آن بدست چپ خواهی و با دست راست پاک کنی و سوره  
بکلوخ و معاندان و اگر درست و انکشتی باشد کلوخ  
آب است و در آن زهر باشد پس بر روی آن آب بکوب  
باشد شستن و بعد از آنکه بشستن و انکشتی که با  
انکشت که با دست و سوز دست راست را بکوب و آب  
کن در غیر مستعدی از غائط یعنی آنکه حیوانی و اطراف مستعد  
نرسیده باشد آب بکلوخ مالیدن و جمع میان آب  
سوزات در مستعد و غیر آن و شو و خرج غائط را با انکشت  
اساسی که بصدای آن و بگوید در حال استنجای  
اَللّٰهُمَّ حَقِّقْ رِجْلِيْ وَاعْقِبْهُ وَاسْتَرْعُوْهُ  
خداوند پا نهاد فرج مرا از حوام و عقیقه کن از او و استر عورت مرا  
و عورتی علی الثار و مقدم دار شستن و خرج غائط  
تعمیم کردن مرا بآتش بوشستن و خرج بول و طاق  
بکوبان حد سنگها را اگر باله شود و علی الثار و سوز  
هر یکی از نام عمل اینک در ذیل آن بر آن آب بکوب  
از خلاص پیش بکند و ای مرا بپوشد و بگوید در پیش آمدن

در کتب معتبره  
در کتب معتبره

الحمد لله الذي عرفني الله ولبي في حب

سپاس و قد ابراه که شناسا شدنم الله عز و ابراه که شناسا شدنم

قوته و اخرج عني اوهابها النعمة لا تقدر

قوت انرا و برون کرد از من از ابراهها نعمت را که قدر

الفاذرون عنها فصل پس هرگاه بیرون آمدن

قادران شمرده اند از خلا ابتدا کن عیون

بعد از آن و صوبه ساز و صوبه کامل چنانکه گذشت

اول بعد از آن خود را خوش بوی ساز پس تحقیق کرد و بوی

شکل است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که اگر

بوی خوشی از او علیه السلام بوی خوشی از او علیه السلام

میگرفت آنرا بدست خود و حوالی آنکه آن تر بود و در او اثر شده

نیز از آنحضرت علیه السلام که فرموده که دور کمتر که بکند آنرا

بوی خوش کرد و افضل است از آنکه دور کمتر که بکند آنرا

خوش نکرده و بدو بوی خوش کردن است از این

مکانی و هر چه از این نیست مخصوص از شب و صبح

پس هرگاه و صوبه ساز و بوی خوش کردی پس تحقیق

در کتب معتبره  
در کتب معتبره

وَجَوَارِحُ جَانِبِ حَضْرَتِ بْنِ الْمَعْدِیْنِ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ  
کَرَمِیْوَانْدَن اَز اَدْرَدَل شَسَبَس  
اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ وَنَاجِئُكَ بِعَبْدِكَ  
اِيْمَانُ دَلَمَز و دَامِدِه اَن دَسْتُو رَی اَسْمَان تُو وَ حُرَاب رَسْمَان جِسْم اِی  
اَنَامِلَت وَ هَكَ اِن اَصْوَات خَبَلَدَل اَو اَصْلَامَل  
اَهْمِیْكَ اَن تُو مَکَل شَر حَمْد اِی بَر کَان تُو وَ چَوْد اِی تُو  
وَقَطَقْتِ الْمَلَوَل عَلَیْهَا اَن اَو اَهْمَا وَ اَمَلَت عَلَیْهَا  
وَنَشِا اَسْمَا پَادش اَمْر اَهْمِیْ دِی وَ دِی اِی وَ حُرَاب اِی وَ دِی اِی  
خَر اَهْمَا اَو اَهْمِیْ وَ اَعْرَن اِی اَهْم خَاجَل اَو اَهْمِیْ  
نَاجِی اَن اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
فَتَنُومُ قَالِد وَ لَسْتِ اَلْجِی حَق قَوْم اَلْمَا خَلَدَل  
اَز اَسْمَان دَامِدِه وَ تُو اِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
سَنَه وَ لَا اِیْ خَلَدَل سَوْن اَعْرَن اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
جَنک اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
لَمِنْ وَ اَمَلَت مَعْقَل وَ دِی اِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
اَز اِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی

سَعَادَتِ حَقِیْقَتِ اَللّٰهِ

اِنَّا نَسْأَلُكَ وَ نَاجِئُكَ بِعَبْدِكَ  
اِيْمَانُ دَلَمَز و دَامِدِه اَن دَسْتُو رَی اَسْمَان تُو وَ حُرَاب رَسْمَان جِسْم اِی  
اَنَامِلَت وَ هَكَ اِن اَصْوَات خَبَلَدَل اَو اَصْلَامَل  
اَهْمِیْكَ اَن تُو مَکَل شَر حَمْد اِی بَر کَان تُو وَ چَوْد اِی تُو  
وَقَطَقْتِ الْمَلَوَل عَلَیْهَا اَن اَو اَهْمَا وَ اَمَلَت عَلَیْهَا  
وَنَشِا اَسْمَا پَادش اَمْر اَهْمِیْ دِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
خَر اَهْمَا اَو اَهْمِیْ وَ اَعْرَن اِی اَهْم خَاجَل اَو اَهْمِیْ  
نَاجِی اَن اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
فَتَنُومُ قَالِد وَ لَسْتِ اَلْجِی حَق قَوْم اَلْمَا خَلَدَل  
اَز اَسْمَان دَامِدِه وَ تُو اِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
سَنَه وَ لَا اِیْ خَلَدَل سَوْن اَعْرَن اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
جَنک اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
لَمِنْ وَ اَمَلَت مَعْقَل وَ دِی اِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی  
اَز اِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی وَ دِی اِی

وَلَا تَقْرَبُ

الحمد لله رب العالمين  
سُبْحَانَكَ رَبِّيَ عَمَّا يَشْرِكُونَ

وهدای رحمت تو منع کرده شده اند و باید عاقبتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که سوال میکند و از ما شده اند اندک ما را داده شده اند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا تَرْجُو سُبْحَانَكَ رَبِّيَ عَمَّا يَشْرِكُونَ

ایند و توئی گریه که بر منکره ای هیچ سوال کنند و از ما

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

که سوال کنند و از ما شده اند اندک ما را داده شده اند

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ اللَّهِ رَبِّكَ بِالْغُضْبِ وَالْقَبْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَا تَقْصِرْ سُبْحَانَكَ رَبِّيَ عَمَّا يَشْرِكُونَ

ویرای او جاندار کسی غیر از تو خداوند و تحقیق که می بینی مرا

وَكُلِّ مَشَاقِي بِرَبِّكَ سُبْحَانَكَ رَبِّيَ عَمَّا يَشْرِكُونَ

وخواستی جاندار پیش سبقت و سبقت را بر او و او را

كُلِّ مَشَاقِي بِرَبِّكَ سُبْحَانَكَ رَبِّيَ عَمَّا يَشْرِكُونَ

باید در وقت و آنچه سبقت را بر او و او را



استأثرت الزوج كما لو امة عند الموت والعفو

سوال عيكم تورا رمت وراحت نزد مراد و عفو

عنى جيون العتال و مكافاة من اذ ظننت به و كثر

از من و كفاي كه ملاقات كنم تورا كه مجزا افتد و در كفاي اولان قلم

اسد و در و نيم قلم ايها المكافاة و بعد از ان بايد و يك مكره

مبارك خود را بتكبير و دعا ميكنند و هر كه بكناري اين

دو ركعت را بدين خوديست كه بخواند تا برود و ملاك و ملا

رئيس محدث در كتاب لعل الى از ابي الدرداء كه شيفه

او سقفة لعير المؤمنين عليه السلام كه من اذ ظننت به و كثر

و در شب الهى كس من مؤمنة حلت عن

انجداى و نه فيدر مصنف بلا كذا كذا

كثرت مقابلهها بفتنات و كذا من جبرته

ابرايم الخاقاني لعل في كذا كذا كذا

عن كسها بكر ملك اهل ان طال في عسائه

الا و سوا كذا ان بكرم خود را بعد از ان كه در كذا كذا كذا

عزوف و قظم في الصحف و نبي و كذا

عزوف و نكرست در كذا كذا كذا

و كذا كذا كذا









کافیت بر احد و فلان اولاد و در رکعت و در رکعت  
 انصاری بر حد آنها است باقی فرائض و بدانکه تحقیق اتفاق  
 کرده اند و لای با و اینکه قنوت چنانکه است در رکعت  
 واجب است در هر رکعت و در یکی از فرائض و در رکعت  
 کرده است از ائمه الاسلام و کافی است در سجده و در سجده  
 صادق علیه السلام و کافیت در قنوت است و بدانکه یکی  
 اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا و اعف عنا  
 خوانند یا میفرمایند یا در هر رکعت و عافیت در هر رکعت  
 في الدنيا والاخرة ائمت على كل شئ قبيح  
 در دنیا و آخرت بدین که قنوت هر چه بد و ناپاک است  
 چنانکه روا کرده است از کافی است در هر رکعت و در هر رکعت  
 علیه السلام و عافیت است کافی در هر رکعت و در هر رکعت  
 و است بدانکه خوانند قنوت هر چه بد و ناپاک است  
 و در هر رکعت و در هر رکعت و در هر رکعت  
 و در هر رکعت و در هر رکعت و در هر رکعت  
 و در هر رکعت و در هر رکعت و در هر رکعت

اللهم اغفر لنا و ارحمنا و عافنا و اعف عنا

قنوت هر چه بد و ناپاک است

[illegible]



و از علل های متوسط که متاوان است که حوازم شود و

و از جمله عامای رسول نبوی صلی الله علیه و آله که در این شهر از حضور

اَسْتَدْعِيكَ يَا اَللّٰهُمَّ اِنْ الرِّجَاءَ لِيَعْبُدُ وَفِيهِ

خداوندایم را از ویسفر اخی رحمت تو

انطعن بنبينا فالتك والامل لاننا لم نكن

گو یا گو ده است مرا بطلب تبه نوون نو و امید رسید در نند نو

لَقَدْ تَجَمَّعُوا عَلَى طَلَبِ امْتَنَانِكَ وَعَفْوِكَ

مطالعہ ایجوکیشنل و ادبی سہ ماہی طلب امانت و عقوت

وَلِكُلِّ أَوَّلٍ دُرُوبٌ قَدْ وَصَّيْنَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ

از برای اینکه بدو که در کتبها که در این اوقات است

وخطاباً باقداً لا حظاً في الحقين الاستطال

خطای که تحقیق که نکرده است این را ویدیه اصطلاح

لَا تَسْجُدْ سِوَايَ عَالِي عَرْشِكَ الْيَوْمَ الْغَدَاءَ

دستورالعمل‌های آموزشی  
علائق‌های آموزشی

اسحق بن ابراهيم بن مينا بن العباس بن محمد

وہم سب اہل انبیا علیہم السلام



مِنْ تَجْرِجِ الْمَوْتِ وَالْإِمْحَاقِ مِنْ تَحْقِيقِ

از زبان کرمی اندوه و آنچه را مستحق آن نیستیم باز بر طرف کرمی

الْعَزِيمُ مُنْقَبِلًا يَا اَبَاكَ وَانْفِصَامُ مَوْلَايَ بِكَ اَللّٰهُمَّ

غم طلب فتنه گسترده از نژاد اعدا شده از هر دو نژاد که به موجب قانون

فَامِنْ عَلَى الْفَتْحِ وَتَطَوَّلَ عَلَى سَبْعَةِ الْحُجَّ

7. پست گذارین کشتایش و نقصان این برهان مابین بدو شد

وَأَذِلَّةٌ لِلسَّيْرِ يُرِيدُ الْبَاقِيَ وَيَأْتِيكَ بِهِ كَثِيرٌ

لہذا تمام اخباریں اپنی حیثیت سے بہت زیادہ واضح و قدر کی ہو جائیں گی

عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْيَنِ وَخَلَصَ مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ

از ربه و خلاص بودم از ناله و اندوه

بِإِقْلَامِكَ وَأَخْلَقَ بِهِ السَّوْءَ بِرَحْمَتِكَ وَوَحَلَّ

در گذشتن خود به گشای بند مرا  
در محبت خود گرفت گذشت

عَلَىٰ بِرِّضَائِكَ وَجَعَلِي بِإِحْسَانِكَ وَأَقْبَلِي

بریں پیشرو، ملا و جو دکن برون با حسن خود و برکن آن

مَنْزِلٌ دَفْعُ كُوفِيِّ وَارْتِمَ صُرْبٌ وَلَا تَحْمِلُ دَعْوَتُ

عزیز و اہم ترین اندوہ مرا کہ جس نے انہیں مراویں ہوئے ہیں

مکتبہ اہلسنتینہ (۱۹)



وَأَنْفُكَ بِالْإِغْلَالِ أَوْ ذِي فَقْرٍ بِمَا ظَهَرَ فِيهِ

و سخت کن بیکدشتن قوت مرا و قوی گردان بان پشت مرا و

اصْلَحْ بِمَا أَمَرِي وَأَخْلَعْ بِمَا عَمَرِي وَارْحَمْنِي

اصلاح کن بان امر مرا و دواز گردان بان عمر و رحم کن مرا

يَوْمَ حَشْرِي وَوَقْتُ شَرْيَاكَ جَوَادِيكُمْ

روز حشر من و وقت بد کنی من بدست کاروانم و بخشم

تو بکس از خشم و بخوان بمانم و در و کمر از وقت گردانم

مهران رحیمی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ تَسْأَلْ مِثْلَكَ أَمْتُ

ای خدا من سوال میکنم تو را و سوال کرده نشد است مثل تو

مَنْ خَضَعَ مَسَائِلَ الشَّاطِلِينَ وَمَنْتَهُنَّ غِيَاثُ

کسی که سوال کند مسائل شایطین و مانده ای رغبت خدای

أَوْ غَوْلَةٍ وَلَمْ يَدْعُ مِثْلَكَ وَأَزْعَبَ الْمَيْلَ عَوْلَمُ

یا غول را و خوانده نشد است کسی شایط و بخت مکن

يَوْمَ تَسْأَلُ الْمَوْتُ أَمْتُ مَحْبُودٍ عَمَّ الضُّلَّالِينَ

روزی که خواهی پرسید مرگ من محبوس را از جمیع گمراهان

و در آن روز من را خواهی پرسید از جمیع گمراهان

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

والمؤمنين  
والذين آمنوا  
والذين هم  
أشد لله حبا

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم محمد وعالمك وبكل اسم هو لك في التوراة

از آن کسی که بخواند و او هر نامی که در کتاب است درود دهد

والانجيل والزبور والفرقان العظيم وبكل اسم

وانجيل و زبور و قرآن عظیم و بر هر نامی

دعائك به حمله عرشك وتلا تكتك واتيانك

که خواند به حمله عرش تو و تلاوت کند و آید

فهرشك واهل طاعتك من خلقك ان

و هر کس که از اهل طاعت تو از آفریدگان است

بصلي على محمد وال محمد وان جعل مرج

درود بر محمد و آل محمد و آنرا بخواهد

واين وليك وفعل غري اخذك وان فعل

و این دوست خود را و عمل کند و آنرا بخواهد

في كذا وكذا البطلان شيك شيك شيك شيك

در آنجا و آنجا بطلان شود و آنجا شود و آنجا شود

ان الله تعالى اعلم ان من دعاك في كل يوم

این خداوند تعالی بداند که هر کس که تو را بخواند

في كل يوم سبعين مرة ينجي من النار

در هر روز هفتاد بار نجات دهد از آتش

الذی جاء فی صفت النور

اینکه این قسم نور تو بزرگی تو و عظمت تو که در صفت نور  
منشأ بدیعت و طرفین اول الدهر عندنا  
بنیاد آنوقت که تو بدیعت خلق و از اول زمانه که بدیعت  
و ام خلوق ربوبیتک بکل شعری فی کل  
بدوام همیشه که بدیعت تاری تو بهر موقت در هر  
طریق و عنین سرمد الابد یحیی الخلق و شکم  
چشم زرق همیشه نور کار بعد خلایق و تدایان  
مرجعین لک مقتضای البصر اداء شکر تو  
بر آنکه بخدمت من تقصیر کننده در صفت او ای شکر تو  
فیروزه منیرت علی و لواحق کبریت معادن  
بنیاد از نعمت های تو بدمن و اکسیدت که من کنه و صفت طهارت  
الدنیا البینا فی و حرث ارضیا بالینفا فی  
در دنیا بیکر ای خدایت دارفت کرده بودم زمین امان از کما  
و کیکت من خشتیک مثل حجر السموات  
و کبر که بودم و از زمین مثل مدیا یا همراست

اینکه این قسم نور تو بزرگی تو و عظمت تو که در صفت نور  
منشأ بدیعت و طرفین اول الدهر عندنا  
بنیاد آنوقت که تو بدیعت خلق و از اول زمانه که بدیعت  
و ام خلوق ربوبیتک بکل شعری فی کل  
بدوام همیشه که بدیعت تاری تو بهر موقت در هر  
طریق و عنین سرمد الابد یحیی الخلق و شکم  
چشم زرق همیشه نور کار بعد خلایق و تدایان  
مرجعین لک مقتضای البصر اداء شکر تو  
بر آنکه بخدمت من تقصیر کننده در صفت او ای شکر تو  
فیروزه منیرت علی و لواحق کبریت معادن  
بنیاد از نعمت های تو بدمن و اکسیدت که من کنه و صفت طهارت  
الدنیا البینا فی و حرث ارضیا بالینفا فی  
در دنیا بیکر ای خدایت دارفت کرده بودم زمین امان از کما  
و کیکت من خشتیک مثل حجر السموات  
و کبر که بودم و از زمین مثل مدیا یا همراست

اینکه این قسم نور تو بزرگی تو و عظمت تو که در صفت نور  
منشأ بدیعت و طرفین اول الدهر عندنا  
بنیاد آنوقت که تو بدیعت خلق و از اول زمانه که بدیعت  
و ام خلوق ربوبیتک بکل شعری فی کل  
بدوام همیشه که بدیعت تاری تو بهر موقت در هر  
طریق و عنین سرمد الابد یحیی الخلق و شکم  
چشم زرق همیشه نور کار بعد خلایق و تدایان  
مرجعین لک مقتضای البصر اداء شکر تو  
بر آنکه بخدمت من تقصیر کننده در صفت او ای شکر تو  
فیروزه منیرت علی و لواحق کبریت معادن  
بنیاد از نعمت های تو بدمن و اکسیدت که من کنه و صفت طهارت  
الدنیا البینا فی و حرث ارضیا بالینفا فی  
در دنیا بیکر ای خدایت دارفت کرده بودم زمین امان از کما  
و کیکت من خشتیک مثل حجر السموات  
و کبر که بودم و از زمین مثل مدیا یا همراست

الارض من دماء وصدفها لكان ذلك قبيحاً

در زمینها از خون و صدف و عذاب بر آید و عذاب را ندان

في غير ما يجب من حقت علي ولا لعل

در بیاری آنچه واجب است از حق تو بر من و اگر آنکه تو

الحي عن نقي بعد ذلك عذاب الخلاق

مخلوقین عذاب بکنی مرا بعد از آن عذاب خلایق

اجمعين وعظمت الشقاء خلق وجهم وبلاد

همگی و بزرگواری آید و بزرگواری آید و بزرگواری آید

طبقات جهنم حتى لا يكون في النار

طبقه ای جهنم را از عذاب تا آنکه نباشد در آتش

معدن غيري ولا يكون لهم حطب

معدن که غیر من نباشد و عذاب تا آنکه نباشد

سواي لكان فالتب بعد ذلك على قلبها

چنین بر آید و این عذاب تا آنکه نباشد

في سكر من استرجع من عقوق

در سکر من استرجع من عقوق

الثناء بعد كتاب التذكار

الحمد لله الذي جعل في كل ركعة من ركعتي

الركعتين دعاء يا الله يا الله ده مرتبة

صلى على محمد وآله وأرحمني وثبتني على

صفتي بركة محمد وآل أو وهم كن مراقبات طار مرا

دينتك ودين بيتك ولا تنزع قلبي بعد از

دين تو ودين بخت تو ودين مقام دل مرا از حق بجز

هديتي وهب لي من كذا رحمة انك

روایت كرمی او پیش مرا از نزد خود رحمتی بستم بگو

انت الوهاب وميكوفي بن الله انت المحي

العلي العظيم الخالق الزمان المحي

المحيض المبدئ السميع لك الكرم

المجود ولك المن ولك الامر وحذرك

تسليم واز بركت بخت واز بركت مقام واز بركت

لَا شَرِيكَ لَكَ يَا خَالِقُ بِلَادِنَا يَا بَاحِيَّ الْبَحْرِ

یست ایمانی بود ایا فرستاده ای روزی همه ای روزه کشته

بَلَدِيغُ يَا رَفِيعُ اسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّحَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا

ای تو یغیاورنده ای بلند مرتبه سوال میکنم تو اینکه رحمت بفرستی

وَالْحَمْدُ وَإِنْ تَرَحُّمُ ذَلِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ

والحمد و اینکه رحم کنی خواری مرا پیش روی تو و

تَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي مِنَ الْتَلَوْنِ

تو تضرع مرا بسوی تو و دریدن مرا از سرودن

وَأَنْتَ يَا مُدَبِّرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وای تو ای مبرایق آسمان و زمین

أَقْلَمُ إِلَهِي اسْأَلُكَ بِحُرْمَتِهِمْ غَاثِ بَلَدِي

خداوند ایدستی که من سوال میکنم تو را بجهت هر که بنام او پندم

وَلَجَأًا إِلَى عِزِّكَ وَاسْتِغَاثَةً بِرَحْمَتِكَ

والتجاء و بسوی تو و امده بفرمایده تو و در شت و

مُجِبَّاتِكَ لَمْ يَشَقَّ إِلَيْكَ بِإِجْرَائِ الْعِظَامِ

بجایان تو با شقاوندانته مگر بجوای تو عظام ای

وَأَنْتَ يَا مُدَبِّرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وای تو ای مبرایق آسمان و زمین

وَأَنْتَ يَا مُدَبِّرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ





برای دو رکعت و یک رکعت و بر و افضل اوقات آنها  
متیاه صبح کاذب و صادق و چنانکه گذشت  
اول تر ذکر صبح صادق و کاذب که وار و شایع  
اما از آن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت که  
بر این اوقات غلغله و شایع و اطلاق و غرابت  
سیم نهانه نیز مجموع سه رکعت و شایع در احادیث  
که وارد شد از اصحاب عصمه سلام الله علیه  
چنانکه روایت کرده است از اشع طایفه و نهایت  
دست جمعی از حضرت صادق علیه السلام که در این  
حضرت باقر علیه السلام میفرماید که در وقت نماز  
قدوس رکعتان و چنانکه روایت کرده است نیز در وقت  
بندای مؤمن از آنحضرت علیه السلام که فرموده که بیست و یک  
علیه السلام که در وقت رکعت اول و چهار رکعت  
نماز اول و هشت رکعت بعد از آن و چهار رکعت عصر و یک  
رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از مغرب و عشاء و آنجا  
رکعت و هشت رکعت و شایع و شایع و نهایت و نهایت





وَعَلَّامٌ لِّمَا فِي الْغُيُوبِ

و احسان بی تقی میسر آید که نوده یا شصت و نوبه ای بر روی یکای خود درخت کشند

فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَهَدَيْتَ

یونانی ... شی ... پزشکی ... از خلیج حرم و احاطه کرده به

عَلَيْهِ بِعَازِلَةٍ مِنْ عَطْفِ فَصْلِ عَلَى مُحَمَّدٍ

نہاؤ نصیحت از خفیت خود پس بخت نبوت بر شوق

وَالِدِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْحَرَمِيِّ الْمُنَاجِلِ

والی او کم پاکیزہ مکان . پاکان بسیار خیر کشتہ فاختہ شد

وَجَنِّدْكَ بِطَوَائِفِ وَمَعْرُوفَاتِ يَارَبِّ الْعَالَمِينَ

کتاب: نکات برهنه بفضل خود و احسان خود ای پروردگار عالمیان

بِوَسْطَةِ اللَّهِ عَلَىٰ مَن يَخْتَارُ

و در حق کند خدا نیز محمد آخر پیمبران و امامان

الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا سُوءًا فَذُكِّرُوا وَلَمْ يَتُوبُوا لَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْعَذَابُ أَلِيمٌ

انا لله بيدست خدا از اشیاء بر حسب را و با کمال کرم و لطف

سَيُطَهِّرُ الْوَلَدَ لِلَّهِ حَبِيبًا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

بالا که دایمی، پدید می آید و می شود و کمه را است خداوند را بنده خدا

[illegible]

卷之六

1997

لا اله الا الله  
الحق العظيم  
لا اله الا الله  
اعلى اعظم

Handwritten signature or stamp.

کامرت فاسخیت ہے گا وعدت انک لا یخلف

جلف تمپو

جنانکہ اگر کوڈہ میں اجابت کوں ملے من جیانتکد و عو کرڈہ بدستیں کہ

المیعاد بعد از آن بر خیزد و برای میزبانی و تشریفاتی که

وعدہ را بہشت تکم ماسم دعا اینها و مضامین در آن

فصل اول در بیان احوال و مشی و معاش و عادات و آداب و تقاضای

کے لئے ایک اور نیا اور بہتر طریقہ

میلیونی و سهم‌های خود را و صورت جوی و حال دیگر می‌بیند

پس خود را جزیرہ الی ایچ بردانید (دعوت و تبلیغ کے لئے)

صیغی از معروف بن خربوذ از احادیثی حضرت امیر (ع) روایت کرده است:

کرمده بکر شجاعی الله رب العالمین و رحمت

یادداشتیں پروردگار اسے عطا

الْبَيْعَ وَذِي الْأَرْضَيْنِ التَّيْمِ وَمَا فِيهِمَا

میت‌کانه و پروردگار زینب‌های صفت کانه و آنچه در این

وَمَعَالِيَهُمْ وَدَبَّ الرُّشْدُ الْعَظِيمُ الْمَحَلَّاتِ

را چہ فی الحقیقت و پسند کار عمری بندہ خداوند اقدس

لِلَّهِ نُورٌ الْمُسَوَّاتِ وَالْأَرْضِ وَامْتَاعَهُنَّ

وَمِنْهُمْ مَنْ يَدْعُو إِلَى الْفِتْنَةِ وَيُرِيدُ الْإِسْلَامَ ۚ وَمَنْ يُضِلَّهُمْ رَبِّيَ فَإِنَّهُ خَاسِرٌ

— السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ بِجَمَالِ السَّمَوَاتِ

This image shows a page from an ancient manuscript, possibly Hebrew or Aramaic. The text is written in a dense, cursive script, arranged in a single column. The ink is dark, and the paper shows signs of age, including discoloration and some wear. The script is highly stylized and difficult to decipher without specialized knowledge of the language and its historical forms.

كَانَتْ السُّورَةُ وَلَمْ تَكُنْ الْفَلَيْتُ شَرًّا كُلُّ مَا حَقَّقَ

دفع کثیره ناخوشی و توفیق برای هر فرد آورده میشود هر حاجت

يَا اللَّهُ لَا يَرُدُّ عَذَابِكَ الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ

اینها برینکه و انداخته متورما که حلیه تو و خلاصی میکند

عَفَاكَ الْأَرْضُ وَلَا يُخِي مِنْكَ إِلَّا الشَّيْءُ

عقاب تو مگر رحمت تو و نیات عذر من از تو مگر فدا تو

إِلَيْكَ مَرْجِعٌ مِنْ لَدُنْكَ بِالْحَقِّ رَحْمَةً لِقَابِهِ

سوی تو بر بخش و ایمن از تنده خود اینقدر ایستادگی کنی که بی نیاز

بِهَذَا عَنْ رَسُولِهِ مَنْ سَأَلَكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِنَاسِ

ایمان از رحمت کسی که عیثو باشد بقدری که

حيث جُمع ما في البلاد وبها تشيرونيت

نیزه کرده بحیث امتداد شهرت است بهای بی نظیر از آن مرید

لَعِبَادِ لَا يُفْلِكُ إِلَّا عَمَّا حَتَّى تَحْمِلَ أَوْ تَرْجُو

مذکرات و ہلاکت و گردان ہوا از غم تا اینکه ہایون مرد اور جم کی مر

وَقَرَأَ فِي الْأَسْتِجَابَةِ فِي دُعَائِهِ وَأَرْزَقَ الْعَمَلَةَ





در این کتاب که در این کتابخانه است

॥ श्रीगणेशाय नमः ॥

عَنِ ذَٰلِكَ الْيَاسِي لَا تَحْمِلِي الْبَلَاءَ غُرُوبًا -

میرزا ابوالفضل ایوبی صاحب

وَلَا لِنَفْسِكَ أَصْحَابٍ وَمِنَ الْإِنْسَانِ أَغْلِي

و از این طریق خود بیای داشته شد و همواره در این کشور باقی ماند.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

لَعَنَ شَرًّا وَلَا حَقَّ مَكْرَهُنَّ عَنْ مَلَأَنِي حَذَقْتُ بَلَاءَ بِنِيقِيقِ

قَوْلِي ضَعُفِي وَقَلَّةُ جِلْدِي اسْتَعِذُّ بِاللَّيْلَةِ

که می بیند صفت را و رنگ را چاره را بگوید و اینست در حدیث

فَأَعِزَّنِي وَأَسْمِعْ بِكَ مِنَ الشَّارِقَاجِينِ وَ

بسیار ساده و آسان است

لِيَاكُ الْاُحْمَةُ فَلَا تُحَرِّمُوْهُنَّ عِدَّةَ اَنْفُسِهِنَّ وَعَلَيْكُمْ

ما لم يكن له اخذت به و لم يكن له ان

تجارت با خود دوست داری و استیلا کی خدا را

مَدَنِيَّةٌ تَأْخُذُ بِشَيْءٍ مِنْ دِينِهَا كَمَا أَنَّهَا تَأْخُذُ بِشَيْءٍ مِنْ دِينِهَا

از این عزیزان خود یازدهم میگوید و الله اعلم

ادامہ دارانہ اور ان کے لئے

... ..

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

والتوب الى ربك وستر اولادك ابكر دعائى استغفار اولاد است  
است خود در است نگاه داری دست چپ خود را بجا  
روايت کرده است از ائمه اربعین علیه السلام در وقت سجده و اگر  
در استغفار و سجده مرتبه خواهد بود افضل بعد از آن است  
استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم  
طلب نمودن بركت از خداى كه بخت خندان و كرايهش دانه بگویند  
ظلمى و جورى و اشرارى على نفسى والتوب الى ربك  
مستغفر و جرم من و اقرا طاعت و توبه و توبه و توبه  
بعد از آن مىگویند در استغفار استغفرت و ظلمت نفسى  
ای بر صفا قرین بگویم ام و مست کرده ام نفس خود  
و بكن ما صنعت و هذه نكاي يا رب جلا  
وجه بد است آنچه کرده ام من را بخت دستى تراى بود كار مرا  
بما كسبت و هذه رقبتي خاضعة لئلا ابيت  
آنچه كسب كرده ام بخت كرم است فرستاده شده است آنچه بخواهد  
و هذا انك اذ ابرئ بدلت محمد لنفك من غيبي  
و اینكه من این بخت را بگویم بگماز تراى محمد از غیبت

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
والتوب الى ربك وستر اولادك ابكر دعائى استغفار اولاد است  
است خود در است نگاه داری دست چپ خود را بجا  
روايت کرده است از ائمه اربعین علیه السلام در وقت سجده و اگر  
در استغفار و سجده مرتبه خواهد بود افضل بعد از آن است  
استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم  
طلب نمودن بركت از خداى كه بخت خندان و كرايهش دانه بگویند  
ظلمى و جورى و اشرارى على نفسى والتوب الى ربك  
مستغفر و جرم من و اقرا طاعت و توبه و توبه و توبه  
بعد از آن مىگویند در استغفار استغفرت و ظلمت نفسى  
ای بر صفا قرین بگویم ام و مست کرده ام نفس خود  
و بكن ما صنعت و هذه نكاي يا رب جلا  
وجه بد است آنچه کرده ام من را بخت دستى تراى بود كار مرا  
بما كسبت و هذه رقبتي خاضعة لئلا ابيت  
آنچه كسب كرده ام بخت كرم است فرستاده شده است آنچه بخواهد  
و هذا انك اذ ابرئ بدلت محمد لنفك من غيبي  
و اینكه من این بخت را بگویم بگماز تراى محمد از غیبت



۱۶۶

از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی

از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی

از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی  
از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی

تفضل سید من اهل الشفاء خلقی فاجعل

از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی

تفضل سید من اهل الشفاء خلقی فاجعل

از روی فضل ای سید ای ایا از اهل بیعتی

سید الضرب المقامی خلقت اعضائی

ای سید ای ایا از اهل بیعتی

ام لیرب الحیم خلقت امعانی سید لوان

ای سید ای ایا از اهل بیعتی

عند السطاع المرب من مولا الکف اول

ای سید ای ایا از اهل بیعتی

الهارین ربک لکی اعلم انی لا اقولک سید

ای سید ای ایا از اهل بیعتی

لوان عتانی ربی ربی ملکک لسانک

ای سید ای ایا از اهل بیعتی

الصبر علیه فیرانی اعلم انک لایعید فی ملک

ای سید ای ایا از اهل بیعتی

طاعة الطائعين ولا ينقص من معصية

طاعت اطفال گشتگان وکم نمیکند ازان معصیت

الخاصين سيدي ما انا وما خطر في

عصيان گشتگان ای سید من چیست و چیست قدرین

هبة بفضلك وجلالي يسرك واعف عن

بخش مرا بفضلت خود و بجلالت مرا بعرفه خود و درگذر از

توبيخي بكرم وبجتهك الهني وسيد عاصي

تنبیه من بکرم و بجهت تو ای همنام من و ای سید من و عاصی مرا

مضروعا على الفراش نقلتي اليه عاصي واغفر

در حال که افتاده باشم بر فراش بگردانیده ای به سوی من و عاصی مرا

مظروعا على الحشيل فستلني صالح جبريت

در حال که افتاده باشم بر غشای غریب مرا صلیم و صاحب جبریت مرا

وان عاصي محمولا على تناول الاكل طرا فخطم

و آن عاصی مرا بر دوش گرفته و با خوراک طرا فخطم مرا

وارثم في ظلم البيت الخليم وحشي وغريبي

وراث من در خانه تاریک و وحشی مرا و غریب مرا

عاصي گشتگان ای سید من چیست و چیست قدرین

تنبیه من بکرم و بجهت تو ای همنام من و ای سید من و عاصی مرا

وراث من در خانه تاریک و وحشی مرا و غریب مرا

والکسک بالشدیدت از طوالت او و قوت غیر مراد است  
اقتصار این خواهی از اینجور وسعت داشته باشد این را  
وارد عاقلی مختصر که خود است قوت آن در وسعت  
و تنگی در و تر و غیر آن این دعاست  
اللهم ان کثر الذنوب نکثت اهدنا عن انفسنا  
خداوند بدو کسی که بسیار گناهان باز میگردانند و از کثرت گناهان  
الیک بالشوال والمداومة علی المعاصی  
مگر در سوال و مداومت بر معاصی منع میکند  
من التصرع والانهال والریاء یحشا علی  
اگر تصرع و انهال و ریاء را بر من نهی کند و بر  
سوال الله یا ذا الجلال فان لم یعطنی الشیء  
سوال تو ای صاحب بزرگی پس اگر شغف نکند خداوند  
علی عینک فمن یبغی الشوال فلا شره اکثرت  
بر منده خود پس آنکه طلب کند عطا پس اگر بگوید آن که از او را  
المنصعة الیک الایملو علی الایمال و صلی الله  
که منصرف کنده ای که بر من است و بر من است و بر من است

این دعا را در هر روز بخواند و در هر روز بخواند و در هر روز بخواند



بِنَفْسِي بِالْحَقِّ الْخَالِدِينَ بِالْقَوْلِ الَّذِي نُسَبِّحُهَا

تسبیح خود ای پناه کزینندگان با سبکتهای کلمات دعویهای

عَلَى ظَهْرِي وَمَا لِي بِذَلِكَ شَاوِعًا سَوِيًّا

بر پشت خود و نیایم از برای خودی سویی و شفاعت کثرت

مَعْرِفَتِي بِذَلِكَ أَقْرَبُ مِنْ نَجَاةِ الظَّالِمِينَ وَبِحَا

دانش من اینرا که نزدیکتر است که از نجات دهنده اند و اهل

النَّارِ الْمُصْطَفُونَ وَأَمَلُ الْمَلِكِ الْبَارِعُونَ

بر آتش از برای او چارگاو امید داشته اند آنچه نرداوست و رغبت کنند

بِمَنْ مَتَى الْعَمَلُ بِمَعْرِفَتِهِ وَأَطْلَقَ الْإِلَهِي

ای که هر که است عاقل را با شناخت خود و روان که معاش

بِحَمْدِهِ وَجَعَلَ مَا أَمْنَهُ عَلَى عِبَادِهِ كَمَا

بجود خود و کردارندست آنچه را نعت داده است بایان برینندگان خود

لَتَأْتِيَهُ حَقُّهُ كُلُّ عَلَى عَمْدٍ وَالْهَوْلُ لَا يَحْمِلُ

از برای میا او بدست او و رحمت بفرست بر همه اهل و مکر و ان

لَهُ مَوْجِدٌ عَلَى عَقْلٍ سَبِيلًا وَلَا يَلْغِيهِ عَمَلٌ

ای که پناه بر عقل و راهی و نداد برای باطل بر عمل



دَلِيلًا مَرَجَحْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بعد ان كان قوله

دلیلی بر رحمت تو ای رحیم کشته شدن رحیم کشته گان میکی و نشانه

پس رکاز اسلام دینی پس شیخ کو تسبیح حضرت علیؓ

عليها السلام بعد از آن بخوان این دعا را که معروف است به

انا جيت يا موجود في كل مكان اعلمت بجمع

فَعَلَّامٌ فَعَلَّ عَطْرَهُ فَوَيْلٌ لِّمَا خَلَّاهُ مِنْ مَكْرَهُ

اور مراد یہ تحقیق کہ ہر کس کلمہ شروک است حیاتی نہیں ہوتا۔

مَوْلَايَ اَيُّ الْاَمْوَالِ اَنْتَ تَكْرَهُ اَنْ يَأْتِيَكَ

اینجا وند من کد ام یکن از مولها را یاد کنم

وَلَوْ لَمْ يَكُنِ إِلَّا الْمَوْتُ لَكُنِيَ لِكَيْ يَبْعَ وَمَا لَكُمْ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَكُونَنَّ مِنَ الْغَافِلِينَ

زیرین مزد کثرت است و عظیم ثمرات اعتدال و ندر اعتدال و ندر تا کی

وَالِى مَعَالِى لَكَ الْعُشْبَىٰ مِنْ بَعْدِ الْخَرَىٰ

کتابخانه عمومی

1998, 1999, 2000, 2001, 2002, 2003, 2004, 2005, 2006, 2007, 2008, 2009, 2010, 2011, 2012, 2013, 2014, 2015, 2016, 2017, 2018, 2019, 2020, 2021, 2022, 2023, 2024, 2025, 2026, 2027, 2028, 2029, 2030, 2031, 2032, 2033, 2034, 2035, 2036, 2037, 2038, 2039, 2040, 2041, 2042, 2043, 2044, 2045, 2046, 2047, 2048, 2049, 2050, 2051, 2052, 2053, 2054, 2055, 2056, 2057, 2058, 2059, 2060, 2061, 2062, 2063, 2064, 2065, 2066, 2067, 2068, 2069, 2070, 2071, 2072, 2073, 2074, 2075, 2076, 2077, 2078, 2079, 2080, 2081, 2082, 2083, 2084, 2085, 2086, 2087, 2088, 2089, 2090, 2091, 2092, 2093, 2094, 2095, 2096, 2097, 2098, 2099, 2100, 2101, 2102, 2103, 2104, 2105, 2106, 2107, 2108, 2109, 2110, 2111, 2112, 2113, 2114, 2115, 2116, 2117, 2118, 2119, 2120, 2121, 2122, 2123, 2124, 2125, 2126, 2127, 2128, 2129, 2130, 2131, 2132, 2133, 2134, 2135, 2136, 2137, 2138, 2139, 2140, 2141, 2142, 2143, 2144, 2145, 2146, 2147, 2148, 2149, 2150, 2151, 2152, 2153, 2154, 2155, 2156, 2157, 2158, 2159, 2160, 2161, 2162, 2163, 2164, 2165, 2166, 2167, 2168, 2169, 2170, 2171, 2172, 2173, 2174, 2175, 2176, 2177, 2178, 2179, 2180, 2181, 2182, 2183, 2184, 2185, 2186, 2187, 2188, 2189, 2190, 2191, 2192, 2193, 2194, 2195, 2196, 2197, 2198, 2199, 2200, 2201, 2202, 2203, 2204, 2205, 2206, 2207, 2208, 2209, 2210, 2211, 2212, 2213, 2214, 2215, 2216, 2217, 2218, 2219, 2220, 2221, 2222, 2223, 2224, 2225, 2226, 2227, 2228, 2229, 2230, 2231, 2232, 2233, 2234, 2235, 2236, 2237, 2238, 2239, 2240, 2241, 2242, 2243, 2244, 2245, 2246, 2247, 2248, 2249, 2250, 2251, 2252, 2253, 2254, 2255, 2256, 2257, 2258, 2259, 2260, 2261, 2262, 2263, 2264, 2265, 2266, 2267, 2268, 2269, 2270, 2271, 2272, 2273, 2274, 2275, 2276, 2277, 2278, 2279, 2280, 2281, 2282, 2283, 2284, 2285, 2286, 2287, 2288, 2289, 2290, 2291, 2292, 2293, 2294, 2295, 2296, 2297, 2298, 2299, 2300, 2301, 2302, 2303, 2304, 2305, 2306, 2307, 2308, 2309, 2310, 2311, 2312, 2313, 2314, 2315, 2316, 2317, 2318, 2319, 2320, 2321, 2322, 2323, 2324, 2325, 2326, 2327, 2328, 2329, 2330, 2331, 2332, 2333, 2334, 2335, 2336, 2337, 2338, 2339, 2340, 2341, 2342, 2343, 2344, 2345, 2346, 2347, 2348, 2349, 2350, 2351, 2352, 2353, 2354, 2355, 2356, 2357, 2358, 2359, 2360, 2361, 2362, 2363, 2364, 2365, 2366, 2367, 2368, 2369, 2370, 2371, 2372, 2373, 2374, 2375, 2376, 2377, 2378, 2379, 2380, 2381, 2382, 2383, 2384, 2385, 2386, 2387, 2388, 2389, 2390, 2391, 2392, 2393, 2394, 2395, 2396, 2397, 2398, 2399, 2400, 2401, 2402, 2403, 2404, 2405, 2406, 2407, 2408, 2409, 2410, 2411, 2412, 2413, 2414, 2415, 2416, 2417, 2418, 2419, 2420, 2421, 2422, 2423, 2424, 2425, 2426, 2427, 2428, 2429, 2430, 2431, 2432, 2433, 2434, 2435, 2436, 2437, 2438, 2439, 2440, 2441, 2442, 2443, 2444, 2445, 2446, 2447, 2448, 2449, 2450, 2451, 2452, 2453, 2454, 2455, 2456, 2457, 2458, 2459, 2460, 2461, 2462, 2463, 2464, 2465, 2466, 2467, 2468, 2469, 2470, 2471, 2472, 2473, 2474, 2475, 2476, 2477, 2478, 2479, 2480, 2481, 2482, 2483, 2484, 2485, 2486, 2487, 2488, 2489, 2490, 2491, 2492, 2493, 2494, 2495, 2496, 2497, 2498, 2499, 2500, 2501, 2502, 2503, 2504, 2505, 2506, 2507, 2508, 2509, 2510, 2511, 2512, 2513, 2514, 2515, 2516, 2517, 2518, 2519, 2520, 2521, 2522, 2523, 2524, 2525, 2526, 2527, 2528, 2529, 2530, 2531, 2532, 2533, 2534, 2535, 2536, 2537, 2538, 2539, 2540, 2541, 2542, 2543, 2544, 2545, 2546, 2547, 2548, 2549, 2550, 2551, 2552, 2553, 2554, 2555, 2556, 2557, 2558, 2559, 2560, 2561, 2562, 2563, 2564, 2565, 2566, 2567, 2568, 2569, 2570, 2571, 2572, 2573, 2574, 2575, 2576, 2577, 2578, 2579, 2580, 2581, 2582, 2583, 2584, 2585, 2586, 2587, 2588, 2589, 2590, 2591, 2592, 2593, 2594, 2595, 2596, 2597, 2598, 2599, 2600, 2601, 2602, 2603, 2604, 2605, 2606, 2607, 2608, 2609, 2610, 2611, 2612, 2613, 2614, 2615, 2616, 2617, 2618, 2619, 2620, 2621, 2622, 2623, 2624, 2625, 2626, 2627, 2628, 2629, 2630, 2631, 2632, 2633, 2634, 2635, 2636, 2637, 2638, 2639, 2640, 2641, 2642, 2643, 2644, 2645, 2646, 2647, 2648, 2649, 2650, 2651, 2652, 2653, 2654, 2655, 2656, 2657, 2658, 2659, 2660, 2661, 2662, 2663, 2664, 2665, 2666, 2667, 2668, 2669, 2670, 2671, 2672, 2673, 2674, 2675, 2676, 2677, 2678, 2679, 26

لا تَجِدُ عِنْدِي حَسَدًا وَلَا وَفَاءً فَيَا عَوْنَاهُ لَوْ رَأَيْتَهُ

باو میبای نزد من راضی و نه وفای پس ای واه باز ای واه

يَا أَيُّهَا اللَّهُمَّ هَوَى قَلْبِي إِلَى مَنْ عَدُوٌّ لِي وَكَرِهٌ لِي

ای خدا ای خدا خواهی که دوستی بخیزد و است بر من و از دشمنی دوستی

عَلَى مَنْ وَفَى لِي بِمَا كُنْتُ عَلَيْهِ وَكَرِهْتُ لَهُ

بر من و از وفای که تحقیق زینت داده برای من و از دشمنی که بیارم که گشته است

إِلَّا مَا جِئْتُكَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ إِنْ كُنْتُ بِكَ

غدا چه دهم تو را و چه نه و گاه از من بیاوردی و گاه از من بیاوردی و گاه از من بیاوردی

مِثْلِي فَإِنْ كُنْتُ قَبْلَكَ مِثْلِي فَأَقْبِلْنِي

مثل من پس اگر بودم پیش تو که قبول کرده باشی مرا پس قبول از من

بِأَقْبِلِ السَّحَرَةَ أَقْبِلْنِي يَا مَنْ لَمْ أَرَنْ أَنْتَ عَرُوفٌ

ای قبول کننده ساحران قبول از من مرا ای کسی که همیشه می شناسم از او

الْحَسْبُ يَا مَنْ يُجَنِّبُنِي بِالرَّحْمَةِ صَبَاحًا وَمَسَاءً

نیکی و ای کسی که خود را می دهد مرا ای تو با دج و دشنام

لَوْ حَقَّقْتُ يَوْمَ آيَاتِكَ وَكَدَّ شَاخِصَاتِ إِلَيْكَ جَنِّي

و گاه مرا آرزوی که گفتم و گاه مرا آرزوی که گفتم

149  
این شعر در کتاب...

این شعر در کتاب...

این شعر در کتاب...





[illegible]

۱۸۱

شدن لذات جماعتی از علایق نافذین اعیان الهی  
 هر چند افضل اوقات آنها میان صبح کاف و شام  
 و میوه ای در ترکه اولیاد از حد سوره قل ایها الکافرون  
 و در دویم فل هو الله احد پس هرگاه سلام دادی بخواب  
 بنامی است و بقبله بروشی که میت را در سجده بیکار کند  
 و بگذار که بر راست خود را بر روی دست راست خود  
 انفسکت بغزو الله الوثقی التي لا انقطاع  
 دست زده ام بفرموده خدا که محکم است انکونیت شکستنی  
 لها واعظمت بحبل الله المتین و اعظم بالله  
 مرا از او چندان زده ام به بیان خدا که استوار است و بنام او درم خدا  
 من شرفه و سعة الجن والانس رحمت الله و رفاه الله  
 از شرف و سعات جن و انس پروردگار من و رفاه او  
 رحمت الله است با تو که علی الاحوال و لا  
 پروردگار من است ایمان آورده ام بخدا و تو را کرده ام خدایت حواله  
 تو الا به و من یوکل علی الله فهو حسبه ان  
 خدا را بخدا و من را بخدا و هر که بر خدا توکل کند خدا او را حواله دهد

العزیز و العظیم  
 قسیده من

تاریخ و جغرافیہ

بالتفريق بين الحرفين في كل موضع  
أنه في كل موضع من الموضعين  
بما جاء في كتابه من أنهما  
واحد

إِنَّهُ بِالْغَيْبِ عَلِيمٌ

که خدا را ندانم خود را تحقیق که قمار و لوطه است خدا را می خیزد از راه بندگی

وَكُنِمْ أَلْوَكِيلَ ۝ اللَّهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ وَلَهُ حَاجَةٌ إِلَى

و بترتیب و یکسخت خوانند. هر که داخل صحن شود بر صحنه برای اقامت

مَخْلُوقٍ فَإِنْ حَاجَّكَ وَرَعَيْتَ إِلَيْكَ وَخَدَّكَ

افرنده نرسیدنی که حاجت من و رعیت من است، نسبت نهائی تو

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

لا تسروا تلك الكتاب محمد والنحل لله رب الصبح

دیتہ امتیازی ہے اور اس سے خود است سیاسی و سیاسی اور عدلیہ اور دیگر

أحمد بن محمد بن أبي الأصبغ أحمد بن محمد بن أبي الأصبغ

سیاسی و اقتصادی تحولات

مُحَمَّدٌ رَجُلًا مِّنَ النَّاسِ كَمَا كَانُوا يَفْقَهُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنُسُلِهِمْ غَافِلُونَ

باسم و خدا را درود! مقدمه شیخ چیری که در این کتاب کثیرتاً و اختصاراً و با

فَالِكُمْ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بیت تقدیر غالب و اما حق تعالی رحمت بفرست بر محمد

الْمُحْمَلِّ وَالْخِصَامِ فِي قُلُوبِ نُورٍ وَفِي بَحْرِ نُورٍ

نویسندگان: دکتر دانا، دکتر دانا، دکتر دانا

نمایان و بزرگوار و درخشان

100

وَعَلَى السَّابِقِ نُورًا وَمِنْ بَيْنِ يَدَيْ نُورًا وَمِنْ خَلْفِهِ

ویرنباغ نورى وازپیش روی من نورى واز چشمنه واز من نورى

نُورًا وَعَنْ يَمِينٍ نُورًا وَعَنْ شِمَالٍ نُورًا وَمِنْ فَوْقٍ

وزارتخانه است من نوری و از جانب حسین نوری و از بالائی

نُورًا مِّنْ نُورِي نُورًا وَاعْظِمِ لِيَ النُّورَ وَاجْعَلْ

نوری و از زمین نوری و بهر شکلی که از برای من نوری و بگردا

لِيُؤْتِيَ الْفَتَى بِهِيَ فِي النَّاسِ وَلَا تَحْمِلْ بَوْرَكَ

زیر این نوری که راه روم باشد در قیاس روم و بحر روم و کوه روم و امثال اینها

تَوْمُ الْقِيَمَةِ بعد از آن مجازات الکریم و مؤمنین

وَيَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۚ لَهُ أَسْمَاءُ كُلِّ شَيْءٍ لِّغَتٍ مِّمَّا يَخْلُقُ ۚ وَلَهُ الْغَيْبُ وَلَهُ الْغَيْبُ وَلَهُ الْغَيْبُ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۚ

السران والامه: الخطة الموضوعة

والتشريع في هذه المسألة هو الذي يقرر في القانون المذكور.

وہی ہے جس نے اسے پہنچا دیا۔

سبحان ربك العظيم و بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا هذا كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

التوبة التي تطهر الإنسان من ذنوبه وتطهر قلبه وتطهر روحه وتطهر جسمه وتطهر عقله وتطهر مشيئته وتطهر سلوكه وتطهر حياته وتطهر مستقبله وتطهر كل شيء في حياته وتطهر كل شيء في مستقبله وتطهر كل شيء في حياته وتطهر كل شيء في مستقبله

بنام خداوند بیاردم حم لسته





۱۷۳

و دعا بعد صلوة الليل  
من اوتى الله الصلوة

بجمل من راعى ان شيعي ان يتورده كعبه ابن ابي اسحق  
سيد العابد بن عليه السلام وابن ابي عمير  
الهمزة ناذ المثلث المتأيد بالخود والسلطان  
فماذا اى صليته شاه باقى بدوامه وسلطته  
المشيع بغير خور ولا انقوان والحق والبيان  
غالب بذكرها وبذكرها وعزت بايده  
على من القهور وخالف الاعوام وخواص الارباب  
بر كونه دوزكارا وسامها كذشته وزمانها  
ولا اقليم عثر سلطانك عز الاحد له باوليت  
ورفعها كونه غلبت سلطت وعلية كونه علف والارباب  
ولا مشي لراخية واشتعل ملكك علوا  
ونعتها من ابا حريت وبنات باوشا تو بلسه  
سقطت الاشياء دون بلوغ امك ولا يبلغ  
اقدامه صبرها باين ترازو سلك نهايت ونهيد  
اوق ما استأثرت به من ذلك اقصى نعم الله  
بما تزين باية الفقه بمصوم كعبانده خرد باق اوتى الله غلبه وخ

بجمل من راعى ان شيعي

من اوتى الله الصلوة  
و دعا بعد صلوة الليل  
من اوتى الله الصلوة



وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوَ عَنْ عَبْدِكَ وَلَنْ يَكُنْ

قنادیت بر تو عفو کون از منده خود اگر چه بد

فَاعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا

پس حقوق از من ضایعند و تحقیق که مطلع شده است بر اینها می

الاعمالِ علمك وانكشف كل مستور دونك

کمدار علم تو را کار شده است هر پوینده تو

خبرك ولا تطوي قانون الامور ولا تعيب

اکاشیہ ورنو زید عیشو دایکھا ای کارا و غایب تیکرید

عَنْكَ وَغِيَّاتُ السَّيْرِ إِذْ هَلْ اسْقُودَ عَلَى عَذَابِ

از تو بهانه‌های روانی و تحقیقی که غالب شده است پس

الذي استنظرت ليعاين فانظره واستمع له

که مهنت طلبان داشت بعد از کراچی مزبیس مهنت طلبان و اورا توهم

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لَاجِلًا فَافْتَكِرْ كَمَا فَعَلْتُمْ فَاقْبَلُوا

تا روز چهارم برای کرباه کردنی عزیزی به وقت ناهار او را به این خانه

وَقَدْ هَرَبْتَ إِلَيْكَ مِنْ صَعَائِدِ نُونٍ وَمَوْجٍ

و بحقیق کہ کجایم بسوی تو از کجا آن خودی که حقیق گشت

مجلس شورای اسلامی

... 2000



يَضِيقُنَّ عَنِّي مَضَالِكُ وَلَا يَقْصُرَنَّ دُونِي مَعْرُودُ

شکلی کننازمن      فضلتر      وکوتا می نیایدنردن عقولتر

وَلَا أَكُنْ لِعَبِيدِكَ التَّالِيْنَ وَلَا أَقْطُرْ

و بنا بر این مبنی بر اینست که تا به کشته شدن او میسر شود که

الْأَوَّلِينَ وَأَعِزُّوا إِلَيْكَ خَيْرَ الْعَامِرِينَ اللَّهُمَّ أَنْتَ

که امیدوار باشند و بیایم از موابیستی که در بهترین اموال دنیا که خداوند لایق آنست

اَشْرَفُ مَرْكَبٍ وَنَهْيَتِي مَرْكَبٌ وَسَوَّلُ الْحَطَا

امیر کوئی میرا پسند نہ کرے وہ نہی کہی میرا پسند کیا کہ ہم وارا است بہر من خطا

خَاطِرِ السُّوءِ نَفَرْتُ وَلَا أَسْتَشِيرُ عَلَى صَبَاحِ

اندیشه بد، بی‌تقصیر کردم و گواه عظیمم برای روزی که

هَذَا رَأْسُ الْأَسْخَرِ يَهْدِي لَيْلًا وَلَا تُنْفِ عَلَى حَيَاتِ

روزگار و بنامه نیرم شب زنده داشتن خود نمی توانا نیکند برین شرفی

سَيَكُونُ عِلْمُكَ أَفْرُوعَ عَيْنِكَ الَّتِي مِنْ حَيْثُهَا هَذَا الْكَلْبُ

بسیب زنده و آستان من از برای تو که هرگز ضایع نگذاشت اینها را بدو!

اتَّوَسَّلَ إِلَيْكَ بِغَضَلٍ نَافِلٍ مَعَ كَثِيرٍ مِمَّا عَفَوْتَ

که در سید جریم سوخته بفضل نازل یا وجود بسیار از انچه غافل

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

وَمِنْ صَلَاتِكَ وَرُحْمَتِكَ وَجَدْتُكَ مِنْ مَقَامِكَ

از شرایط فرضهای تو و در گذشتنم از مقامهای

خَلَقْتَكَ إِلَى حُرْمَاتِ أَنْهَكُنَّ وَأَكْبَرُكَ نَوْبِ

حدود تو بسوی حرمات که با تو کرده ام و بزرگوارترین تو

الْجَنَّةِ حَتَّى كَانَتْ غَايَتُكَ لِي مِنْ مَقَامِي بِشَرِّ

که آنگاه که به ام از آن بود و غایت تو مرا از سوانی آنها برده

وَهَذَا مَقَامٌ مَرَّحٌ سَخِيحٌ لِي بِمَنْزِلِكَ وَسَخِيحٌ

و این مقام گسست گذرنده است از برای نفوذ خود از تو و خشنوار

عَلَيْهَا وَرَضِي عَنْكَ فَكَلَّمَاكَ بِمَقَامِ خَلْقِكَ وَرَضِي

بر نفس خود و خشنود است از تو پس بگویم و استغفار این نفس و راضی گفتم

خَلْقَكَ وَرَضِي عَنْكَ فَكَلَّمَاكَ بِمَقَامِ خَلْقِكَ وَرَضِي

بستی خلق تو و راضی گفتم از خطای این اساده و راضی گفتم

إِلَيْكَ وَالرَّحْمَةُ مِنْكَ وَأَنْتَ أَوْلَى مِنْ دَعَاكَ وَرَضِي

بسوی تو و رحمت از تو و تو هستی کسی که امیدوار باشم به تو

مِنْ خَشْيَةٍ وَأَنْتَ أَوْلَى مِنْ دَعَاكَ وَرَضِي

کسی که بترسد از او و پروردگار او پس عطا کن برای پروردگار و عطا کن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

وآمين مناسك زوكره وعلی بن ابی طالب

واین گویان را از آنچه خداوند و احسان کنی برین بصله رحمت خود

اَللّٰهُمَّ الْمُسْتَوَلِّينَ اَللّٰهُمَّ وَافِیْ سِرِّیْ بِعَفْوِ

برین می که تو کرم ترین سوال کنی که خداوند را چون پوشانده و با عفو خود

وَعَفْوِیْ بِعَفْوِیْ فَاِذَا الْعَنَاءُ بِحَضْرَةِ الْاَكْبَرِ

و از کوفتی بر عفو من خود در سرای ناله محبوب را مثال خود

فَاَجْرِیْ مِنْ غِیْثِیْ فَاِذَا الْغِیْثُ وَغِیْثُیْ

پس را از غنای از رسوایان سرای بقا تو ایستادن

اَلْاَشْهَادُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُتَرَبِّعِیْنَ وَالرُّسُلِ الْمَكْرُومِ

تکلیفهای حاضران از طرف حقان مقربان و رسولهای گرامی است

وَالْمُتَّقِیْنَ وَالصَّالِحِیْنَ مِنْ جَارِکَ لَکَ الْاَكْبَرِ

و تقویان و صالحان از همایم که برودم من چنین که مقربان

وَمِنْ دُنِیْ رَحْمَتِکَ طَعْنُیْ مِنْهُ فِی سِرِّیْ لَکَ الْاَمِنْ

خداوند از خویش که شرم و دلشستم از او در کارهای جان خود استغفار

بِیْنِیْ وَرَبِّیْ السَّیْرِ عَلَی کُلِّ وَفْقٍ بِطَعْنِیْ فِی الْحَقِّ

با نشانهای برود که از خود بر نشانده بر تو اعتماد کرده و مردم خویش برود که از

یا ابوشامه کنایه از  
و عیبهای عالم



چو ای سینه سپید اختیاران کن ایام و روز  
از خنده است و زنده و جوان و غافل است  
و پیرانه غافل که خفته مشهور است از غفلت  
و اختیاران که بخت بخت از غفلت و غفلت  
چو اختیاران ایام و روز و غفلت  
بخت و غفلت

را و تو بجز این کسی که اعتماد را بخواهد و نیستند و کسی که

الْبَهْوَارِيُّ وَفِي مِزَانِ دُرِّمِ مَارُ حَسَنِي الْكَلْبِ وَاسْتِ

سبوی دوم بر آن تئیس کسی که طلب رجعت کرده باشد از او پرسید که چرا رجعت نمود

حَدَّثَنَا أَبُو مَرْثُودٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:

حَرْجُ الْمَسَالِكِ الْوَحْشِ ضَيْقُهُ سَتَرَتْهَا الْحُجُبُ

تلك يا هاشم بن موي رجم تبت كاهن شانه از اسير بود

مصر في خلاص حالتي انتهى بجزء من التمام

وَالثَّبْتُ فِي الْجَوَارِحِ كَالْعَتِّ فِي كِبَابِنِ نَخْلَةٍ

آب است که در این وقت در آنجا نکلد و صف کوفته در آنجا نماند و فقط

وَعَلَقَهُ ثُمَّ مَضَعَهُ ثُمَّ عِظْلَاهُ كُنُوتٌ

عَظُمَ نَمْرُودَ الْاِنْسَانُ خَلَقَ الْاَخْرَاسَ حَتَّى اِذَا

خداوند را کوشی بی مزیدی نه خلق دیگر چنانکه خواستی چو

100

وَمَا كُنَّا بِمُعَظَّمِ الْبَنِي إِسْرَءِيلَ  
مُتَّبِعِينَ إِلَّا بِرِجَالٍ لَّيَالِيَهُمْ  
وَنَهَارُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا  
كُنَّا بِمُتَّبِعِينَ إِلَّا لِمَا نَحْنُ بِمُتَّبِعِينَ

اِخْتِجْتُ الزُّنُزَ قُلْتُ وَلَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ فَضْلِكَ

محتاج شدم بر دزدی تو و بی نیاز نبودم از فرزند سی نصرت تو  
جَعَلْتُكَ لِي مَوْلًا مِّنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَتَرَابِ جُزْءٍ  
کردم پندیر برای من قوی از زردی دانی خورده و خاک پندیر که جاری

لَا مَسِيكَ إِلَهِي اسْكُنْنِي جَوْفَهَا وَأَوْدَعْنِي قَلْبَهَا

ز بیل که کز من زد که ساکن کن دانه جوی مرا در شکم او و دانه کز او اندر دانه مرا

رَحِمَهَا وَلَوْ يَكُنِي يَارَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالِ لَا إِلَهَ إِلَّا

رحم او را کرد و ای که دانه اش بر من بود که از من در آن حالها

حَوْلِي وَتَضَطَّرُّ فِي الْفُتُوحِ لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مَتَّوًّا

دور تو من را نهاد میساخته مرا به فتوح تو چرا که دوری بودم تو را از من دور

وَلَكَاثُ الْقَتْلِ مَنِي بِعَيْدِكَ فَعَدَّوْنِي بِفَضْلِكَ

و در اندیشه قتل منی به عید تو کرد و من را به فضل تو

عَذَاءُ الْبَرِّ الْطَافِيفِ تَفْعَلُ ذَلِكَ بِي تَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا

عذاب اوست مهربان لطیف که می کنی ایستادار با من از تو و می گوئی که

إِلَى غَايَتِي هَذِهِ لَا أَعْدَمُ بَرًّا وَلَا أَجْلِي بِي مَن

تا این غایت که رسیدم به اینم که کم نیستم بر نیکی و آنکه نیست من بیکس

صَنِيعَتِكَ وَلَا يَتَّكِدُ مَعَ ذَلِكَ يَقِي فَأَتَقَرُّ

احسان تو رحمتت با وجود این اعتقاد من پیرمردم

لَنَا هُوَ الْخَطِيءُ لِي عِنْدَكَ قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ

با آنچه بهره دار تو است برای من تو بپوشی که مالک شیطان

عِنْدَافِي فِي سُوءِ الْفَقْرِ وَضَعْفِ الْبَقِيَّةِ فَأَنَا

عنادمرا در بد کافی و وضعی بقیه من

أَشْكُو سُوءَ عَجَائِزِي وَطَاعَتِي لَكَ وَ

شکوه میکنم از بدی عجاویر مرا و طاعت من را و

أَسْتَعِيْزُكَ مِنْ مَلَكِيَّتِهِ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي أَنْ

استعیزم تو از سلطه او و تضرع میکنم به تو در آنکه

تَسْتَهْلِكَ لِي رِزْقِي سَبِيلَ إِهْلِكَ أَكْفُرُ عَلَى أَيْدِيكَ

اسان کوهی که رزق من را راه مرگ من است پارس با ایدیک

بِالْبَيْعِ الْجَسَامِ وَالْهَامِكِ الشُّكْرُ عَلَى الْاِحْتِاجِ

بر بختهای بد و فاسد و شکری که بر احتیاج

وَالْاِغْتِمَاعِ وَضُرِّي عَلَى تَحَدُّدِ الْوَالِدِ وَسَهْلِ عَلَى تَعْرِفِ

و اعظام من است بر محنت پدرم و آسایش من بر آسایش

والتوسل الى رزقي سبيل اهلي اكفر على ايديك

بیت و آیه است که در این کتاب مذکور است

وَأَنْ تَقُصِّيَ سِقْدِرَتِي لِي وَأَنْ تَرْحَبِي حِجْصِي لِي

و اینک قانع گردانی مرا با اندازد که گفته برای شما اینک خستنده سازی مرا در این

قَسَمْتُ لَكُمْ أَنْ تَجْعَلَ مَا دَلَّ عَلَى مِنْ جَنَّتِي وَغَيْرِي

تمت کرده برای من و اینکه بگوید ای آنچه در دنیا مشغول بودم و عمر من

فِي سَبِيلِ مَا عَمِلْتَ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّاسِخِينَ

در راه ملاشتن

اعوذ بك من ان يغفلت بها عما امرت به

ماہ می اورم ستوا از آتش کہ غلط کروا دہدہ انرا بر کسی کہ عصا کن

وَكَاغُلَاتٍ بِهَامٍ: صَدَفَ عَنْ رَحْمَتِكَ وَمِنْ

و در عهد امرویه با آن کسی را که بیرون رفتن است از رمضان و از

ثَارُ نُورٍ مُبَاطِلَةٍ وَهَيْبَتَا الْيَمِّ وَتَجِدُهَا قَرِيبًا

اتنی کہ نوران تارکت و سہا ان دعنا کتہ و دوران تنہکت

وَمِنْ بَنَاتِهِمُ امْرَأَتَانِ شَهِدَتَا هَٰذَا النَّارَ الَّتِي بُنِيَ لَهَا ۖ وَكُنَّ عِندَ غَرْبِهَا ۖ وَكُنَّ لَهَا شَهِيدَاتٍ غَيْرَ مُتَبَايِعَاتٍ ۖ وَكُنَّ بِآيَاتِنَا مُعَذِّبَاتٍ ۖ

وَأَلْتَمِسُ لَكُمْ مِنْهُ وَبَعَثْنَا فِي أَنْفُسِهِمْ رُوحَنا

04/15/2015 11:50:00 AM

بعضی نامین از بدو در خط هم در پیمان و سببی آنها

مجلسی، وزارت کو وایلیت دارا استیلا، ایدارای سیدہ ولایت سیدہ علیہ

مجلس شورای اسلامی  
کتابخانه

پیشانیوں پر مسوا کرتے ہیں

الحمد لله رب العالمين  
والصلاة والسلام على  
سيدنا محمد وآله الطيبين  
الطاهرين

حَمْدًا وَمِنْ ثَمَرِ الْيَقِينِ عَلَى مَنْ مَضَى عَنِ الْيَتَامَى وَالْأَتَمِّ

اليتامى واثمنی که باقی نماند بر کسی که فروتنی کند بپایان نعمت

مَنْ اسْتَعْظَمَهَا وَلَا يَقْدِرُ عَلَى التَّخْفِيفِ عَنْ

کسی را که طلب برایش اندازان مقام نیست به سبک کردن از کسی

خَشَعَ لَهَا وَاسْتَسْلَمَ إِلَيْهَا تَلْقَى سُكَّانَهَا بِأَحْسَنِ

که فروتنی کند و از او را بپذیرد و گذارد از پیش روی و در میان آنانی را که برترند

مَا لَدَيْهَا مِنْ أَلِيمِ النَّكَالِ وَشَدِيدِ الْوَبَالِ وَأَعُوذُ

آنچه از او است از عقاب و عذاب و مصیبت سخت سخت و بلاء و آفت

بِلَيْتٍ مِنْ عَقَابِهَا الْفَاعِرَةِ أَقْوَامُهَا وَحَيَاتُهَا

بگو از عقوبت های آن که را کرده اند و حیات و زندگی آنها را

الصَّالِقَةِ بَيْنَ بَنِيهَا وَشَرَّابِهَا الَّذِي يُقَطِّعُ مَضَا

که میرسد بین بنی خود را و شراباتی که باره میکند

وَأَقْبَلَ سُكَّانَهَا وَتَبَيَّنَ قُلُوبُهُمْ وَأَسْتَهْدِلُهَا

و روای سالکان آنها را و بیکند دلهاشان را و میجویم راه از نور هدایت

بَاعْدَ مِنْهَا وَآخِرُ عَيْنِهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در دوری از آنها و آخرت از آنها را خداوند رحمت فرستد بر محمد و آل او

وَأَجْرِي مِنْهَا بِفَضْلِ رَحْمَتِكَ وَأَقْبَلِي عَشْرًا فِي عَشْرِينَ

وینامده مرا از آن التي بفضل رحمت خود وید کند آن از هر لغزین مرا

إِنَّمَا لَيْسَ لَكَ وَلَا تَخْذَلْنِي بِأَجْرِ الْجُورِينَ إِنَّكَ تَعْلَمُ

وید کنی تو و خوار مگردان مرا ای پسرین پیاده و خوار مگردان مرا

الْكِبْرِيَاءَ وَتَعْطِي الْحَسَنَةَ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَنْتَقِلُ

میلانی ناموشی را و عطا میکنی خوب را و میکنی آنچه را میخواهی و توفیق

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا

بر محمد چیز نیاید توانا خداوند ارحم و بخشنود بر محمد و آل او را

ذَكَرَ الْإِبْرَاهِيمَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ

یاد کرده محمد و آل او را و هر چه نخواست بر محمد و آل او چند آنکه شود

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ صَلِّ لَهَا صَلَواتَكَ لَا يَنْقُطُ مَدَدُهَا وَلَا

شب و روز رحمتی که بریده نشود مدد آن و

يُخْصِي عَدَدُهَا صَلَواتَكَ لِنَفْسِ الْهَوَاءِ وَمَمْلَأْ

شماره نشود عددها رحمتی که پر کند هوای و مملأ

الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ حَتَّى يَرْضَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

زمین و آسمان را تا اینکه خشنود و صلی الله علیه و آله

وَالرَّحْمَةُ الرَّحِيمُ لَاحِدًا لَنَا وَلَا مَشْهُرًا

وَالرَّحْمَةُ الرَّحِيمُ لَاحِدًا لَنَا وَلَا مَشْهُرًا

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ خاتمه سر او ایست

ای هم که درین هم گشتی

نماز گذارند ملاحظه معانی ذکرهای ناز و دعا

و تعقیبهای آن و آنچه خوانند میشود در آن و نیز

باشد ذکر او و دعا و قرائت او محض حرکت و

بی ملاحظه معانی که قصد کرده شدن است

بوده باشد حال او مثل حال عربی که بگوید کلام فارسی

بی آنکه داند معانی آنچه را میگوید و مثل حال ساهی

هر که بگوید چیزی بی آنکه بداند معانی آن

و کافیه و تفسیر نماز گذارند و نیز بعضی

معانی آنچه میگویند در نماز و خدای تعالی

لَا تَقْرَأُوا الصَّالُونَ وَأَنْتُمْ سَكَانٌ عَمَّا تَقْرَأُونَ

بعضی از جماعتی که ایمان آورده اند و زیارت

مست باشند اینک بدانند آنچه را میگویند و

بسیار است  
میشود که در نماز  
حالت آنرا

کرد است رئیس محدثین از حضرت صادق علیه السلام که  
 که هر که نماز بگذارد و در کعبه که انداخته را میگوید در آنجا که  
 و حال آنکه بجا شد بیان او و میان خدا کناهی مگر اینکه آن  
 شدن باشد آن برای او و ما بتوفیق خدای تعالی بیان کردیم  
 در بابهای گذشته آنچه را محتاج بود به بیان و شرح کردیم  
 آنچه را احتیاج دارد شرح از ذکرهای تازه و بعضی از آنچه  
 خوانده میشود در آن فلاح مکرر میشود بعد از آن از عتبات  
 و تحقیق که ختم کردیم کتاب خود این را تفسیر فائحه از برای  
 امید بکوی خاتمه و برای اینکه بوده باشد جمیع آنچه که  
 در نماز و بعضی از آن و بعد از آن از آنچه ذکر کرده ایم از ادب  
 تفسیر سنن آسان فرا گرفتن آن بر دلداران دین و  
 بقین و بر خدا توکل میکنم و با واری میجویم تا اینجا تمسک  
 رقم بر هر کلام شیخ رحمة الله تعالی انعام نمود و چون بعد از آن  
 در تفسیر فائحه الطناب فرموده اند و ذکر کرده اند بحقیق خد  
 که شفع میشود از آن کسی مگر که او را بهر از اعلم بود و باشد  
 در عرض این قلیل البضاعه از هر کتاب که در علم و الفقه





مَالِ يَوْمِ الدِّينِ إِنَّكَ تَعْبُدُ وَايَاكَ

صاحب روز جزا

فَسْتَعِينُ أَهَذَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ط

یار من یحیوم بدایت کن مرا راه راست راه

الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا

الْمَانِكِ امانت کوی برایشان نه خشم گرفته شده برایشان و نه

الصَّالِحِينَ

کواهان



Handwritten marginal notes in Persian script, written vertically along the left edge of the page.

Handwritten marginal notes in Persian script, written diagonally across the top right of the page.

Handwritten marginal notes in Persian script, written diagonally across the bottom right of the page.

